

بِسْمِ اللَّهِ
الرَّحْمَنِ
الرَّحِيمِ ■ ■ ■



انتخابی در تراز دہم چھترام انقلاب

فهرست

دیباجه ۵

«انتخابات پرشکوه» تجلی قدرت تسخیرناپذیر ایران اسلامی

مقاله‌ی اول ۸

راهبرد نظام اسلامی در انتخابات یازدهم ریاست جمهوری

مقاله‌ی دوم ۱۴

آرایش انتخاباتی جریان‌های سیاسی در یازدهمین

دوره‌ی انتخابات ریاست جمهوری

مقاله‌ی سوم ۲۳

بررسی گفتمان‌های غالب در یازدهمین دوره‌ی ریاست جمهوری

مقاله‌ی چهارم ۳۳

بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های تحرکات اردوگاه استکبار در رابطه

با دو انتخابات دهم و یازدهم ریاست جمهوری

مقاله‌ی پنجم ۵۲

تبیین مدیریت رهبر معظم انقلاب اسلامی در حوادث

قبل و بعد از انتخابات دهم ریاست جمهوری

مقاله‌ی ششم ۸۰

نگاهی آماری به ۱۰ دوره‌ی انتخابات ریاست جمهوری در ایران

دیباچه

«انتخابات پرشکوه»

تجلی قدرت تسخیرناپذیر ایران اسلامی

علامه‌ی شهید مرتضی مطهری که برای دیدار با حضرت امام خمینی (ره) و کسب راهبرد درباره‌ی چگونگی هدایت انقلاب اسلامی به پاریس سفر کرده بود، پس از بازگشت از این سفر در جمع گروهی از دانشجویان دانشگاه تهران در پاسخ به این سؤال که امام خمینی (ره) را پس از سال‌ها دوری چگونه یافتید، اظهار داشت:

«من در حضرت استاد، ایمان به چهار رکن را دیدم که کوچک‌ترین تأمل و درنگی در آن نداشت. اول «آمن بالله» بود که به خدای بزرگ ایمان راسخ داشت. دوم «آمن بهدفعه» بود و به وظیفه‌ای که بر دوش او نهاده شده اعتقاد کامل داشت. سوم تجلی «آمن بسبيله» را در او مشاهده کردم. ایشان به راه و مسیری که گام نهاده و شیوه‌ی مبارزه با طاغوت اطمینان کامل دارند و بالاخره «آمن بقومه» را در ایشان مشاهده کردم. آن مرد خدایی به سرمایه‌های بنیادین یک مبارزه مستمر یعنی به مردم و پیروان خود ایمان و اطمینان کامل دارد و ایمان به این چهار عنصر بدون تردید باعث پیروزی و نصرت او خواهد شد.»

بر این مناسبت که معمار نظام جمهوری اسلامی ایران، پایه‌های «حدوث» و «بقا»ی این نظام را بر پایه‌ی گسترده حضور مردم بنیان نهاد و راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران را بر «بازدارندگی مردمی»، «حضور همه‌جانبه»، «برنامه محور» و «هوشمندانه» قرار داد؛ چرا که در طول تجربه‌ی بشری، این امر بدیهی و مسلم است که هیچ قدرت و سلاح کشتار جمعی قادر به شکست اراده‌ی پولادین یک ملت یکپارچه، معتقد، بیدار و بانگیزه نیست و دولت‌های

عصر حاضر هم به این باور رسیده‌اند که نیروهای مردمی تنها پشتوانه و ذخایر لایزال و تسخیرناپذیر آنها محسوب می‌شوند.

بدون شک انتخابات یازدهمین دوره‌ی ریاست جمهوری در ایران، یکی از آورده‌های مهم رویارویی ملت و دولت ایران با دنیای غرب خواهد بود، آورده‌گاهی که مشارکت عمومی و هوشمندانه‌ی یک ملت، نقشی به‌سزا در خاموش کردن فتنه‌ها و برنامه‌های دشمنان ایفاء خواهد نمود، اما چنانچه این مشارکت، با حضوری کم‌رنگ و کم‌روح رقم بخورد، دست برتر غرب به‌ویژه آمریکا را در تحولات آینده و نحوه‌ی مواجهه با جمهوری اسلامی ایران به نمایش خواهد گذارد.

اگرچه تبیین فضای رسانه‌ای و برشمردن تمامی محورهایی که در دستور کار پروژه‌ی نبرد رسانه‌ای قرار گرفته، در این مجال کوتاه میسر نیست اما با اندکی تأمل و مطالعه در محتوای متون و گفتمان‌های غالب رسانه‌های خبری غرب و زائده‌ی نامشروع آنان یعنی اپوزیسیون مقیم خارج، این نکته هویدا می‌شود که این شبکه‌ها، هم‌زمان با نزدیک شدن زمان انتخابات، موج تازه‌ای از حملات تبلیغی خود را علیه نظام جمهوری اسلامی ایران در قالب میزگردهای سیاسی، مصاحبه‌های خبری و نظرات کارشناسی و ارتباط گسترده با مخاطبان داخلی و خارجی، بر محور «تحریم انتخابات»، «رقابتی نبودن انتخابات»، «فقد اختیار بودن رئیس‌جمهور»، «دل‌سرد بودن مردم»، «برجسته‌سازی مشکلات اقتصادی» و «تخریب چهره‌های اصولگرا» معطوف نموده‌اند که تحلیل و رفتارشناسی رسانه‌ها در این برهه‌ی زمانی، تا حدودی پرده از مقاصد شوم آنان به کنار خواهد زد.

پس از مایوس شدن دنیای غرب از تغییر رژیم ایران از طریق حمله نظامی، رفتار سال‌های اخیر آنان نشان می‌دهد که شکست پوسترده‌ی سخت حاکمیت ملی را به عنوان هدف راهبردی خود برگزیده‌اند و قصد دارند به هر قیمت ممکن، وارد زیر سطح حاکمیت ملی ما از طریق فرایندهای سیاسی درون جامعه شوند. دشمنان نظام اسلامی به دنبال این هستند که از آن پوسترده سخت حاکمیت، راه نفوذی را پیدا کرده و همچون باغبانی تنه‌ی درخت مستحکم امنیت ملی کشور را قلمه و پیوندهایی بزنند که از آن محصول مورد نیاز خود را برداشت کنند.

بنابراین پر واضح است که رسانه‌های غرب به‌ویژه آمریکا، هدف اولیه را تحریم انتخابات، هدف نازل‌تر را مشارکت حداقلی و هدف آخر خود را چیدن محصول سیاسی متفاوتی از محصول کلی درخت حاکمیت ملی و انقلابی ما می‌دانند که

به تعبیر خودشان، «آمریکایی‌های غیر آمریکایی» هستند. بر همین اساس تخریب چهره‌های اصولگرا، القای اختلاف عمیق و گسترده در میان نیروهای وفادار به نظام، حمایت هدمند از نامزدی خاص، القای احساس ترس و وحشت از به قدرت رسیدن نیروهای اصولگرا، به یکی از مهم‌ترین گزاره‌های این رسانه‌ها تبدیل شده است.

امید است علی‌رغم تمامی توطئه‌هایی که فراروی برگزاری سالم، پرشور و قانونی انتخابات یازدهم تدارک دیده شده، مردم هوشمند و هوشیار ایران اسلامی، با حضوری گسترده و پرشور در انتخابات ۲۴ خرداد که نمادی آشکار از مشارکت سیاسی و نقش‌آفرینی مردم در سرنوشت جامعه‌ی اسلامی است نقشی بی‌بدیل در بارور نمودن قدرت خفته‌ی یک ملت ایفاء نمایند. انتخاب یازدهم ریاست جمهوری با مشارکتی پرشور و گسترده و با انتخاب رییس‌جمهوری در تراز دهه‌ی چهارم انقلاب اسلامی که به دهه‌ی پیشرفت و عدالت نامگذاری شده است می‌تواند با همت و هوشمندی مردم به صحنه‌ی احقاق حق تبدیل شود و مظهری شود برای توانایی و اقتدار ملی کشور که انشالله چنین نیز خواهد شد.

مقاله‌ی اول

راهبرد نظام اسلامی در انتخابات یازدهم ریاست جمهوری

راهبرد نظام اسلامی در انتخابات یازدهم ریاست جمهوری مبتنی بر این گزاره کلیدی است:

«برگزاری انتخابات پرشور و گسترده با آرامش، امنیت، سلامت و انتخاب رئیس‌جمهوری در تراز دهه‌ی چهارم انقلاب اسلامی»

این گزاره در حال حاضر در دستور کار رسانه‌ی ملی، دستگاه‌های اجرایی و نظارتی و مراکز امنیتی قرار گرفته است تا به حول و قوه الهی بتوانیم انتخاباتی در حد نام و اعتبار جمهوری اسلامی ایران برگزار نماییم.

در عبارت فوق چند شاخص برای انتخابات یازدهم ریاست جمهوری وجود دارد که هر یک نقشی اساسی و تأثیرگذار در برگزاری انتخاباتی در تراز ملت بزرگ و هوشیار ایران اسلامی خواهد داشت:

برگزاری انتخابات

این فراز پاسخی به برخی متوهمان داخلی است که این روزها گاه از قول آنها شنیده می‌شود که اگر فلان اتفاق بیفتد و یا فلان نامزد تأیید صلاحیت نشود انتخابات برگزار نمی‌شود و یا به تعویق می‌افتد.

همچنین هشدار و آماده‌باش به نیروهای امنیتی و انتظامی است که باید آمادگی خود را در برابر تهدیدات آشکار و پنهان دشمن خارجی حفظ نمایند

تا انتخابات بدون حتی یک ساعت تأخیر برگزار شود. با توجه به رایانه‌ای برگزار شدن انتخابات باید مراقبت‌های جدی و لازم در برابر تهدیدات سایبری را نیز پیش‌بینی کرد.

مشارکت پرشور و گسترده

کارشناسان علوم سیاسی حضور ۶۵ تا ۸۵ درصدی مردم ایران در انتخابات را یک حضور گسترده می‌دانند که انشاالله این حضور علی‌رغم همه‌ی مشکلاتی که در کشور با آن مواجه هستیم شکل خواهد گرفت. امروز استاندارد حضور در انتخابات ریاست جمهوری در کشورهای غربی حدود ۵۵ درصد است. مشارکت بالای ۸۵ درصد را مشارکت حداکثری می‌گویند.

مشارکت پرشور و گسترده مردم در انتخابات بسیار اساسی و تعیین کننده است و سبب عزت، اعتبار و اقتدار نظام جمهوری اسلامی در صحنه‌ی بین‌المللی می‌گردد. در واقع برگزاری یک انتخابات پرشور، بانشاط به همراه حضور گسترده‌ی مردم از تمامی جریان‌های نظام جمهوری اسلامی و فارغ از نگاه به سلیقه‌های مختلف، اعتبار و جایگاه نظام را تقویت خواهد کرد.

در این میان راهبرد مستمر و ثابت مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در همه دوره‌ها تأکید بر لزوم مشارکت فراگیر و گسترده در انتخابات بوده است. ایشان در این باره می‌فرمایند: «انتخابات یکی از عرصه‌های ظهور و بروز وحدت ما، عقلانیت ما و شعور ملی ما می‌تواند قرار بگیرد. بعضی خیال می‌کنند انتخابات، زمزمه‌های انتخاباتی، فضای انتخاباتی مایه‌ی اختلاف است. نه، می‌تواند مایه‌ی اتحاد باشد؛ می‌تواند تشجیع کننده‌ی به سرعت عمل و پیشرفت باشد. با رقابت مثبت، هر گروهی سعی کند برای خدمت‌گذاری به این ملت، سهم متناسب با خودشان را که لایق خودشان می‌دانند، به‌دست بیاورند. هیچ اشکالی ندارد این رقابت مثبت به جامعه نشاط می‌بخشد، ما را زنده‌دل می‌کند، روح جوانی را بر جامعه‌ی ما حاکم می‌کند.» (مهر ۱۳۸۶)

«به نظر من مسئله‌ی اول در انتخابات، مسئله‌ی این شخص و آن شخص نیست. مسئله‌ی اول، مسئله حضور شماست. حضور شماست که نظام را تحکیم می‌کند، پایه‌های نظام را مستحکم می‌کند. آبروی ملت را زیاد می‌کند، استقامت کشور را در مقابل دشمنی‌ها زیاد می‌کند و دشمن را از طمع ورزیدن به کشور و از فکر ضربه‌زدن و توسعه و فساد و فتنه منصرف می‌کند.» (اردیبهشت ۱۳۸۸)

از راهبرد فوق می‌توان نتیجه‌گیری کرد که انتخابات پرشور و همراه با حضور

گسترده‌های جریانات معتقد به نظام، به دور از رقابت‌های مخرب یکی از راهکارهای تقویت امنیت ملی است. چرا که این حضور فراگیر، سرمایه‌ی اجتماعی را که میزان مشارکت، اعتماد و آگاهی ملت ایران است را به نمایش می‌گذارد. همچنین حضور گسترده‌ی مردم در انتخابات می‌تواند در برابر تهدیدات دشمن بازدارندگی به‌وجود بیاورد. همان‌گونه که مقام معظم رهبری این حضور را مانع طمع‌ورزی دشمنان در اعمال تهدید و فتنه می‌دانند. اما نکته‌ی اساسی و قابل تأمل آن است که در آن سوی میدان نیز راهبرد تحریم، انتخابات سرد و تلاش رسانه‌ای برای مشارکت حداقلی از دستور کار دولت‌های غربی و رسانه‌های وابسته به آن و جریان اپوزیسیون و تجدیدنظرطلب خارج شده است. راهبرد جدید غرب برای تأثیرگذاری بر انتخابات، بسیج رسانه‌ها و همه‌ی جریانات و گروه‌های مخالف و معارض برای مشارکت حداکثری با تأثیرگذاری بر نگرش و باورهای ذهنی مردم به سمت نامزدی خاص و یا فهرست نامزدهای گروهایی خاص است. برنامه‌ی غرب در انتخابات این است که یا گزینه‌های مورد نظر ما باید رأی بیاورد و یا با برهم زدن بازی، انتخابات ابطال شود.

عوامل تأثیرگذار در کاهش مشارکت مردم:

- ایجاد شبهه در مورد سلامت انتخابات در بین آحاد مردم
- دامن زدن به اختلافات سه قوه و کشاندن آن به میان مردم و رسانه‌ها
- ایجاد شکاف اجتماعی و سیاسی در بین نخبگان و برخی اقشار جامعه
- ترویج روحیه‌ی عدم اعتماد به نظام و مسئولان در بین مردم
- تشدید تحریم‌ها و بروز مشکلات اقتصادی
- ناآرام کردن فضای امنیتی کشور با ترور، بمب‌گذاری و خرابکاری
- تلاش ناکافی در ایجاد بسترهای اقناعی و مدیریت افکار عمومی
- ایجاد اختلافات قومی، مذهبی و سوءاستفاده از این اقدامات
- افشاگری‌های ناامیدکننده و بی‌اعتمادی نسبت به اوضاع کشور در بین مردم

آرامش

کلیدواژه‌ی آرامش مربوط به فضای جامعه و مردم است. اگر چه حاکمیت فضای آرامش یک نیاز همیشگی برای مردم است اما در آستانه‌ی ورود به انتخابات این ضرورت دو چندان شده و همه‌ی مسئولان و رسانه‌ها موظفند این فضای آرام را در جامعه رقم بزنند. ورود به انتخابات در فضای ملتهب و گرگ

و میش گونه می‌تواند بستر ساز ایجاد فتنه و ناآرامی و آشوب در کشور باشد. غرب که همواره دنبال به چالش کشیدن نظام جمهوری اسلامی است، اعتقاد دارد که خود انتخابات فی‌نفسه از ظرفیت لازم برای چالش امنیتی برخوردار است. سال ۱۳۸۸ نشان داد انتخابات برای طرف غربی یک فرصت است و می‌توان با انتخاباتی ولو با مشارکت ۸۵ درصدی، امنیت و مشروعیت نظام را هدف قرار داد.

تفاوت انتخابات ریاست جمهوری با انتخابات‌هایی چون مجلس و شوراهای این است که در انتخابات ریاست جمهوری، یک نفر در سطح ملی انتخاب می‌گردد. عمده چالش‌های امنیتی متأثر از انقلاب‌های رنگی ناشی از حرکت‌های اعتراضی به نتایج انتخابات در پایتخت‌ها رخ می‌دهد. در صورت لقاء شبیهه در سلامت انتخابات و تردید در این که رأی شما به حساب نیامده است، بی‌ثباتی و چالش در سطح ملی توزیع و به سطح شهرستان‌ها منتقل می‌شود و در صورت فراگیری آن، مهار و کنترل آن پیچیده‌تر خواهد شد.

بنابراین انتخابات پیشرو می‌تواند تأثیرات عمیقی بر ریشه‌های راهبردی جمهوری اسلامی در محیط خارجی داشته باشد. به عبارتی می‌تواند دارای پیامدهای سیاسی افزایش‌دهنده قدرت نرم و آسیب‌پذیری‌های کاهش‌دهنده امنیت نرم باشد. این انتخابات در صورتی که توسط نخبگان، مسئولان و مردم مراقبت و مدیریت نشود، می‌تواند بسترهای زیادی را برای بروز بحران اعتماد، کارآمدی، هویت و انسجام به‌وجود بیاورد و به الگوی موفق و الهام‌بخش جمهوری اسلامی و چهره مردم‌سالار ایران در محیط خارجی آسیب وارد نماید و برداشت از جمهوری اسلامی ایران و باورهای ذهنی را دگرگون سازد.

اما از سوی دیگر انتخابات یازدهم ریاست جمهوری می‌تواند به نمایش الگوی موفق «مردم‌سالاری دینی» تبدیل شود و موجب شود تا اقتدار، هم‌بستگی ملی و اعتماد مردم به نظام افزایش یابد و کمک کند تا جمهوری اسلامی به عنوان الگوی کارآمد، الهام‌بخش و نمونه‌ی مردم‌سالاری دینی، در سطح منطقه ظهور موثرتری داشته باشد.

امنیت

تأمین امنیت فضای جامعه قبل، حین و پس از برگزاری انتخابات وظیفه‌ی اصلی دستگاه‌های امنیتی و انتظامی است به‌صورتی که به‌هیچ وجه اجازه‌ی عرض اندام به برهمن زندگان امنیت و آرامش جامعه داده نشود.

سلامت

این کلیدواژه مربوط به دو گروه مجریان و ناظران انتخابات است. وزارت کشور به عنوان مجری و شورای نگهبان به عنوان ناظر انتخابات باید ضامن سلامت انتخابات باشند.

در این میان جریان فتنه داخلی و خارجی تلاش دارند برای مخدوش جلوه دادن سلامت انتخابات در ایران، طرحی نو دراندازند. از این رو شش ماه مانده تا انتخابات ریاست جمهوری یازدهم، کلیدواژه‌ی «انتخابات آزاد» به دفعات از سوی چهره‌های برجسته‌ی طیف‌های مختلف جریان اصلاحات- فتنه به کار رفته و این واژه به پُرسامدترین واژه‌ی تبلیغاتی جریان فتنه طی ماه‌های گذشته تبدیل شده است. امری که با واکنش اعتراض آمیز و هشدار مقام معظم رهبری در روز نوزدهم دی‌ماه مواجه شد و ایشان با تأکید بر آزاد بودن تمامی انتخابات در جمهوری اسلامی، به صراحت این اقدامات و القائات را تأمین خواسته‌های دشمن دانستند و مطرح کنندگان این کلیدواژه‌ی فتنه‌انگیز را از تکمیل کردن جدول مورد نظر دشمن بر حذر داشتند.

تشکیک در سلامت انتخابات و شائبه‌ی تخلف در آن، همواره در آستانه‌ی برگزاری انتخابات در جمهوری اسلامی، به‌ویژه از سوی محافل و رسانه‌های خارجی و گروه‌های ضدانقلاب، همچون خاندان پهلوی، رجوی و نهضت آزادی مطرح شده است. این پروژه اهدافی دارد که مهم‌ترین آن‌ها بدین قرار است:

- مخدوش کردن نظام و سلامت و کارآمدی آن
- تشکیک در سلامت انتخابات با هدف ایجاد فضای بی‌اعتمادی
- زیر سؤال بردن ویژگی مردمی بودن نظام و مخدوش کردن حضور یا دل سرد کردن مردم از مشارکت گسترده
- نفی جایگاه ولی فقیه و نظارت استصوابی به عنوان ناقضان آزادی انتخابات
- تجهیز و متشکل تر شدن فکری و سازمانی بدنه‌ی اجتماعی فتنه‌گران
- هم‌افزایی و ائتلاف بین اپوزیسیون داخل و خارج کشور
- قبح زدایی از طرح نظارت سازمان‌های بین‌المللی بر انتخابات کشور
- پیدایش فشار اجتماعی به نظام
- القای یأس و ناامیدی در مردم نسبت به نظام و مسئولین
- مخدوش جلوه دادن الگوی مردم‌سالاری دینی

هرچند در طول سه دهه‌ی اخیر این شبهه در هر دوره از انتخابات از سوی معاندین نظام مطرح شده است، اما متأسفانه در انتخابات ریاست جمهوری دهم و در آستانه‌ی انتخابات یازدهم ریاست جمهوری، صداهایی از درون نظام به آن پژواک داده‌اند. این فضا سازی مسموم رسانه‌ای از سوی دشمنان نظام قابل پیش‌بینی و انتظار است، اما طرح یا تکرار آن از سوی عناصری از درون نظام پدیده‌ای نادر و قابل تأمل است.

در طرف دیگر میدان، جریان فتنه در صدد است مانند انتخابات ۸۸، با کشاندن دست‌مایه‌ی انتخابات آزاد به فضای عمومی و با راه‌هایی شبیه «نافرمانی‌های مدنی و اعتصابات سراسری»، به زعم خود، نظام اسلامی را به فتنه‌ای دیگر در بحبوحه‌ی انتخابات بیالاید یا حداقل برای مخدوش بودن انتخابات ۸۸ و غیر آزادانه بودن آن تأییدی تلویحی بگیرد و از هم‌اکنون با مظلوم‌نمایی، از شکست احتمالی خود در انتخابات آتی، راهی برای فرار به جلو بیابد.

انتخاب رییس‌جمهور در تراز دهه‌ی چهارم انقلاب اسلامی

این وظیفه و تکلیفی است که بر دوش همه‌ی رأی‌دهندگان سنگینی می‌کند. مردم هوشیار ایران اسلامی با درک همه‌ی فرصت‌ها و تهدیدهای فراروی انقلاب اسلامی باید به نامزدی رأی دهند که در تراز دهه‌ی چهارم انقلاب اسلامی بوده و با روحیه‌ای کارآمد، ولایت‌مدار و انقلابی بتواند در این دهه از انقلاب که توسط مقام معظم رهبری به دهه‌ی پیشرفت و عدالت نام‌گذاری شده، ضمن صیانت از ارزش‌های اسلامی، جریان سازندگی و پیشرفت کشور را با سرعت بیشتری به سوی افق‌های روشن هدایت نماید.

آرایش انتخاباتی جریان‌های سیاسی در یازدهمین دوره‌ی ریاست جمهوری

انتخابات یازدهمین دوره ریاست جمهوری در ۲۴ خرداد ماه سال ۱۳۹۲ برگزار خواهد شد تا دکتر احمدی‌نژاد در مردادماه سال ۱۳۹۱ سکان هدایت دولت را به رئیس‌جمهور یازدهم تحویل دهد.

با آن‌که تا برگزاری انتخابات یازدهم ریاست جمهوری حدود پنج ماه باقی مانده است اما فضای سیاسی و رسانه‌ای کشور تحت‌الشعاع این رخداد مهم قرار گرفته و شاهد اخبار، گزارش‌ها و تحلیل‌های مختلفی درباره‌ی آخرین صفت‌بندی‌های سیاسی، اختلاف‌ها و ائتلاف‌ها، شعارها و برنامه‌ها و آمدن یا نیامدن فلان چهره‌ی سیاسی در عرصه‌ی انتخابات هستیم.

یکی از پیش‌نیازهای اساسی برای ارائه‌ی تحلیلی درست از تحولات سیاسی کشور از آن جمله انتخابات ریاست جمهوری، شناخت «آرایش سیاسی» کشور است. منظور از شناخت آرایش سیاسی، شناخت احزاب، جریان‌ها و شخصیت‌های موثر در صحنه‌ی سیاسی کشور، تعامل آن‌ها با یکدیگر و با نظام، جهت‌گیری‌ها، دیدگاه‌ها و سلايق آنها در موضوعات کلان کشور و موقعیت و وزن هر یک از آنها در تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها و در نزد افکار عمومی است. البته این یادداشت به اجمال به آرایش جریان‌های سیاسی می‌پردازد.

باید توجه داشته باشیم اصطلاحاتی که برای دسته‌بندی‌های مختلف سیاسی وضع شده است الزاماً گویای همه‌ی ابعاد گفتمانی این جریان‌ها نبوده و بیشتر بدلیل تأکید خود جریان‌ها بر این نام‌گذاری‌ها یا از باب غلبه یک ویژگی یا بخشی از یک گفتمان برای دسته‌بندی‌ها رواج یافته‌اند.

صف‌بندی انتخاباتی افراد و جریان‌های سیاسی در انتخابات یازدهم

در حال حاضر چهار جریان و صف‌بندی انتخاباتی در فضای سیاسی کشور مشاهده می‌شود که مجموعه‌ی این گروه‌ها آرایش جدیدی را در فضای سیاسی به‌وجود آورده‌اند. این جریان‌ها عبارتند از:

- جریان اصولگرایی
- جریان حامی دولت
- جریان اصلاحات
- چهره‌های مستقل

جریان اصولگرایی

جریان اصولگرایی اگر چه هویت خود را در اعتقاد به انقلاب اسلامی، مکتب امام خمینی(ره)، اطاعت از رهبری، التزام به قانون اساسی، اعتقاد به ولایت فقیه و مرزبندی با فتنه و انحراف تعریف کرده است اما در روش‌ها و گرایش‌ها دارای اختلافاتی هستند که این امر به شکل‌گیری دو جریان عمده ختم شد. یک جریان تحت اشراف آیت‌الله مهدوی کنی و یا به تعبیری صحیح‌تر جامعین(جامعه‌ی مدرسین و جامعه‌ی روحانیت) که در انتخابات مجلس نهم با عنوان جبهه‌ی متحد اصولگرایی و یا ۷+۸ حضور یافتند و جریان دیگر تحت اشراف آیت‌الله مصباح یزدی که با عنوان جبهه‌ی پایداری شناخته می‌شوند.

اگرچه تاکنون جامعین و آیت‌الله مصباح به‌طور رسمی حضور خود را در انتخابات کلید نزده‌اند اما برخی چهره‌ها و جریان‌های اصولگرا وارد میدان رقابت انتخاباتی شده‌اند که در این مجال به مهم‌ترین این تحرکات اشاره‌ای خواهیم داشت:

■ ائتلاف سه‌گانه

شکل‌گیری ائتلاف سه‌گانه که در رسانه‌ها و محافل سیاسی گاه از آن با عنوان ۱+۲ نام می‌برند به عنوان اصلی‌ترین تشکل انتخاباتی اصولگرایان شناخته می‌شود چرا که سه گزینه‌ی اصلی اصولگرایان در انتخابات یعنی آقایان ولایتی، حداد عادل و قالیباف در آن حضور دارند.

این تشکل با هدف ایجاد وحدت در جبهه‌ی اصولگرایی و جلوگیری از توزیع آرای اصولگرایان تشکیل شده است. بر اساس توافق‌نامه‌ای که به امضای سه نامزد رسیده است، نامزدی نهایی پس از نظرسنجی‌هایی که زیر نظر این کمیته

صورت خواهد گرفت، انتخاب خواهد شد و دو نامزد دیگر خود را موظف می‌دانند وی را برای پیروزی در انتخابات کمک نمایند. همچنین تیم اجرایی و برنامه‌ی اداره کشور توسط نامزد نهایی در هفته‌های منتهی به انتخابات اعلام خواهد شد.

■ جبهه‌ی پایداری

اگرچه جبهه‌ی پایداری هنوز به صورت رسمی نامزد خود را معرفی نکرده است اما گمانه‌زنی‌های متعددی درباره نامزدهای آنان در جریان است. به نظر می‌رسد گزینه‌ی اصلی این جریان کامران باقری لنکرانی، وزیر سابق بهداشت و درمان، باشد و آقایان سعید جلیلی، دبیر شورای عالی امنیت ملی، پرویز فتح، وزیر سابق نیرو و میر کاظمی، وزیر اسبق نفت، که از نامزدهای احتمالی این جریان بودند، قصد نامزدی ندارند.

در عین حال برخی گمانه‌ها حاکی از آن است در صورتی که لنکرانی به هر دلیلی نامزد نشود این جبهه آمادگی حمایت از آقای حداد عادل را با شرط انتخاب وی در ائتلاف سه‌گانه را دارد.

همچنین برخی دیگر از گمانه‌ها حکایت از آن دارد در صورتی که باقری لنکرانی نیاید و از سوی دولت دکتر الهام به عنوان نامزد معرفی شود آمادگی در جبهه‌ی پایداری برای حمایت از الهام وجود دارد.

■ چهره‌های مستقل اصولگرا

در کنار ائتلاف سه‌گانه و جبهه‌ی پایداری، چهره‌های دیگری از اصولگرایان یا به صحنه آمده و یا در محافل رسانه‌ای و سیاسی از احتمال نامزدی آنان سخن گفته می‌شود که عبارتند از:

- محسن رضایی
- علیرضا زاکانی
- مصطفی پورمحمدی
- منوچهر متکی
- محمدحسن ابوترابی

جریان حامی دولت

دکتر احمدی‌نژاد که دولت خود را وارث گفتمان سوم تیر می‌داند برای بقاء در قدرت و پیشبرد گفتمان خدمت و مهرورزی به دنبال معرفی نامزدی خواهد بود که این گفتمان را پی‌گیری و دنبال نماید.

حتی برخی تحلیل‌گران معتقدند با اجرای پروژه‌ی پوتین-مدود، احمدی‌نژاد در صدد بازگشت به قدرت و تکمیل پروژه‌های ناتمام خود خواهد بود. حامیان دولت و به‌ویژه شخص احمدی‌نژاد بیشترین شانس پیروزی خود در انتخابات را در معرفی و انتخاب اسفندیار رحیم مشایی می‌دانند به شرط آن که بتواند از صافی شورای نگهبان عبور نماید.

به اعتقاد حامیان دولت، مشایی در صورت تأیید شدن حتی شانس پیروزی در مرحله‌ی اول انتخابات را هم داراست چرا که وی هم توانایی جذب آرای طرفداران دولت احمدی‌نژاد را دارد و هم آرای خاکستری و حتی اصلاح‌طلبان معتدل را. از سوی در صورتی که انتخابات به دور دوم کشید شود باز پیروز دور دوم مشایی خواهد بود. زیرا در صورتی که مشایی با یک نامزد اصولگرا به دور دوم برود جریان اصلاح‌طلب به مشایی رأی خواهد داد و چنانچه مشایی با یک اصلاح‌طلب به دور دوم برود اصولگرایان برای ممانعت از به قدرت رسیدن اصلاح‌طلبان به ناچار به مشایی رأی خواهند داد.

البته بزرگ‌ترین دغدغه‌ی و نگرانی حامیان دولت، رد صلاحیت مشایی توسط شورای نگهبان است که بر این اساس مجبورند گزینه‌های دیگری را مطرح نمایند تا در صورت رد صلاحیت مشایی، گزینه‌های جانشین خود را برای ورود به صحنه‌ی مبارزات انتخاباتی آماده نمایند.

علاوه بر مشایی، تاکنون از سوی حامیان دولت نام نامزدهای دیگری برای ورود به صحنه‌ی انتخابات یازدهم ریاست جمهوری مطرح شده‌اند که عبارتند از:

■ غلام‌حسین الهام (مشاور رییس‌جمهور و سخن‌گوی دولت)

■ علی نیکزاد (وزیر راه و شهرسازی)

■ علی‌اکبر صالحی (وزیر امور خارجه)

اگر چه در محافل سیاسی و رسانه‌ای از افراد دیگری چون دکتر دانشجو، وزیر آموزش عالی، دکتر عباسی، رئیس سازمان انرژی اتمی، حجت‌الاسلام سید احمد موسوی، رئیس سازمان حج و زیارت و سید حسن موسوی، رئیس دفتر رییس‌جمهور به عنوان نامزدهای احتمالی دولت نام می‌برند اما به نظر می‌رسد این اسامی گمانه‌هایی است که به واقعیت نزدیک نیست.

در عین حال به نظر می‌رسد چنانچه به هر دلیلی دولت نتواند نامزد اختصاصی خود را برای این دوره معرفی نماید، دکتر حداد عادل می‌تواند گزینه‌ی انتخاباتی حامیان احمدی‌نژاد باشد.

جریان اصلاحات

جریان اصلاح طلب را باید به چند گروه تقسیم کرد:

■ اصلاح طلبان افراطی

اصلاح طلبان افراطی که از آنان با عنوان جریان فتنه یاد می شود. بسیاری از اعضای حزب منحلّه مشارکت و سازمان منحلّه مجاهدین انقلاب به علاوه عناصری چون میرحسین موسوی و کروبی که در فتنه ۸۸ جزء پرچم داران فتنه بودند در این طیف جای دارند.

■ اصلاح طلبان معتدل

اصلاح طلبان معتدل که اکثریت اعضای مجمع روحانیون، حزب کارگزاران سازندگی، بنیاد باران و حزب مردم سالاری عضو این جریان محسوب می شوند. این طیف اگرچه در راه اندازی فتنه ۸۸ سهیم بودند اما به تدریج خود را از اردوگاه فتنه گران خارج کردند. البته برخی از آنها هنوز از دروغی به نام تقلب به صراحت دست برنداشته اند.

■ اصلاح طلبان مستقل

اصلاح طلبان مستقل که برخی چهره های اصلاح طلب همچون محمد شریعتمداری، پزشکیان و محمدرضا عارف در این گروه قرار دارند. این افراد بیش از آن که در قالب تصمیم گیری های حزبی و جناحی تصمیم گیری نمایند دارای مواضع مستقل سیاسی هستند اما تفکر آنها در مجموع به اردوگاه جبهه دوم خرداد نزدیک است.

■ راهبرد انتخاباتی اصلاح طلبان افراطی

راهبرد انتخاباتی اصلاح طلبان افراطی که دارای دو شاخه داخلی و خارجی هستند با اختلافاتی همراه است. این اختلاف در انتخابات نهمین دوره مجلس هم مشاهده شد. دسته ی اول آنهاپی هستند که خط «تحریم فعال انتخابات» را برگزیدند و تلاش کردند تا با کاستن از مشارکت مردم، نظام اسلامی را نامشروع جلوه دهند. در این زمینه می توان به نامه ۳۶ زندانی سیاسی اشاره کرد که بر تحریم انتخابات تأکید کرده بودند. هر چند که در مورد اصل نوشته شدن متن به دست زندانیان و صحت همه ی امضاءها شبهات جدی ای وارد شد و افرادی

چون عباس عبدی آن را جعلی دانستند.

در این انتخابات هم موضع افرادی چون مصطفی تاجزاده، میردامادی، بهزاد نبوی، میرحسین موسوی و کروبی در داخل کشور و گروه‌هایی چون جنبش سبز راه امید در خارج کشور که در آن افرادی چون کدیور، سروش، مهاجرانی، گنجی، مزروعی، عبدالعلی بازرگان و... قرار دارند بر تحریم انتخابات است چرا که این حضور به معنای مشروعیت بخشیدن به نظام و قبول ساز و کار انتخابات و عقب‌نشینی از ادعای تقلب است.

اما دسته‌ی دوم همچون عبدالله نوری و موسوی خوئینی‌ها هرچند با راهبرد عدم حضور فعال در رقابت‌های انتخاباتی به نحوی با دسته‌ی اول هم مسیر بودند، اما در روز انتخابات به پای صندوق رأی رفتند تا به‌طور رسمی جدایی خود را از دسته‌ی اول اعلام کنند و آخرین دریچه برای بازگشت به نظام اسلامی را هم چنان باز نگه دارند.

در حال حاضر افرادی چون عبدالله نوری طرفدار حضور بی‌قید و شرط در انتخابات ریاست جمهوری هستند و معتقدند اصل حضور آنها باعث بازسازی تشکیلات انتخاباتی اصلاح‌طلبان و پیروزی آنان در انتخابات‌های آینده خواهد شد.

در مقابل چهره‌هایی چون موسوی خوئینی‌ها معتقدند ما نباید به سادگی هیزم انتخابات نظام شویم و سود آن را نظام ببرد. ما باید با ارائه‌ی پیش شرط‌هایی همچون آزادی زندانیان سیاسی و رفع حصر کامل موسوی و کروبی در انتخابات شرکت کنیم.

■ راهبرد انتخاباتی اصلاح‌طلبان معتدل

وضعیت در اردوگاه اصلاح‌طلبان به اصطلاح معتدل متفاوت است. این گروه معتقد به حضور در انتخابات ریاست جمهوری و معرفی نامزدی اصلاح‌طلب هستند. اصلاح‌طلبان جدا شده از اردوگاه فتنه، بعد از این که فرصت انتخاباتی مجلس شورای اسلامی را از دست داده‌اند اینک تمام تلاش خود را برای حضور فعال در انتخابات ریاست جمهوری آغاز کرده‌اند.

در این وضعیت، اخبار و گزارش‌های متعددی مبنی بر برگزاری نشست‌ها و دیدارهای مختلف انتخاباتی و طرح مسئله‌ی حضور برخی چهره‌های میانه‌روی جریان اصلاح‌طلب به‌عنوان نامزد این جریان در انتخابات آتی به گوش می‌رسد. نکته قابل تأمل آن است که این طیف از اصلاح‌طلبان هنوز نتوانسته‌اند در تعیین نامزدی مطلوب به اجماع برسند. در این میان رقابت اصلی میان حزب کارگزاران

از یک سو و مجمع روحانیون و بنیاد باران از سوی دیگر است. حزب کارگزاران معتقد است دیگر دوران معرفی نامزد ریاست جمهوری از سوی مجمع روحانیون به سر آمده و محور معرفی نامزد ریاست جمهوری در دوره کنونی باید بر اساس شاخص‌هایی چون کارآمدی، رفع مشکلات اقتصادی مردم و معرفی کابینه‌ی اجرایی و باتجربه صورت پذیرد. این حزب معتقد است این شاخص‌ها به صورت تمام و کمال در اختیار اعضای حزب کارگزاران سازندگی است که ترکیبی از تکنوکرات‌های باتجربه را در اختیار دارد. گزینه‌های مطلوب کارگزاران عناصری چون محمدعلی نجفی، بیژن زنگنه، حبیب‌الله بی‌طرف و اسحاق جهانگیری هستند.

اما از سوی دیگر اعضای مجمع روحانیون معتقدند هنوز محمد خاتمی از بیشترین مقبولیت مردمی برخوردار است و در صورتی که وی حاضر به نامزدی نشود، حمایت خاتمی از نامزدهایی چون مصطفی محقق داماد و یا سید حسن خمینی می‌تواند معادله‌ی انتخابات را به نفع اصلاحات رقم بزند. علاوه بر این که اگر در نهایت مجبور به انتخاب گزینه‌ای از اعضای حزب کارگزاران سازندگی همچون محمدعلی نجفی شدیم این انتخاب و معرفی باید از طریق مجمع روحانیون صورت بپذیرد تا پرچم‌داری و ماهیت جریان اصلاح‌طلبی حفظ شود.

■ راهبرد انتخاباتی اصلاح‌طلبان مستقل

اصلاح‌طلبان مستقل اگر چه از شانس چندان برای پیروزی در انتخابات برخوردار نیستند اما امید به رد صلاحیت نامزدهای جریان اصلاحات داشته و معتقدند در صورت تحقق این فرض، اصلاح‌طلبان معتدل ناچار به حمایت از ما خواهند شد.

جریان معتدل اصلاحات در پی احیای مشروعیت سیاسی خود و ورود مجدد به صحنه‌ی سیاسی کشور، در شرایطی که به لحاظ قانونی مجدداً پذیرفته شده باشد، است. این جریان انتخابات آینده را بهترین فرصت و تنها فرصت برای تحقق این هدف می‌داند.

از دید این جریان، نظام باید به این نتیجه برسد که نه می‌تواند اصلاح‌طلبان را حذف کند و نه این کار به صلاح اوست. البته یک نگرانی مشترک در میان تمام طیف‌های اصلاح‌طلب این است که نظام بتواند یک جریان یا یک نامزد اصلاح‌طلب خودساخته و تحت کنترل در این انتخابات ایجاد کند. هم اکنون چنین بدگمانی‌ای به افرادی مانند عارف وجود دارد.

تدبیر نظام در مواجهه با بازگشت اصلاح طلبان

نظام اسلامی در مواجهه با بازگشت اصلاح طلبان به صحنه رقابت انتخاباتی چند ملاحظه مهم را مد نظر دارد که عبارتند از:

■ آن بخش از منسوبان به اردوگاه اصلاح طلبی که در ماجرای فتنه ۸۸ نقش آفرین بوده و احیاءنا مجرم نیز شناخته شده‌اند، برای همیشه صلاحیت خود را از تصدی نقش‌های کلیدی نظام اسلامی از دست داده‌اند و این افراد باید طمع بازگشت به قدرت را از خود دور سازند.

■ حامیان و یا ساکتان فتنه ۸۸ باید به صراحت از دروغ بزرگی به نام تقلب ابراز براءت نمایند و ساز و کار برگزاری انتخابات در جمهوری اسلامی ایران را به رسمیت بشناسند.

■ حامیان ضمنی و ساکتان در فتنه ۸۸ ضمن اعلام رسمی براءت از فتنه و فتنه‌گران، باید در برابر ملت، تعهدات و ضمانت‌های قطعی بدهند که بار دیگر قانون شکنی انتخابات سال ۸۸ تکرار نخواهد شد.

چهره‌های مستقل

در میان چهره‌های مستقلی که تاکنون برای حضور در انتخابات ریاست جمهوری اعلام آمادگی کرده‌اند نام این افراد به چشم می‌خورد:

■ حسن روحانی (عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام)

■ محمد سعیدی کیا (وزیر اسبق راه و شهرسازی)

■ محمد شریعتمداری (وزیر بازرگانی دولت خاتمی)

■ حسن سبحانی (دکترای اقتصاد و دوره نماینده سه دوره شهر دامغان)

البته در این روزها نام هاشمی رفسنجانی هم به عنوان گزینه احتمالی ریاست جمهوری یازدهم مطرح شده که خود ایشان هم آن را رد نکرده است. در صورتی که هاشمی وارد عرصه انتخابات شود آرایش انتخاباتی تا حدودی دست‌خوش تغییراتی خواهد شد و نامزدهایی چون حسن روحانی، محمد شریعتمداری و برخی نامزدهای مطرح اصلاح طلبان همچون محمدعلی نجفی، اسحاق جهانگیری، مهرعلیزاده، محمدرضا عارف و... از نامزدی در انتخابات انصراف خواهند داد.

اهداف نامزدی چهره‌های مستقل

چهره‌های مستقل اهداف مختلفی برای نامزدی خواهند داشت که نمی‌توان در

یک یا چند گزینه این اهداف خلاصه کرد اما برخی از این انگیزه‌ها را که ادعا کرده‌اند را می‌توان در موارد ذیل خلاصه کرد:

- بازگشت به قدرت و ریل‌گذاری صحیح برای مسیر آینده‌ی نظام اسلامی
- استفاده از ظرفیت همه‌ی نخبگان و مدیران با تجربه برای اداره‌ی کشور
- دفاع از عملکرد خود در دولت‌های گذشته و رفع ایهامات و پاسخ به اتهامات مطرح شده

■ استفاده از فرصت انتخابات و شبکه‌های تلویزیونی برای مقابله به‌مثل با سخنان و افشاگری‌های احمدی‌نژاد در انتخابات ۸۴ و ۸۸

- بیان مفاسد و ناکارآمدی‌های دولت نهم و دهم از نگاه آنها
- افشای وعده‌های انجام نشده دولت نهم و دهم
- تبیین برخی واقعیات اقتصادی کشور و هزینه‌هایی که مدیریت‌های ناکارآمد بر کشور تحمیل کرده

■ بازگشت آرامش به فضای سیاسی و استفاده مطلوب از ظرفیت‌های بی‌بدیل کشور

- دفاع از اصل قانون‌گرایی در کشور
- عبور کشور از تحریم‌ها و تهدیدهای خارجی

البته این ادعاها تنها از طریق مصاحبه‌ها و سخنرانی‌ها مطرح شده و با پرونده عملکرد برخی از این نامزدها که در سال‌های گذشته دارای مسئولیت بودند فاصله بسیاری دارد.

در کنار ارزیابی آرایش انتخاباتی گروه‌ها و جریان‌های سیاسی، بررسی شعارها، گفتمان‌ها و راهبردهای انتخاباتی گروه‌ها هم از اهمیت بسیاری برخوردار است که در نوشتار بعدی به آن خواهیم پرداخت.

مقاله‌ی سوم

بررسی گفتمان‌های غالب در یازدهمین دوره‌ی ریاست جمهوری

۲۳

نقش و سبب
و همچنین سبب

سابقه‌ی برگزاری ۱۰ دوره انتخابات ریاست جمهوری در جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد که مردم در گزینش نامزدهای ریاست جمهوری به تدریج در حال حرکت از «شخصیت محوری» به سمت «گفتمان محوری» هستند. از این رو پیش‌بینی می‌شود رقابت در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۲ بیش از آن که با تکیه بر سابقه اجرایی و سیاسی نامزدها رقم بخورد، حول محور گفتمان‌های ارائه شده از سوی نامزدها خواهد بود و در ذیل این گفتمان‌ها می‌توان محور برنامه‌ها و ایده‌های یک نامزد را در ویتترین رقابت‌های سیاسی ملاحظه کرد.

تأملی بر گفتمان‌های اصیل انقلاب اسلامی نشان می‌دهد نبض تولید گفتمان‌سازی در بیش از سه دهه‌ی گذشته همواره در دست بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای(حفظه الله) بوده است.

در دوران رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای از سال ۱۳۶۸ تاکنون نبض گفتمان‌سازی در کشور همواره در دست ایشان بوده است. معظم‌له با هوشمندی و درک نیازهای امروز و فردای نظام اسلامی و به فراخور ملاحظات کشور و منافع مردم در قالب‌های مختلف از جمله نام‌گذاری سال‌ها، فرمان تدوین سند چشم‌انداز، برپایی جنبش‌های نرم‌افزاری و تولید علم و... گفتمان‌های مناسب را طراحی کرده‌اند.

در این میان و در آستانه‌ی ورود به دهه‌ی چهارم انقلاب، معظم‌له دهه‌ی چهارم را «دهه‌ی عدالت و پیشرفت» نامگذاری کردند، پیشرفتی که در دل آن عدالت، معنویت و عقلانیت نیز وجود دارد. از این رو طراحی گفتمانی گروه‌های سیاسی برای حضور در انتخابات ریاست جمهوری آینده می‌بایستی معطوف به گفتمان مادر که همان گفتمان پیشرفت است صورت بپذیرد.

مروری بر ادبیات سیاسی و گفتمانی چهره‌های مطرح اصولگرا نشان می‌دهد که گفتمان پیشرفت با زیر مجموعه‌هایی چون عدالت، استکبارستیزی، ولایت‌مداری، معنویت، عقلانیت و خدمت‌رسانی به مردم در سرلوحه‌ی شعارهای نامزدهای احتمالی‌ای همچون آقایان ولایتی، قالیباف، حداد عادل، رضایی، پورمحمدی و... قرار دارد.

اما در جبهه‌ی مقابل گفتمانی با درک شرایط اقتصادی کشور شکل گرفته که می‌تواند تهدیدی برای گفتمان نظام اسلامی در دهه‌ی چهارم انقلاب باشد که بدان خواهیم پرداخت.

رقابت میان دو تفکر «خط سازش» و «خط مقاومت»

در تحلیل شرایط موجود کشور شواهد بسیاری حکایت از آن دارد که دشمن خارجی با کمک برخی افراد و جریان‌های داخلی درصدد القای خط سازش در برابر خط مقاومت است. به این معنا که دشمن با استفاده از عوامل فریب خورده یا غافل سعی دارد با پیوند مشکلات اقتصادی به پرونده‌ی هسته‌ای و بزرگ‌نمایی تهدیدها و تحریم‌های خارجی، این‌گونه القاء نماید که ریشه‌ی مشکلات موجود در ایران، به‌ویژه تورم و بیکاری و کاهش تولید ناخالص ملی، معلول گفتمان مبارزه با آمریکا، نابودی غده‌ی سرطانی اسرائیل، صدور ارزش‌های انقلاب اسلامی به کشورهای مسلمان و... است.

برخی فریب‌خوردگان داخلی هم می‌خواهند این‌گونه القاء کنند که ما در

تصمیم‌گیری‌های هسته‌ای نقشی نداشته و مخالف پافشاری بر خط قرمزها هستیم و این رهبری نظام است که بر اصول پافشاری می‌کند و باعث تحمیل این هزینه بر کشور می‌شود.

با نزدیک شدن به موسم انتخابات ریاست جمهوری یازدهم، خواهیم دید که در یک سو هواداران خط سازش قرار خواهند داشت که اگرچه هنوز سازمان درونی و مناسبات مابین آنها به‌طور کامل شکل نگرفته ولی رئوس مانیفست سیاسی‌شان آشکار شده است.

این خط تلاش خواهد کرد مردم را متقاعد کند که تنها راه حل مشکلات و بهبود زندگی آن‌ها سازش با دنیای غرب و به‌ویژه ورود به مذاکره مستقیم با آمریکا است. طرفداران خط سازش، سیاست خارجی و به‌ویژه دیپلماسی هسته‌ای دولت اصولگرا را از این منظر که هزینه‌زا و تنش‌آفرین بوده و مناسبات رو به بهبود در دولت اصلاحات با غرب را به هم ریخته، نقد خواهند کرد و به مردم خواهند گفت که برای بازگشت آرامش به زندگی‌شان باید حدی از تعدیل در ارزش‌ها، همکاری با کشورهایی چون آمریکا و کوتاه آمدن در مسائلی مانند برنامه‌ی هسته‌ای یا پرونده‌ی منطقه‌ای را پذیرفت. این خط از هم‌اکنون با مشارکت طرف خارجی کار خود را آغاز کرده است.

در گام اول می‌بینیم که هواداران و نظریه‌پردازان این جریان آن‌گونه سخن می‌گویند که گویی بهبود روابط با غرب بر استیفای هر حقی از حقوق مردم مقدم است.

گام دوم بزرگ‌نمایی هزینه‌هاست. مدت‌هاست هواداران خط سازش تلاش می‌کنند وضع کشور را بحرانی جلوه بدهند و فشارهای غرب و تهدیدهای آن را حتی از آنچه غربی‌ها خود به آن باور دارند بزرگ‌تر و مهیب‌تر جلوه بدهند. گام سوم این است که نتیجه بگیرند راه حل همه‌ی این مشکلات سازش است. البته مسلماً به‌جای واژه‌ی سازش از واژه‌های شیک‌تری استفاده خواهد شد. برای مثال خواهند گفت باید در سیاست خارجی منافع ملی به جای ایدئولوژی، تعیین‌کننده‌ی خط مشی‌ها باشد و باید با دنیای بیرون تعامل داشت، مذاکره عرصه نرمش و امتیاز دادن و امتیاز گرفتن است.

هواداران همین خط بودند که در ماه‌های اخیر تمام تلاش خود را به‌کار گرفته‌اند تا وضعیت معیشت مردم و شاخص‌های خرد اقتصادی کشور را به روش مذاکرات هسته‌ای پیوند بزنند. شرطی کردن جامعه، به این شکل که اگر ایران در مذاکرات نرمش نشان می‌داد و مذاکرات مثبت بود وضع زندگی و معیشت مردم هم بهتر خواهد می‌شد و اگر ایران در مذاکرات باز سرسختی

نشان بدهد، اوضاع اقتصادی روز به روز خراب تر می شود، یک پروژه‌ی هماهنگ عملیات روانی میان طرف خارجی و کارگزاران خط سازش در داخل است. از همین جاست که می توان نتیجه گرفت خط سازش به شدت نگران آن است که دیپلماسی هسته‌ای و منطقه‌ای نظام در ماه‌های باقی مانده تا انتخابات یازدهم به یک پیروزی چشمگیر برسد و بدون واگذار کردن هیچ امتیاز اساسی، پیچ بحران را پشت سر بگذارد.

بنابراین خط سازش از حالا تا شب انتخابات دشمن را بزرگ و قوی جلوه خواهد داد و مکرر خواهد گفت وضع کشور بحرانی است. این خط فشارها را بزرگ تر از آن چه هست نشان خواهد کرد و در وصف فواید سر میز نشستن با آمریکا و امتیازدهی در بحث هسته‌ای سنگ تمام خواهد گذاشت.

اما در سوی مقابل، خط مقاومت آزمونی مهم در پیش خواهد داشت. خط مقاومت این بار نه فقط از جایگاهی ملی بلکه با در پیش گرفتن یک ادبیات منطقه‌ای و جهانی باید استدلال کند که:

اولاً خط سازش در نهایت قادر به حل هیچ یک از مشکلات اساسی کشور نخواهد بود و کارنامه‌اش از حد امتیازدهی یک طرفه، مسافرت سیاحتی به کشورهای غربی و دل خوش کردن به لبخند متکبرانه آمریکایی‌ها فراتر نخواهد رفت.

ثانیاً، درحالی که خط سازش در ابعاد منطقه‌ای رو به زوال است و بهار مقاومت در حال آشکار شدن است، بی معناست که در ایران به عنوان مهد انقلاب‌های اسلامی دوباره سازش کاران مجال عرض اندام پیدا کنند.

ثالثاً، باید این الگوی تاریخی را با جزئیات مرور کرد که در پیش گرفتن راهبرد امتیازدهی و سازش جز جریح تر شدن دشمن، پررنگ تر شدن خطوط قرمز آن و در نهایت تعیین سقفی بسیار کوتاه برای پیشرفت کشور به چیز دیگری منتهی نمی شود.

رابعاً، خط مقاومت باید کارنامه‌ی خود را در تعدیل خطوط قرمز غرب، وادار کردن آن به عقب نشینی و محتمل بودن شکل گیری یک فرمول مذاکراتی که حقوق مردم ایران در آن محفوظ باشد، با دقت تشریح کند.

رویارویی گفتمان سازش و مقاومت، صحنه‌ی اساسی رقابت در انتخابات ریاست جمهوری آینده را شکل خواهد داد و هرکسی که بنای نامزدی در انتخابات آینده را دارد باید به صراحت موضع خود را در این باره روشن کند که کدام سوی خط ممیز این گفتمان خواهد ایستاد.

همچنین اگر چه شکاف سیاسی حول موضوع سازش یا مقاومت همیشه در چند سال گذشته وجود داشته است، اما در آستانه‌ی انتخابات ریاست جمهوری

یازدهم، عده‌ای دنبال آن هستند که این شکاف را اجتماعی کنند. در این شرایط، طرف آمریکایی تمام انرژی خود را صرف نیرومند شدن خط سازش در داخل ایران می‌کند. روز دوازدهم مهرماه سال جاری، یک ناآرامی ۵ یا ۶ ساعته به بهانه‌ی افزایش قیمت سکه و ارز در مرکز شهر تهران به وجود آمد. با فاصله‌ی کوتاه هیلاری کلینتون مصاحبه‌ای کرد و گفت: «تحریم‌ها به سرعت قابل لغو است.» لذا اگر ما ارتباط بین این دو پدیده را کشف کنیم، در آن صورت می‌توانیم متوجه نحوه‌ی تغذیه و تقویت خط سازش شویم.

طرف آمریکایی به دنبال ایجاد چند تغییر در جمهوری اسلامی است:

■ تغییر محاسبه: به گونه‌ای که نحوه‌ی نگاه ما به مسئله‌ی هسته‌ای یا تحولات منطقه و به طور خاص سوریه یا مسئله فتنه عوض شود.

■ تغییر پیشنهاد

در حال حاضر، ما یک پیشنهاد برای حل مسئله‌ی هسته‌ای داریم و آن به رسمیت شناختن حق هسته‌ای ملت ایران است و آن‌ها می‌خواهند این پیشنهاد از طرف جمهوری اسلامی تغییر کند.

■ تغییر رفتار

به این معنا که علاوه بر این که محاسبه و پیشنهاد ما تغییر یابد، رفتارمان نیز دست‌خوش تغییر شود.

■ تغییر ساختار

یعنی مجموعه‌ی ساختارهایی که در کشور وجود دارند و تصمیمات نظام جمهوری اسلامی از دل آن‌ها بیرون می‌آید تغییر یابند.

■ تغییر رژیم

زمانی که محاسبات، پیشنهادها، سیاست‌ها، رفتارها و ساختار تغییر کرد، دیگر تغییر رژیم پروژه‌ای دشوار نیست.

در سال ۸۸ اشتباه آمریکایی‌ها این بود که مستقیماً سراغ تغییر رژیم رفتند، یعنی مستقیماً سرسخت‌ترین و بزرگ‌ترین تغییر را که به راحتی امکان‌پذیر نبود نشانه رفتند. یکی از درس‌هایی که آمریکایی‌ها در سال ۸۸ گرفتند این بود که در گام اول، هدف‌گذاری‌های منطقی‌تر و دست‌یافتنی‌تری داشته باشند. لذا در برنامه‌ی خود، این بار گام به گام عمل خواهند کرد و به دنبال تغییر شرایط خواهند بود. از طرفی دیگر، شرایط فقط زمانی تغییر می‌کند که محاسبات و

پیشنهادهای نظام تغییر یابد و این اتفاق باید در سطح رهبری محقق شود. با توجه به این مسئله، ارزیابی بنده این است که برای سوق دادن جمهوری اسلامی به سمت تغییر محاسبه، طرف غربی در حال تدارک یک بسته‌ی تحریم بی‌سابقه قبل از انتخابات ریاست جمهوری است.

در چنین شرایطی، اگر مسئله‌ی تغییر محاسبه با دو پیشنهاد آمریکایی‌ها مبنی بر «لغو تحریم‌ها» و «مذاکره‌ی مستقیم» تلفیق شود، احتمال ایجاد بحران زیاد خواهد شد. به عقیده‌ی آمریکایی‌ها، اگر خط سازش در فضای داخلی ایران شفاف شود، انتخابات ریاست جمهوری ۹۲ به یک همه‌پرسی تبدیل خواهد شد. لذا طرف آمریکایی به دنبال رساندن این پیغام به گوش مردم ایران است. البته طرف غربی نمایندگانی برای علنی کردن خط سازش در داخل ایران دارد. پیش‌بینی می‌شود حرف اول آن‌ها این باشد که محاسبات منطقه‌ای نظام را قبول ندارند. درحالی‌که محاسبات منطقه‌ای نظام بر مبنای اسلامی بودن انقلاب‌ها استوار است، لکن نگاه این جریان دقیقاً عکس این موضوع است.

گفتمان نجات ملی

با تمرکز بر مجموعه‌ی گزاره‌های تولیدی جریان فتنه چند گزاره‌ی مرکزی به عنوان کلیدواژه‌های اصلی این گفتمان در شرایط حاضر قابل استخراج است. گزاره‌هایی همچون «بحرانی بودن وضعیت کشور»، «مسئول بودن مقامات عالی نظام در این بحران»، «تشکیل دولت وحدت ملی به عنوان تنها راه‌حل بحران»، «سازش با آمریکا و بازگشت به مسیر تنش‌زدایی و اعتمادسازی» در این گفتمان نقشی کلیدی را بر عهده دارند.

اگرچه بحث‌ها درون جریان اصلاحات درباره‌ی حضور یا عدم حضور در انتخابات، به‌صورت دعوت از مردم و یا به معرفی نامزد، هنوز پایان نیافته است. با این وجود به‌نظر می‌رسد به تدریج این جمع‌بندی در حال شکل‌گیری است که اشتباه انتخابات مجلس را، که در آن این جریان به دلیل ناتوانی از تصمیم‌گیری به موقع داخلی متهم به رفتار تحریمی شد، نباید در انتخابات ریاست جمهوری تکرار کرد. بنابراین به نظر می‌رسد این جریان حتماً در انتخابات آینده حضور خواهد یافت و اگر بتواند فرد مطلوبی معرفی کند به شکل معرفی نامزد و اگر نتواند صرفاً به شکل رأی دادن و اعلام حضور و فعالیت سازمانی و گفتمانی. در شرایط فعلی ارزیابی جریان اصلاحات این است که مشکل نامزد برای آنها

حادثه از مشکل گفتمان است. این جریان در کل عقیده دارد گفتمان «سازش»، «نجات ملی» و «وحدت ملی» بهترین گفتمان برای انتخابات آینده است و این گفتمان‌ها در بین مردم به طور کامل پذیرفته شده است.

بحرانی که این جریان اکنون خود را با آن مواجه می‌بیند این است که برای این گفتمان، که عقیده دارند تحت فشارهای خارجی فراگیرتر هم خواهد شد، یک مصداق رأی‌آور پیدا کنند. فعلاً ارزیابی بخش‌های مهمی از جریان اصلاحات این است که نظام اجازه‌ی نمایندگی این گفتمان توسط یک چهره‌ی رأی‌آور اصلاح‌طلب را نخواهد داد.

مشخصات گفتمان این جریان که در قالب دولت نجات ملی یا وحدت ملی شکل خواهد گرفت در انتخابات آینده چنین خواهد بود:

- وضعیت کشور بحرانی است.
- مسئول این بحران سیاست‌های رهبری است.
- تنها از طریق تشکیل «دولت وحدت ملی» می‌توان به نجات ملی و نجات کشور دست یافت.
- با این نحوه از مدیریت به‌زودی شاهد سقوط اقتصادی و فروپاشی اجتماعی خواهیم بود.
- برای مقابله با فروپاشی باید در محیط بیرونی به سازشی با آمریکا دست پیدا کنیم.

در تبیین محورهای بالا و تحلیل شرایط موجود کشور، شواهد بسیاری حکایت از آن دارد که دشمن خارجی با کمک برخی افراد و جریان‌های داخلی در صدد القای خط بحران در برابر خط نجات ملی هستند.

به این معنا که دشمن با استفاده از عوامل فریب‌خورده یا غافل سعی دارد با پیوند مشکلات اقتصادی به پرونده‌ی هسته‌ای و بزرگ‌نمایی تهدیدها و تحریم‌های خارجی، این‌گونه اقامه نماید که ریشه‌ی مشکلات موجود در ایران به‌ویژه تورم، بیکاری و کاهش تولید ناخالص ملی معلول گفتمان مبارزه با آمریکا، نابودی غده‌ی سرطانی اسرائیل، صدور ارزش‌های انقلاب اسلامی به کشورهای مسلمان و ... است.

تلفیق گفتمان مقاومت و پیشرفت، پادزهر گفتمان سازش

مهم‌ترین گفتمان قابل تعریف در ذیل گفتمان مقاومت، گفتمان پیشرفت است. در واقع جان‌مایه‌ی گفتمان مقاومت، گفتمان پیشرفت است، در حالی که طرف مقابل می‌خواهد بگوید جان‌مایه گفتمان مقاومت، هزینه بدون پیشرفت است.

شکل‌گیری و ایجاد شکاف اجتماعی، مهم‌ترین امری است که در آستانه‌ی همه‌ی دوره‌های انتخابات اتفاق می‌افتد. در سال ۸۸ شکاف اجتماعی حول مقوله‌ی تقلب سامان گرفت. در آن زمان، گفتمانی به عنوان گفتمان تقلب، مجموعه‌ی اعتراضات اجتماعی یا اقتصادی را سیاسی و سپس امنیتی کرد و به بیان دقیق‌تر، اعتراض را به آشوب مبدل نمود.

مجموعه‌ی گروه‌ها و جریان‌هایی که می‌خواهند انتخابات را به همه‌پرسی علیه رهبری تبدیل کنند، به این نتیجه رسیده‌اند که این مهم تنها زمانی امکان‌پذیر است که شکاف اجتماعی، حول موضوع سازش، به‌وجود آید. شکاف سیاسی حول موضوع سازش یا مقاومت، همیشه در چند سال گذشته، وجود داشته ولی مهم این است که این شکاف اجتماعی باشد، یعنی کشور در وضعیتی قرار بگیرد که سازش به‌عنوان مطالبه‌ی عمومی مطرح شود و جامعه تنها راه حل مشکلات را تعدیل محاسبات و امتیازدهی به غرب تلقی کند.

در این راستا، برای این که مسئله‌ی سازش اجتماعی شود، پروژه‌ی بحران‌آفرینی حول اختلافات کلید خورده است. وقتی شما موضوعاتی را به عنوان اختلاف مطرح می‌کنید و این موضوعات تحریک اجتماعی ایجاد می‌کند، به تدریج شرایط جامعه به سمت شکل‌گیری فضای دوقطبی می‌رود و این‌گونه تصور می‌شود که در کشور، عده‌ای خواهان حل مشکلات مردمند و دیگران نسبت به این مسئله بی‌تفاوت هستند.

ضعف‌های اساسی گفتمان سازش و نجات ملی

گفتمان سازش در این شرایط دارای ایرادات اساسی است چرا که در مسیر اجتماعی کردن گفتمان سازش، اولین ایراد ضعف بدنه‌ی اجتماعی جریان فتنه است، چرا که این جریان پس از انتخابات سال ۸۸ دچار ریزش بدنه‌ی اجتماعی شد و تا کنون نتوانسته است این ریزش را جبران کند. از طرف دیگر، کادرهای کلیدی جریان فتنه یا از صحنه خارج شده‌اند و یا به زندان افتاده‌اند.

از سوی دیگر مجموعه‌ی گروه‌ها و جریان‌هایی که می‌خواهند انتخابات را به همه‌پرسی علیه رهبری تبدیل کنند، به این نتیجه رسیده‌اند که این مهم تنها زمانی امکان‌پذیر است که شکاف اجتماعی، حول موضوع سازش، به وجود آید. در دیگر سو، رفتار طرف آمریکایی به گونه‌ای است که ما هر چه نشانه‌های قوی‌تری مبنی بر سازش از داخل صادر کنیم، فشار از طرف مقابل بیشتر خواهد شد. تمام ارزیابی‌های اطلاعاتی غرب حاکی از آن است که ایران هیچ برنامه‌ای برای ساخت سلاح هسته‌ای ندارد. از این حیث، علت اصلی فشارهای اخیر این

است که احساس کرده‌اند احتمال تأثیر فشار در داخل افزایش پیدا می‌کند و به همین دلیل، فشار را زیاد می‌کنند.

گفتمان مقاومت ما را در وضعیتی قرار داده است که حتی اگر بخواهیم معامله کنیم، بهترین معامله‌ی ممکن را می‌توانیم انجام دهیم، درحالی‌که ما با گفتمان سازش هیچ وقت نمی‌توانستیم معامله‌ای انجام دهیم. پس اولین دستاورد گفتمان مقاومت تعدیل اساسی خطوط قرمز آمریکاست.

دومین دستاورد گفتمان مقاومت، پیشرفت بی‌سابقه در حوزه‌هایی است که خطوط قرمز غرب به شمار می‌رود. مجموع فناوری‌هایی که هم‌اینک در کشور وجود دارد عموماً فناوری‌های ممنوعه است و هیچ‌کدام از متحدان آمریکا در منطقه‌ی خلیج فارس تا امروز اجازه‌ی مسلط شدن به این فناوری‌ها را پیدا نکرده‌اند.

سومین دستاورد جریان مقاومت این است که ما را به الگو تبدیل کرده است. ما با خط سازش نمی‌توانستیم در منطقه الگو باشیم. اگر ما گفتمان سازش را در پیش می‌گرفتیم، امروز نسبت ما با تحولات منطقه نسبتی کاملاً منفعلانه بود و ما در وضعیتی قرار داشتیم که تحولات منطقه به‌طور کامل به ضرر ما بود.

راهبردهای انتخاباتی و گفتمانی جریان فتنه و اصلاحات

از سوی دیگر ارزیابی تحرکات جبهه دوم خرداد نشان می‌دهد که راهبردهای ذیل را برای انتخابات یازدهم تدارک دیده‌اند:

الف) پایان دادن به گفتمان اصولگرایی یکی از راهبردهای اساسی جریان تجدیدنظرطلب است. از نگاه این جریان، گفتمان اصولگرایی مهم‌ترین ابزار اجرای تدابیر رهبری در محیط سیاست داخلی است اما پس از اتفاقات سال ۸۸ مرزبندی میان اصولگرایان و تجدیدنظرطلبان به‌هم ریخته و بسیاری از چهره‌های سنتی اصولگرا در تقسیم‌بندی‌های جدید جزو جریان اصلاح‌طلب به‌حساب می‌آیند. جریان تجدیدنظرطلب ادامه این پروژه را برای منهدم کردن گفتمان اصولگرایی ضروری می‌داند.

ب) جریان اصلاحات در کل با بحران کارنامه به‌ویژه در حوزه‌ی اقتصادی مواجه است. با این وجود این جریان تصمیم گرفته است یک سیاه‌نمایی مفصل، مستند و سازمان یافته درباره‌ی وضعیت اقتصادی کشور به عمل بیاورد و به این منظور تقسیم کار جدی و مستندسازی مفصلی انجام داده است.

تمامی طیف‌های جبهه دوم خرداد روی تمرکز فعالیت انتخاباتی خود بر نقد عملکرد اقتصادی جریان اصولگرا اتفاق نظر دارند. از دید این عده، نقد مسیر اقتصادی،

کوتاه‌ترین مسیر برای تخریب اصولگرایان و همچنین ایجاد خیزش اجتماعی است. در این باره در جلسات داخلی اصلاح‌طلبان روی موارد زیر بحث شده است:

- اثبات وجود فساد اقتصادی فراگیر در میان اصولگرایان
- نقد شیوهی هزینه‌کرد درآمد فراوان ارزی کشور
- بازی با آمارهای رسمی درباره‌ی نرخ تورم و بیکاری و رشد اقتصادی
- تمرکز روی سخت‌تر شدن معیشت مردم در دوره‌ی حاکمیت اصولگرایان
- ادعای عدم بهره‌گیری از ظرفیت‌های مدیریتی کشور
- مقایسه شاخص‌های اقتصادی با دوران گذشته

ج) یکی از هدف گذاری‌های کلیدی این جریان آن است که نظام را به این نتیجه برساند که در رفتار خود با جریان اصلاح‌طلب از سال ۸۸ به این سو اشتباهات جدی مرتکب شده و باید آن را اصلاح کند. فهرست مواردی که این جریان در محیط پنهان خود در پی تحمیل آن به نظام است چنین است:

- حصر رهبران فتنه‌ی ۸۸ یک اشتباه راهبردی بود.
- زندانی کردن کادرهای کلیدی آن باعث شعله‌ور شدن و انحراف اعتراضات شد.
- انتقال رهبری بدنه اجتماعی اصلاحات به محافل بیرونی ناشی از عملکرد اشتباه نظام بود.

- سرمایه‌گذاری خوش‌بینانه روی احمدی‌نژاد باعث این غائله بود.
- متهم کردن جریان اصلاحات به براندازی یک اتهام بی‌مبنا بود.
- خارجی دانستن طراحی و سازماندهی اعتراضات سال ۸۸ یک نشانی غلط بود.
- تعطیلی همه‌ی احزاب اصلاح‌طلب باعث انزوای داخلی و خارجی نظام شد.
- فاصله گرفتن از نخبگان به‌ویژه عناصر دانشگاهی باعث از دست دادن مراکز ثقل نظام شد.

مقاله‌ی چهارم

بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های تحرکات اردوگاه استکبار در رابطه با دو انتخابات دهم و یازدهم ریاست جمهوری

رصد تحرکات نظام سلطه نشان می‌دهد که انتخابات یازدهم ریاست جمهوری به‌عنوان نقطه‌ی کانونی برنامه‌های دشمن علیه جمهوری اسلامی ایران در نظر گرفته شده است.

در نمونه‌ی جدیدی از خصومت‌هایی که دشمنان نظام اسلامی طراحی کرده‌اند اجرای برنامه‌ی هوشمند و چند مرحله‌ای «فشار، بی‌ثباتی و مذاکره» در دستور کار قرار داده شده است. در این طراحی، از یک سو تلفیق نمونه‌های پیاده شده در کشورهای مختلف و ترمیم نقاط ضعف در فتنه‌ی ۸۸ مد نظر قرار گرفته و از سوی دیگر سعی می‌شود با ایجاد آشفتگی اقتصادی، اعتراض و آشوب اجتماعی و سیاسی در بستر انتخابات کلید بخورد.

از این رو حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای در بیانات ۱۹ دی ۱۳۹۱، خواستار رصد و زیر نظر گرفتن حرکت‌ها و اقدامات دشمن شدند و فرمودند: «...انسان با هوشیاری و زیرکی، حرکت‌های دشمن را تفرّس [با دلیل دریافتن و فهمیدن] کند، زیر نظر بگیرد و هدف‌های دشمن را کشف کند. این خیلی مهم است. اگر شما در یک مبارزه‌ی شخصی، در یک دفاع شخصی که در مقابل یک حریف قرار می‌گیرید، بتوانید حرکت او را پیش‌بینی کنید، هیچ ضربه‌ای نخواهید خورد. اگر حواستان پرت شد، غافل شدید، تمرکز را از دست دادید، به چیز دیگری سرگرم شدید، نتوانستید پیش‌بینی کنید که او چه کار می‌خواهد بکند، حتماً ضربه می‌خورید. دشمن که نخواهیده، او بیدار است...»

در مطالعات راهبردی می‌توان با بهره‌گیری از روش‌های آینده‌اندیشی، همواره تصویری از آینده ساخت که فرصت‌ها، چالش‌ها و تهدیدات خودی به صورت سه‌بعدی قابل مشاهده باشد. تصویرسازی از آینده، علاوه بر امکان پیش‌بینی اقدامات و اهداف دشمن، از ایجاد غافلگیری راهبردی جلوگیری می‌نماید. آینده‌نگری به مسئولین و دستگاه‌های ذی‌ربط این امکان را می‌دهد تا با اتخاذ تمهیدات مناسب و لازم، علاوه بر پیشگیری از تهدیدات و مهار چالش‌ها، حتی آن‌ها را به فرصت تبدیل کنند. از همه مهم‌تر، ساخت تصویری از فرصت‌ها، چالش‌ها و تهدیدات می‌تواند منجر به تدوین برنامه‌های پیش‌دستانه شود و دشمن را وادار نماید تا در زمین تعیین‌شده از سوی خودی بازی کند و به این ترتیب، می‌توان اراده‌ی مورد نظر را به او تحمیل کرد. در این چارچوب، ابتدا سعی می‌شود با بهره‌گیری از روش‌های متداول، مانند سناریوسازی، شبیه‌سازی، نظریه‌ی بازی‌ها و... ابتدا برنامه‌ی دشمن را فهم کرد و سپس با نمونه‌سازی، چگونگی پیاده نمودن نقشه از سوی دشمن را نیز پیش‌بینی کرد. در این نوشتار تلاش شده است تا با استفاده از روش‌های آینده‌اندیشی در مطالعات راهبردی، بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در ۱۹ دی ۱۳۹۱ واکاوی و سپس به مشابَهت‌ها و تفاوت‌های فتنه‌ی بزرگ‌تر نظام سلطه در قیاس با فتنه ۸۸ اشاراتی ولو گذرا داشته باشیم.

چرایی طراحی فتنه‌ی بزرگ‌تر

در بیان چرایی تدارک نظام سلطه برای ایجاد فتنه‌ی بزرگ‌تر، می‌توان به دو موضوع بسیار حیاتی و اساسی اشاره داشت:

- فرصت‌های راهبردی پیش روی جمهوری اسلامی ایران
- چالش‌ها و تهدیدات پیش روی ایالات‌متحده‌ی آمریکا

به عبارت دیگر، طراحی فتنه‌ی بزرگ‌تر، تلاش آمریکا و هم‌پیمانان او برای تبدیل تهدید به فرصت از سوی سلطه‌گران ارزیابی می‌شود. ضمن آنکه دو موضوع مذکور در منازعه‌ی بین جمهوری اسلامی ایران و ایالات‌متحده نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای دارد و سطح بازیگری آنان را در مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی و هندسه‌ی جدید جهانی تعیین می‌نماید.

در این راستا، «توماس پیکرنیگ»، معاون سابق وزارت امور خارجه‌ی آمریکا، در بخشی از مصاحبه‌ی خود با مؤسسه‌ی «بگین سادات» از چرایی اقدامات

سلطه‌گران رمز‌گشایی می‌نماید و اظهار می‌دارد: «اگرچه آمریکا به مدت چندین دهه، ابرقدرتی مهم در دنیا تلقی می‌شد، اما اکنون در حال افول به عنوان تنها بازیگر منطقه و جهان است.»

فرصت‌های راهبردی پیش روی جمهوری اسلامی ایران در انتخابات ۱۳۹۲، که می‌تواند بازیگری ایران را در مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی متحول سازد، عبارتند از:

- تقویت روند تحکیم رابطه‌ی امت و امام(ره) به‌وسیله‌ی ایستادگی و مقاومت بر گفتمان انقلاب اسلامی
- تولید قدرت ملی و قدرت نرم ناشی از مشارکت مردم در انتخابات ۹۲
- بهره‌گیری از قدرت‌های تولیدشده برای عبور از پیچ تحریم‌ها و فشارها
- تقویت روند بیداری اسلامی و محور مقاومت اسلامی
- ارتقای وضعیت جمهوری اسلامی ایران در شرایط پیچ تاریخی
- ارتقای سطح بازیگری جمهوری اسلامی ایران در شکل‌گیری هندسه‌ی جدید جهانی

چالش‌ها و تهدیدات پیش روی ایالات‌متحده‌ی آمریکا و برخی هم‌پیمانان او دلیل دیگری برای طراحی عملیات مخفی و بی‌ثبات‌سازی علیه جمهوری اسلامی ایران است. در این ارتباط، مرکز مطالعات سیاست‌گذاری خاورمیانه‌ی مؤسسه‌ی «بروکینگز»، موسوم به «سابان»، در گزارشی با عنوان «کدام راه به سمت ایران؟» با صراحت به آخرین فرصت آمریکا اشاره می‌نماید و در بخشی از گزارش تصریح می‌کند: «زمان به‌سرعت در حال گذر است و دوره‌ی اوباما آخرین فرصت آمریکاست.»

همچنین سه گزاره‌ی زیر نیز بیش از دیگر گزاره‌ها، اضطراب و محدودیت زمانی را برای ایالات‌متحده‌ی آمریکا مشخص می‌سازد:

- حل مسائل آمریکا در جهان در گرو حل مسائل آمریکا در منطقه و خاورمیانه است.
- حل مسائل آمریکا در منطقه در گرو حل مسئله‌ی ایران است.
- آمریکا مجبور به حل مسئله‌ی خود با ایران در سریع‌ترین زمان ممکن است.

بنابراین با توجه به دو موضوع ذکرشده، بدیهی است که سلطه‌گران تلاش کنند تا از یک‌سو فرصت‌های جمهوری اسلامی را به تهدید تبدیل نمایند و از سوی

دیگر، چالش‌ها و تهدیدات خود را به فرصت مبدل سازند. این مهم را در بیانات در ۱۹ دی ۱۳۹۱ رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله‌العالی) می‌توان مشاهده کرد. معظم‌له فرمودند: «دشمن متوجه انتخابات ماست. انتخاباتی که در خرداد آینده در پیش داریم از نظر ما مهم است، از نظر دشمن هم مهم است، حواسش به آن انتخابات است».

برنامه‌ی هوشمند و چند مرحله‌ای نظام سلطه

برنامه‌ی هوشمند و چند مرحله‌ای نظام سلطه علیه جمهوری اسلامی حلقه‌ی فزاینده‌ای از فشارهای دیپلماتیک، اقتصادی و جنگ روانی و بی‌ثباتی اجتماعی، سیاسی و امنیتی برای وادار ساختن ایران به مذاکره با آمریکا است. این برنامه، بر اساس پیشنهادهای مرکز سابان، در گزارش «کدام راه به سمت ایران؟» طراحی شده است. در گزارش مذکور، از میان پیشنهادهای ارائه‌شده (دو گزینه‌ی دیپلماتیک، سه گزینه‌ی نظامی، یک گزینه‌ی بازدارندگی از طریق تهدید، سه گزینه‌ی تغییر حکومت)، با صراحت خواستار استفاده‌ی مقامات کاخ سفید از همه‌ی گزینه‌ها شده است.

هم‌افزایی فشارهای چند لایه‌ای دیپلماتیک، اقتصادی، جنگ روانی و بی‌ثباتی اجتماعی، سیاسی و امنیتی، پارادایم جدیدی است که به صورت هوشمندانه در دستور کار سلطه‌گران علیه جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته است.

در این ارتباط، «آلن بن» در سرمقاله‌ی «آلمانی‌تور» ۲۳ دسامبر ۲۰۱۲ (دی‌ماه ۱۳۹۱) می‌نویسد: «...مشاهده‌ی پیش‌رفته‌ای ایران موجب شد برخی در نیروهای دفاعی، پارادایم جدیدی را مطرح کنند که به جای توانایی‌های فیزیکی، بر انگیزه‌های ایران تمرکز می‌کند. در واقع این پارادایم، با اذعان به این‌که اعمال تحریم‌های جامعه‌ی بین‌المللی علیه ایران نقطه‌ی شروع فشار بر حکومت این کشور است، خواستار تشدید فشار بین‌المللی از طریق تحریم‌های بیشتر در کنار فعالیت‌های مخفی علیه حکومت آیت‌الله‌ها در ایران است. با توجه به احتمال روزافزون وقوع بهار عربی در خیابان‌های تهران، ترکیب فشار سیاسی و اقتصادی می‌تواند آیت‌الله‌ها را به بازنگری در برنامه‌ی هسته‌ای متقاعد کند». از منظر آمریکا و هم‌پیمانان او، هم‌افزایی حلقه‌ی فزاینده‌ی فشار و بی‌ثباتی می‌بایست در نقطه‌ی کانونی انتخابات ۱۳۹۲ مُنْتَج به نتایج زیر گردد:

■ وادار شدن مسئولین جمهوری اسلامی ایران به محاسبه‌ی مجدد و اشتباه محاسباتی

- ایجاد تغییر نگرش در جامعه نسبت به گفتمان مسلط (گفتمان انقلاب اسلامی امام و رهبری)
- ایجاد رویکردانی اجتماعی و احیاءاً کاهش مشارکت در انتخابات
- بی‌ثباتی اجتماعی، سیاسی و امنیتی و ایجاد مخاطره برای امنیت ملی
- وادار ساختن جمهوری اسلامی ایران به مذاکره با آمریکا به‌عنوان تنها راه برون رفت

عملیات مخفی و بی‌ثبات‌سازی در انتخابات ۱۳۹۲

- عملیات مخفی و بی‌ثبات‌سازی جمهوری اسلامی ایران قبل، حین و بعد از انتخابات شامل هم‌افزایی سه گزاره‌ی زیر است:
- تلاش برای ایجاد اعتراض و آشوب اجتماعی
- احیاء و بازتولید جنبش سیاسی
- اجرای اقدامات مهندسی شده‌ی ضد امنیتی

اجرای عملیات سه‌گانه‌ی فوق با پندار تأثیرگذاری فشارهای اقتصادی به نارضایتی و رویکردانی اجتماعی و سپس احیای جنبش سیاسی در دستور کار عناصر ضدانقلاب وابسته به سرویس‌های اطلاعاتی قرار گرفته است.

در این میان، اجرای اقدامات مهندسی شده‌ی ضد امنیتی به مثابه‌ی تسریع‌کننده، نقاط داغ و هیجان‌زایی را به وجود خواهد آورد که از یک‌سو می‌بایست درهم‌آمیختگی امواج اعتراضات اجتماعی و سیاسی را کلید بزند و از سوی دیگر، می‌بایست تمرکز ایران را به‌هم بریزد.

بر این اساس، «برژینسکی»، مشاور امنیت ملی کارتر، اخیراً با ارائه‌ی طرح چهارگانه‌ای برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران، بر عملیات مخفی و بی‌ثبات‌سازی ایران تأکید کرده است.

با نزدیک شدن به انتخابات خردادماه ۱۳۹۲، غربی‌ها تدریجاً اهداف و برنامه‌ریزی خود را برای بی‌ثبات‌سازی محیط داخلی ایران آشکار می‌سازند و در این رابطه «برنارد کوشنر»، وزیر خارجه‌ی سابق فرانسه، در مصاحبه با شبکه‌ی العربیه (در دی‌ماه ۱۳۹۱) صراحتاً اظهار می‌کند: «امیدوارم انتخابات ریاست جمهوری سال آینده‌ی ایران، زمینه‌ساز سرنگونی نظام ایران شود».

همچنین روزنامه‌ی صهیونیستی معاریو به نقل از «دنی آیلون»، معاون وزارت خارجه‌ی رژیم صهیونیستی، نوشت: «انتخابات آینده‌ی ایران سلسله‌ای از ناآرامی‌ها

و اغتشاشات را به دنبال خواهد داشت که از سال ۸۸ گسترده‌تر خواهد بود.» در همین چارچوب، اتصال حلقه‌ی ضدانقلاب به عملیات مخفی و بی‌ثبات‌سازی محیط داخلی ایران نیز با مواضع اخیر یکی از سرکردگان گروهک تروریستی منافقین وضوح بیشتری می‌یابد. به تازگی «مریم غجر عضدانلو» (مریم رجوی)، با اشاره به انتخابات ریاست جمهوری در ایران، اعلام کرده است: «سال ۲۰۱۳ زمان زدن ضربه‌ی نهایی به ایران است، زیرا وضعیت ایران ملتهب است.»

تلاش برای ایجاد اعتراض و آشوب‌های اجتماعی

مهندسی اعتراضات اجتماعی از طریق اعمال فشارهای اقتصادی، بخشی از عملیات مخفی و بی‌ثبات‌سازی ایران است که چندی قبل روزنامه‌ی آمریکایی «واشنگتن پست» به نقل از یک مقام رسمی ارشد آمریکا آن را افشاء نمود و نوشت: «هدف این تحریم‌ها ایجاد نفرت و نارضایتی در خیابان‌های ایران است.» در این ارتباط «شرمن» نماینده‌ی دمکرات کنگره‌ی آمریکا، در مصاحب‌های با بی‌بی‌سی در ۱۴ مردادماه ۱۳۹۱ با صراحت اعلام می‌کند: «ما مایل به سقوط رژیم ایران به شکل سقوط شاه با حضور میلیونی مردم در خیابان‌های تهران هستیم و این هدفی است که تحریم‌ها قصد به وجود آوردنش را دارد.»

پیش از این نیز «ریتکیه» یکی از اعضای شورای روابط خارجی آمریکا، در نشست مؤسسه‌ی بروکینگز اظهار داشت: «موج ناآرامی‌ها در منطقه می‌تواند نشأت گرفته از ایران باشد، اما باید تمام تلاش خود را به کار گیریم تا چنین ناآرامی‌هایی در ایران نیز رخنه کند... جامعه‌ی مدنی ایران از بخش‌های مختلفی تشکیل شده که می‌توان روی آنها سرمایه‌گذاری کرد. از جمله سازمان‌های صنفی کارگری، انجمن‌های جوانان، روحانیون مخالف، معترضان لیبرال و دانشجویان که همه‌ی اینها ظرفیت مناسبی برای ایجاد ناآرامی دارند.»

در طراحی جدید عملیات مخفی و بی‌ثبات‌سازی علیه جمهوری اسلامی ایران دو نکته‌ی مهم و اساسی قابل تأمل است؛ یکی تغییر الگوی اعتراضات در نقطه‌ی عزیمت از فاز سیاسی به فاز اجتماعی و دیگری تلاش برای اتصال اعتراضات در پیرامون و مرکز به یکدیگر. در واقع دو موضوع مذکور مؤید تلاش سلطه‌گران برای برطرف ساختن نقاط ضعف عملیات مخفی و بی‌ثبات‌سازی در فتنه‌ی ۸۸ است.

در این راستا، بی‌بی‌سی فارسی به نقل از «حسین باستانی» در ۹ مردادماه ۱۳۹۱ اعلام می‌کند: «افزایش فشارهای اقتصادی باعث تغییر در الگوی حرکت‌های

اعتراضی در ایران می‌شود. ممکن است به جای معترضان سیاسی بعد از انتخابات، که از قشر متوسط بودند، معترضان اقتصادی از طبقات پایین به میدان بیایند.»

احیاء و بازتولید جنبش سیاسی

بخش دوم عملیات مخفی و بی‌ثبات‌سازی علیه جمهوری اسلامی ایران به سرمایه‌گذاری برای احیاء و بازتولید ظرفیت جنبش سیاسی اختصاص دارد. ویروس‌زدایی از فضای سیاسی و عمومی کشور پس از فتنه‌ی ۸۸، ظرفیت ایجاد جنبش سیاسی علیه نظام را به حداقل رساند.

بر این اساس، به‌کما رفتن ظرفیت جنبش سیاسی علیه نظام یکی از دشواری‌های قدرت‌های سلطه‌گر برای دور جدید بی‌ثبات‌سازی محیط داخلی ایران است. در این میان، اگرچه تلاش می‌کنند با تغییر الگوی اعتراضات در نقطه‌ی عزیمت (از فاز سیاسی به فاز اجتماعی) بخشی از مشکل پیش‌روی خود را مرتفع سازند، اما پرواضح است که احیاء و بازتولید جنبش سیاسی نیازمند محرک‌هایی است تا این ظرفیت را از حالت کما خارج کند و آن را آماده‌ی نقش‌آفرینی در فتنه‌ی آینده نماید.

بنابراین وارد ساختن محرک‌هایی به فضای سیاسی و عمومی کشور در چارچوب تلاش برای احیاء و بازتولید ظرفیت جنبش سیاسی ارزیابی می‌گردد. این مهم در محورهای زیر قابل بررسی و تحلیل است:

■ طرح کلیدواژه‌ی «انتخابات آزاد»

«انتخابات آزاد» یکی از کلیدواژه‌هایی است که در یک فاصله‌ی زمانی کوتاه به یک‌باره در فضای سیاسی و عمومی کشور منتشر و منعکس شد. کلیدواژه‌ی مذکور در واقع وارد ساختن یکی از محرک‌های اثربخش برای احیاء و بازتولید جنبش سیاسی علیه نظام در آستانه‌ی انتخابات خردادماه ۱۳۹۲ است. کلیدواژه‌ی انتخابات آزاد اولین بار توسط مقامات و رسانه‌های غربی مطرح شد و سپس توسط عناصر ضدانقلاب بازنشر یافت و از آن پس توسط فتنه‌گران در فضای سیاسی کشور عمومیت یافت.

■ تشکیک در سلامت انتخابات

آحاد جامعه انتخاب را حق خود می‌دانند. از این رو، تشکیک در سلامت انتخابات به نوعی تزریق احساس محرومیت به افراد جامعه محسوب می‌گردد. بدیهی است در چنین شرایطی، پاسخ افراد به این محرک بعضاً در قالب دل‌سردی و عدم مشارکت در انتخابات و یا نارضایتی و اعتراض به روند و نتایج انتخابات تبلور

می‌یابد. بر این اساس زیر سؤال بردن روند انتخابات و ایجاد تشکیکی در سلامت آن، از طریق کاربرد کلیدواژه‌هایی همچون «انتخابات مهندسی‌شده» ناظر بر تزریق محرک دیگری برای احیاء و باز تولید ظرفیت جنبش سیاسی است.

■ سیاه‌نمایی و بحران‌نمایی

سیاه‌نمایی و بحران‌نمایی از وضعیت اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و... در کشور هدف بخشی از برنامه‌ی پیچیده‌ی جنگ روانی علیه حاکمیت کشور هدف (آماج) است. این اقدام از یک سو نیروهای مخالف سیاسی (اپوزیسیون) را در شرایط فعال قرار می‌دهد و از سوی دیگر، منجر به اقبال عمومی به آنان می‌گردد. دو روند مذکور در هم‌افزایی با یکدیگر منجر به شکل‌گیری یا باز تولید جنبش سیاسی علیه یک حاکمیت می‌شود.

■ مطالبه‌گری نسبت به حاکمیت

پوشش دادن به نقاط ضعف نیروهای مخالف سیاسی و قراردادن آنان در شرایط پیشرو (آوانگارد) نسبت به حاکمیت کشور هدف، بخشی از عملیات مخفی و بی‌ثبات‌سازی است. این مهم از طریق مطالبه‌گری نیروهای مخالف نسبت به نظام حاکم محقق می‌گردد.

از سوی دیگر، این امر طرح مطالبات و زمینه‌های شکل‌گیری رفتار جمعی و ایجاد مطالبه‌ی عمومی را به‌وجود می‌آورد و جنبش سیاسی را در مسیر احیاء و باز تولید قرار می‌دهد.

■ اعتراض به احراز صلاحیت‌ها

■ اعتراض به نتایج انتخابات

با نزدیک شدن زمان برگزاری انتخابات، رفتارهای اجتماعی هیجانی‌تر می‌شود و قطب‌بندی‌های دو یا چندگانه در جامعه شکل می‌گیرد. در این میان، نحوه و نتایج احراز صلاحیت‌ها و همچنین اعلام نتیجه‌ی انتخابات، محرک‌های متعددی مانند «انتخابات غیررقابتی»، «تخلف و تقلب» و... را تولید می‌کنند که هر کدام از آن‌ها برای احیاء یا باز تولید جنبش سیاسی مؤثر خواهد بود. در این ارتباط، محرک‌های ایجاد جنبش اعتراضی در نمونه‌ی انقلاب‌های رنگین و مخملی (یوگسلاوی و چکسلواکی سابق، گرجستان، اوکراین، قرقیزستان و فتنه‌ی ۸۸) شاهد مثال بسیار گویا و قابل تأملی است.

اجرای اقدامات مهندسی شده‌ی ضد امنیتی

سومین بخش از عملیات مخفی و بی‌ثبات‌سازی (فتنه‌ی بزرگ‌تر) در انتخابات ۹۲ اجرای اقدامات مهندسی‌شده‌ی ضد امنیتی است. قرائن و شواهد موجود و همچنین توجه به پیشینه‌ی اقدامات ضد امنیتی در سه دهه‌ی گذشته، وقوع گزاره‌های زیر را محتمل نشان می‌دهد.

- وقوع خراب‌کاری‌های مهندسی شده
- انجام ترور و قتل‌های فتنه‌گون
- بهره‌گیری از گسل‌های قومی - فرقه‌ای برای بی‌ثبات ساختن برخی مناطق کشور
- تلاش برای بی‌ثبات‌سازی رهبری
- اقدامات سایبری

این بخش از برنامه که فوق‌العاده پیچیده و خطرناک خواهد بود، هیجان و التهاب بسیار کاذبی را به فضای اجتماعی و سیاسی کشور تزریق می‌نماید که می‌تواند تبعات زیر را به دنبال داشته باشد:

- ایجاد بی‌تعادلی روانی در افکار عمومی و قطب‌بندی نمودن جامعه
- امکان جابه‌جایی افکار عمومی و عملیاتی ساختن عملیات فریب در جامعه
- شتاب بخشیدن به روند تکوین اعتراض و آشوب اجتماعی و احیای جنبش سیاسی

- ایجاد هم‌افزایی بین بخش اجتماعی و سیاسی بی‌ثبات‌سازی
- برهم زدن تمرکز مسئولین و دستگاه‌های سیاسی و امنیتی کشور
- ایجاد شرایط دست‌برتر برای جریان‌های سیاسی مخالف و معاند

در این رابطه بررسی پیشینه و دقت در اقدامات مهندسی شده‌ی ضد امنیتی، به درک و فهم این بخش از عملیات مخفی و بی‌ثبات‌سازی کمک شایانی خواهد نمود. یکی از گویاترین شاهد‌های مثال برای خراب‌کاری مهندسی شده واقعی کوی دانشگاه در سال ۱۳۷۸ است. این اقدام از یک طرف راهبرد فشار از پایین و چانه‌زنی از بالا را برای تجدیدنظرطلبان هواخواه لیبرالیسم اثربخش می‌ساخت و از طرف دیگر، با ایجاد بی‌تعادلی روانی در جامعه و جابه‌جایی افکار عمومی، روند تکوین اعتراض و آشوب سیاسی و اجتماعی را به جلو پرتاب می‌نمود. طراحان این اقدام مهندسی شده‌ی ضد امنیتی در ادامه تلاش نمودند با

قداست‌شکنی علیه ارزش‌های الهی نظام، آشوب سیاسی-اجتماعی را به سمت براندازی سوق دهند.

در خصوص پیشینه‌ی ترورها و قتل‌های فتنه‌گون نیز می‌توان به وقوع قتل‌های زنجیره‌ای و ترور «سعید حجاریان» اشاره نمود. متهم نمودن سران و بخش‌هایی از نظام به ارتکاب ترور و قتل‌ها، ایجاد برانگیختگی و شرایط دست‌برتر برای تجدیدنظرطلبان هواخواه لیبرالیسم در برابر نظام و وادار نمودن آنان به عبور از چارچوب‌ها و ساختار نظام، بخشی از اهداف تعبیه‌شده در وقوع ترور و قتل‌های فتنه‌گون در سال ۱۳۷۷ بود. ضمن آن که طراحان اقدامات ضدامنیتی مذکور، ایجاد بی‌تعادلی روانی در افکار عمومی و قطب‌بندی نمودن جامعه به اصلاح‌طلب و خشونت‌طلب را به انتظار نشسته بودند.

در سال‌های پایانی دهه‌ی هفتاد و اوایل دهه‌ی هشتاد، هم‌زمان با اجرایی نمودن اقدامات ضدامنیتی مذکور، بهره‌گیری از گسل‌های قومی و فرقه‌ای نیز در دستور کار طراحان عملیات مخفی و بی‌ثباتسازی قرار گرفت که چالش‌های امنیتی را در برخی مناطق به‌وجود آورد.

در بررسی پیشینه‌ی تلاش‌های بی‌ثبات‌سازی رهبری، می‌توان به پروژه‌های موسوم به «نوارسازان» در اواخر دهه‌ی هفتاد اشاره داشت. تجدیدنظرطلبان هواخواه لیبرالیسم، در طی آن سال‌ها، با عملیاتی نمودن سناریوهای تخریبی دروغین، که به «پروژه‌ی نوارسازان» معروف شد، از یک‌سو تلاش نمودند خط‌کشی و قطب‌بندی اصلاح‌طلب و خشونت‌طلب را در جامعه پیاده‌سازی نمایند و از سوی دیگر، نسبت‌های ناروایی را به جایگاه الهی ولایت‌فقیه و رهبر معظم انقلاب اسلامی وارد سازند.

جدا از پروژه‌های نوارسازان، عناصر ضدانقلاب و تجدیدنظرطلب در ماجرای قتل‌های زنجیره‌ای و واقعه‌ی کوی دانشگاه نیز سعی کردند این دو موضوع را به رهبری نسبت دهند، تا جایی که امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) برای دفاع از جایگاه الهی ولایت‌فقیه و تنویر افکار عمومی از نماز جمعه استعانت گرفتند.

در حوادث فتنه‌ی ۸۸ نیز شاهد بخش دیگری از اقدامات سلطه‌گران، گروه‌های ضدانقلاب و فتنه‌گران برای بی‌ثبات‌سازی رهبری بودیم که از جمله‌ی آن‌ها می‌توان به جعل سند برای مهندسی انتخابات از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی اشاره کرد.

شاید به‌دلیل این طراحی سلطه‌گران است که امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) پنج ماه مانده به انتخابات ریاست جمهوری یازدهم، احاد امت را نسبت به توطئه‌ی طراحی شده آگاه ساختند. معظم‌له در بخشی از بیاناتشان در دیدار با مردم قم

در ۱۹ دی ۱۳۹۱ فرمودند: «یکی از راه‌ها هم این است که سعی کنند در ایام انتخابات سر مردم را به یک چیز دیگری گرم کنند، یک حادثه‌ای پیش بیاورند، یک ماجرای درست کنند؛ یک ماجرای سیاسی، یک ماجرای اقتصادی، یک ماجرای امنیتی. البته این هم جزء نقشه‌های دشمن است.»

نمونه‌های بی‌ثبات‌سازی معطوف به انتخابات در کشورهای هدف:

- القای غیرآزاد بودن انتخابات توأم با بحران‌نمایی و سیاه‌نمایی
- ایجاد اعتراضات و چالش‌های اجتماعی در اطراف مرکز
- انتقال اعتراضات و چالش‌های اجتماعی اطراف به مرکز
- مصادره‌ی اعتراضات اجتماعی از سوی جنبش سیاسی در مرکز
- تولید جنبش جهش‌یافته‌ی سیاسی و اجتماعی در مرکز
- انتقال جنبش جدید به اطراف مرکز و فراگیر نمودن آن
- انجام عملیات مخفی (ترور و خراب‌کاری مهندسی شده)
- سامان‌دهی و آموزش گروه‌های اجتماعی در فضای مجازی و حقیقی
- نمادسازی برای تهییج، جابه‌جایی و فریب افکار عمومی و همچنین قطب‌بندی جامعه
- القای تقلب در انتخابات و متهم نمودن حاکمیت کشور هدف به فساد سیاسی و مالی
- اردو کشی خیابانی قبل از برگزاری انتخابات و ایجاد آمادگی برای نافرمانی و بلوا
- اعلام زود هنگام پیروزی جریان مطلوب به صورت قاطع
- فراخوانی برای برگزاری جشن پیروزی یا اعتراض به نتایج انتخابات
- مطالبه‌گری برای ابطال انتخابات و ایجاد ساز و کار برای برگزاری انتخابات جدید
- بی‌ثبات‌سازی از طریق اردو کشی خیابانی و ممانعت از استقرار دولت یا مجلس جدید
- تغییر رفتار یا تغییر ساختار کشور هدف از طریق نافرمانی و کودتای مخملی یا انتخابات مجدد

بر اساس مطالب پیش گفته، در تبیین عملیات مخفی و بی‌ثبات‌سازی نظام سلطه علیه جمهوری اسلامی ایران در انتخابات خرداد ۱۳۹۲، اکنون این سؤال به ذهن متبادر می‌گردد که سلطه‌گران برای ممانعت از بهره‌گیری جمهوری اسلامی از فرصت‌های پیش رو در انتخابات ۹۲، کدام گزینه‌ها را در دستور کار قرار خواهند داد؟

در این بخش، به دلیل اهمیت بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی، امام خامنه‌ای

(مدظله‌العالی) در دیدار با مردم قم در ۱۹ دی‌ماه ۹۱، بار دیگر فرازی از بیانات ایشان را مرور می‌کنیم: «انسان با هوشیاری و زیرکی، حرکت‌های دشمن را تفرّس کند، زیر نظر بگیرد و هدف‌های دشمن را کشف کند». معظم‌له در بخش دیگری می‌فرماید: «یک ملت باید درست حواسش را جمع کند، بداند پا کجا می‌گذارد، تقوای جمعی یعنی همین، بداند چه کار می‌خواهد بکند، مراقب باشد از کجا ضربه متوجه او می‌شود.»

آیا طراحی نظام سلطه به فاز اجرا منتقل شده است؟

پس از فهم و شناخت برنامه‌ی نظام سلطه برای ایجاد فتنه‌ی بزرگ‌تر به نسبت فتنه‌ی ۸۸ و تبدیل فرصت‌های جمهوری اسلامی ایران، به‌ویژه فرصت بسیار مهم انتخابات ۱۳۹۲، به چالش و تهدید، اکنون این سؤال باقی می‌ماند که آیا طراحی نظام سلطه به فاز اجرا منتقل شده است؟ اگر این طراحی وارد مراحل اجرایی شده، تا کنون چه اقداماتی در راستای آن انجام گرفته است؟ بازیگران فاز اجرایی این برنامه چه جریان‌هایی هستند؟ در چارچوب این برنامه، چه اقداماتی در مراحل آتی انجام خواهد شد؟ چگونه بازیگران با طراحان و کارگزاران برنامه هم‌محور و هم‌راستا می‌شوند؟

در این مجال، اگرچه فرصت پاسخ دادن به همه‌ی سؤالات مذکور میسر نیست، لیکن اشاره‌هایی به آن‌ها می‌تواند تا حدودی به هدف اصلی این نوشتار (واکاوی بیانات بسیار مهم امام خامنه‌ای، مدظله‌العالی) کمک نماید.

در این رابطه، بررسی و تحلیل اخبار و اطلاعات موجود مؤید این موضوع است که آمریکا و هم‌پیمانان غربی و منطقه‌ای آن، از دو سال قبل در حال برنامه‌ریزی برای بی‌ثبات‌سازی جمهوری اسلامی ایران هستند که فاز اول آن قرار بود در انتخابات نهمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۹۰ پیاده‌سازی شود. نظام سلطه در فاز اول سعی داشت، به‌طور هم‌زمان، تشدید فشارهای اقتصادی و اثربخشی آن‌ها را با ایجاد ناامنی و تحریم انتخابات و کاهش مشارکت در انتخابات مجلس نهم پیوند بزند و بحران‌های سه‌گانه‌ی «کارآمدی»، «مشارکت مقبولیت» و «امینت» را به جمهوری اسلامی تحمیل نماید.

طراحان و کارگزاران این برنامه، بر این باور بودند که جمهوری اسلامی، برای عبور از بحران‌های سه‌گانه مذکور، به یکی از راه‌های زیر هدایت خواهد شد:

■ مذاکره و کنار آمدن با آمریکا از طریق ساز و کار مشابه با قطعنامه‌ی ۵۹۸ (روش پذیرش جام زهر)

■ استمداد از فتنه‌گران برای عبور از بحران با پهن کردن فرش قرمز به زیر پای آنان

■ مذاکره از طریق کانالِ دو دیپلماسی (کشور ثالث واسطه) و سپس تبدیل آن به مذاکره‌ی مستقیم و رسمی با آمریکا. در این ارتباط «ام. پولاک»، مدیر مرکز خاورمیانه‌ای سابان، وابسته به اندیشکده‌ی بروکینگز که برترین اندیشکده‌ی جهان در سال ۲۰۱۲ بود، اذعان می‌کند: «هدف از اجرای این سیاست، تضعیف یا تحریک رژیم دینی ایران است تا مجبور گردد سیاست‌های معترضانه‌ی خود را در خارج از مرزها رها ساخته و با یک ائتلاف ملی جدید یا گروه‌های مخالف در داخل مذاکره کند. در اصل این سیاست در جست‌وجوی یافتن پاشنه‌ی آشیل جمهوری اسلامی است تا آن را وادار سازد برای حفظ اقتدار خود امتیازات ناخوشایندی را واگذار نماید... نمی‌توان کاملاً مطمئن بود، اما به نظر می‌رسد که به احتمال زیاد آیت‌الله خامنه‌ای باید در آینده به مذاکره با آمریکا و یا گروه‌های مخالف داخلی تن در دهد.»

هدایت هوشمندانه و راهوری مدبرانه و حکیمانه‌ی امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، به همراه وظیفه‌شناسی امت و مشارکت پرشور آنان در انتخابات مجلس نهم، مانع از تحقق حلقه‌ی فزاینده‌ی «فشار، بی‌ثباتی و مذاکره» گردید؛ لیکن نظام سلطه با نشانه رفتن انتخابات ۱۳۹۲ به دنبال جبران ناکامی و محقق نمودن اهداف گفته شده است.

بازیگران فاز اجرایی فتنه‌ی بزرگ‌تر

به‌نظر می‌رسد طراحان و کارگزاران عملیات مخفی و بی‌ثبات‌سازی از طریق سرپل‌ها، حلقه‌ها و عناصر نفوذی در تقسیم کاری هدفمند، برای انجام فتنه‌ی بزرگ‌تر، مجموعه‌ای از بازیگران را در هم‌افزایی با یکدیگر به کار گرفته‌اند. آنان جریانی را بر روی حوزه‌ی اقتصادی و اجتماعی متمرکز نموده‌اند که این جریان باید با اقدامات خود علاوه بر دست کاری اولویت‌ها و برهم زدن تمرکز دولت در رسیدگی به معیشت مردم، زمینه را برای اعتراض و ناآرامی‌های اجتماعی و موج‌سواری پس از آن آماده سازد.

در عین حال، آن‌ها مجموعه‌ای از بازیگران دیگری را که در فتنه‌ی ۸۸ نقش‌آفرینی نمودند بر روی مسائل روانی و سیاسی متمرکز ساخته‌اند تا آنان نیز بتوانند از یک‌سو با سیاه‌نمایی و بحران‌نمایی روند انتقال پیام سلطه‌گران به

داخل کشور برای بی تعادل سازی روانی جامعه و ایجاد ناآرامی‌های اجتماعی کلید بزنند و از سوی دیگر، با احیاء و یا بازتولید جنبش سیاسی علیه نظام، راهبرد هدایت کردن مطالبات اجتماعی و سیاسی به سمت رهبری را، پیگیری نمایند. در این میان، بازیگران دیگری نیز هستند که با هدایت و پشتیبانی سرویس‌های اطلاعاتی منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای، مأموریت بخش امنیتی عملیات مخفی و بی‌ثبات‌سازی را بر عهده گرفته‌اند.

بازیگران بخش سوم مجموعه‌ای از گروهک‌های ضدانقلاب، به‌ویژه منافقین، هستند. آن‌ها با اقدامات ضد امنیتی خود باید علاوه بر از بین بردن تمرکز مسئولین و دستگاه‌های ذی‌ربط، با تزریق هیجانات کاذب، روند شکل‌گیری ناآرامی‌های اجتماعی و احیای جنبش سیاسی را تسریع ببخشند.

تلاش برای ایجاد اعتراضات و ناآرامی‌های اجتماعی

همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، بخشی از عملیات مخفی و بی‌ثبات‌سازی، تلاش برای ایجاد اعتراضات و ناآرامی‌های اجتماعی است. از این رو، مروری بر مبانی نظری نحوه‌ی شکل‌گیری اعتراضات اجتماعی و تبدیل آنان به شورش، کمک شایانی به فهم این بخش از بحث خواهد کرد.

یکی از عوامل شکل‌گیری نارضایتی‌های اجتماعی بالا رفتن توقعات اجتماعی در عین ثابت یا در افول بودن شرایط تحقق خواسته‌هاست که در نهایت منجر به محرومیت نسبی در جامعه می‌شود و زمینه را برای شکل‌گیری پتانسیل خشونت جمعی فراهم می‌سازد.

در این رابطه، چکیده‌ی نظریه‌ی «جیمز دیویس» درباره‌ی فرآیند ایجاد اعتراض اجتماعی به شرح زیر می‌آید:

- افزایش انتظارات
- رکود اقتصادی
- ایجاد فاصله‌ی غیرقابل تحمل میان انتظارات و دریافت‌ها
- ایجاد حس محرومیت نسبی
- اعتراض اجتماعی

نظریه‌ی «چالمرز جانسون»، که اشاره به عوامل ایجاد بحران فراگیر اجتماعی دارد، نیز می‌تواند قابل توجه باشد. خلاصه‌ی نظریه‌ی وی نیز به شرح زیر است:

- عدم تعادل اجتماعی

■ عدم انعطاف‌پذیری نخبگان و جریان‌ات سیاسی

■ روز عوامل هیجان‌زا

در این میان، توجه به مبانی نظری نحوه‌ی شکل‌گیری اعتراضات اجتماعی و تبدیل آن‌ها به شورش، هنگامی بیشتر مورد دقت قرار می‌گیرد که جریانی در داخل تلاش می‌کند اقدامات خود را در آستری از توجیهات کارشناسی پنهان سازد و توقف فاز دوم هدفمندی یارانه‌ها را اقدامی برای ایجاد شورش اجتماعی و اعتصابات فراگیر القاء نماید.

تلاش فتنه‌گران برای احیاء یا بازتولید جنبش سیاسی

به‌نظر می‌رسد طراحان و کارگزاران عملیات مخفی و بی‌ثبات‌سازی دو زمین بازی را برای نقش‌آفرینی جریان فتنه تعریف کرده‌اند که در این میان، سرپل دو عناصر نفوذی وظیفه دارند علاوه بر تعیین زمین بازی و تفهیم نقش و تاکتیک فتنه‌گران، آنان را با برنامه‌ی سلطه‌گران هم‌محور و هم‌راستا نمایند.

■ زمین اول

احیاء و بازتولید جنبش سیاسی برای بازگشت به قدرت و تغییر از درون

■ زمین دوم

احیاء و بازتولید جنبش سیاسی علیه نظام برای تغییر از بیرون

فرآیند بازی در زمین اول به شرح زیر است:

■ بحران‌نمایی و سیاه‌نمایی از وضعیت کشور

■ ارائه‌ی نمونه برای عبور نظام از بحران (اعتدال ملی و نجات ملی)

■ ایجاد اجماع نخبگانی برای وادار ساختن نظام به پذیرش آنان

■ تشکیک در آزادی و سلامت انتخابات برای وارد نمودن فشار جهت تأیید

نامزدهای مورد نظر

■ تئوریزه نمودن گفتمان سازش و انتقال آن به فضای جامعه

■ بازگشت به قدرت و ایجاد حاکمیت دوگانه

■ بهره‌گیری از مطالبات اجتماعی و سیاسی برای ایجاد تغییر رفتار حاکمیت

از درون

■ هدایت مطالبات سیاسی و اجتماعی به سمت رهبری و تلاش برای کاهش

اختیارات ولی‌فقیه

در این راستا، یکی از خواص مردود فتنه‌ی ۸۸، با اشاره‌ی تلویحی به مدیریت اشتباه کشور توسط رهبری، اظهار می‌دارد: «کشور باید توسط رهبری به مسیری که از اول بوده برگردد و ما هم حاضر هستیم در خدمت ایشان، اگر بخواهند، کمک کنیم.»

اما به‌نظر می‌رسد در عین حال زمین بازی دیگری نیز برای جریان فتنه تعریف شده است. در این رابطه، رصد مواضع و اقدامات آنان مؤید آن است که فتنه‌گران در حال گرم نمودن خود برای بازی در زمین دوم هستند. از دیگر موارد هم‌سوئی فتنه‌گران با طراحی نظام سلطه برای بی‌ثبات‌سازی و ایجاد فتنه می‌توان به محورهای زیر اشاره نمود:

- سیاه‌نمایی و بحران‌نمایی از وضعیت کشور
- دل‌سرد نمودن مردم محروم نسبت به آینده و القای حس محرومیت به جامعه
- القای کم‌شور بودن انتخابات و پایین بودن مشارکت

همچنین شواهد و قرائن نشان می‌دهد فتنه‌گران در آینده بیش از پیش با طراحی نظام سلطه هم‌محور خواهند شد. در این ارتباط، تلاش برای فعال نمودن شبکه‌های اجتماعی، بهره‌گیری از ظرفیت‌های ارتباطی ایجادشده توسط نظام سلطه، تلاش برای هدایت نمودن مطالبات به سمت رهبری و پیوند زدن اعتراضات اجتماعی به مطالبات سیاسی، ناظر بر هم‌سوئی بیشتر این جریان با طراحان و کارگزاران عملیات مخفی و بی‌ثبات‌سازی خواهد بود.

اجرای اقدامات مهندسی‌شده‌ی ضد امنیتی

بر اساس اخبار و اطلاعات موجود، آمریکایی‌ها برای اجرایی نمودن عملیات مخفی و بی‌ثبات‌سازی از دو سال قبل جلسات منظمی را با سرویس‌های اطلاعاتی منطقه برگزار و برای آن‌ها تقسیم کار نموده‌اند. متعاقب این هماهنگی صورت گرفته، برخی از سرویس‌های اطلاعاتی منطقه موظف به حمایت از گروه‌های ضدانقلاب قومی و سلفی برای بی‌ثبات‌سازی مناطقی از ایران شده‌اند. برگزاری نشست گروه‌های ضدانقلاب در قطر، عربستان، پاکستان، بروکسل، واشنگتن و لندن و فعال شدن منافقین از منشأ شاخه‌ی اروپایی، ناظر به برنامه‌ریزی این گروهک‌ها و سرویس‌های پشتیبان و حامی آن‌ها برای اقدامات ضد امنیتی در آستانه‌ی انتخابات آینده خواهد بود.

نتیجه‌گیری

نظام سلطه به سرکردگی آمریکا، با طراحی عملیات مخفی و بی‌ثبات‌سازی علیه جمهوری اسلامی ایران، اجرای سناریوی هوشمند و چندمرحله‌ای «فشار، بی‌ثباتی و مذاکره» را در دستور کار قرار داده که نقطه‌ی کانونی آن انتخابات ریاست جمهوری در خردادماه ۱۳۹۲ است. در این طراحی، از یک سو، تلفیق نمونه‌های پیاده شده در کشورهای مختلف و ترمیم نقاط ضعف در فتنه‌ی ۸۸ مد نظر قرار گرفته است و از سوی دیگر، سعی می‌شود تا با ایجاد آشفتگی اقتصادی، اعتراض و آشوب اجتماعی و سیاسی در بستر انتخابات کلید بخورد.

پندار طراحان و کارگزاران فتنه‌ی آینده نسبت به فتنه‌ی گذشته

الف) در انتخابات ۸۸ این پندارها دنبال شد:

- تلاش برای بی‌ثبات‌سازی رهبری
- محتوای اعتراض: سیاسی
- جمعیت هدف: دهک‌های بالای جامعه
- جغرافیای اعتراض: در مرکز
- جریان‌های شرکت‌کننده: محدود شدن فتنه در یک جریان خاص

ب) در انتخابات ۹۲ این پندارها دنبال می‌شود:

- تلاش مؤثرتر برای بی‌ثبات‌سازی رهبری
- محتوای اعتراض: اجتماعی و سیاسی
- جمعیت هدف: دهک‌های پایین و بالای جامعه
- جغرافیای اعتراض: اطراف مرکز
- جریان‌های شرکت‌کننده: امکان هم‌افزایی بین جریان فتنه و حلقه‌ی نفوذی منحرف

تبدیل نقاط قوت و مزیت‌های جمهوری اسلامی در فتنه‌ی ۸۸ به نقاط ضعف و چالش در انتخابات ۹۲

در فتنه‌ی ۸۸ شاهد نقاط قوتی بودیم که عبارت بودند از:

- تدبیر و راهبری ولایت مطلقه‌ی فقیه
- یک‌پارچگی حداکثری در حاکمیت

- کارآمدی حاکمیت
- ثبات امنیتی در اطراف مرکز و حتی خود مرکز
- رضایتمندی عمومی
- اعتماد به ارکان نظام، افراد، گروه‌ها و جریان‌های مرجع
- وحدت حداکثری جریان‌های معتقد به گفتمان انقلاب، امام و رهبری

دشمن در صدد است نقاط قوت نظام در خنثی‌سازی فتنه ۸۸ را این گونه به نقطه‌ضعف در انتخابات ۹۲ تبدیل نماید:

- تلاش برای هدایت نمودن مطالبات به سمت ولایت و رهبری
- تلاش برای چالش و تقابل در حاکمیت
- تلاش در جهت ناکارآمد سازی حاکمیت
- تلاش برای ایجاد بی‌ثباتی در اطراف مرکز و گسترده‌سازی آن در مرکز
- تلاش به منظور ایجاد نارضایتی عمومی
- تلاش برای اعتماد زدایی و اعتبار زدایی از ارکان نظام، افراد، گروه‌ها و جریان‌های مرجع
- تلاش برای ایجاد انشقاق در جریان‌های معتقد به گفتمان انقلاب، امام و رهبری

شایان ذکر است که پندارهای طراحان و کارگزاران عملیات مخفی و بی‌ثبات‌سازی و تلاش آن‌ها برای تبدیل مزیت‌ها و نقاط قوت جمهوری اسلامی ایران به نقاط ضعف و چالش، ناظر بر امکان نقش‌آفرینی گروه‌های ضدانقلاب، جریان فتنه و حلقه‌ی نفوذی است.

سخن پایانی

پایان‌بخش این نوشتار فرازهایی از بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی، امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) است. معظم‌له در بخشی از بیاناتشان در دیدار با مردم قم در ۱۹ دی ۱۳۹۱ فرمودند: «من به شما عرض می‌کنم با اعتمادی که ما به وعده‌ی الهی داریم و وعده‌های الهی حق است و صدق است، بدون تردید، خدای متعال این ملت را هم در این مرحله، هم در همه‌ی مراحل آینده بر دشمنان‌شان پیروز خواهد کرد.»

ایشان در بخش دیگری از بیاناتشان، درباره‌ی ثمره‌ی مقاومت و زمینه‌سازی

برای ظهور، فرمودند: «اگر حرف شما ملت ایران پیش رفت، اگر شما توانستید پیروز شوید، به آن نقطه‌ی موعود برسید، آن وقت مسیر تاریخ عوض خواهد شد، زمینه‌ی ظهور ولی امر و ولی عصر (ارواحنا له الفداء) آماده خواهد شد؛ دنیا وارد یک مرحله‌ی جدیدی خواهد شد.»

تبیین مدیریت رهبر معظم انقلاب اسلامی در حوادث قبل و بعد از انتخابات دهم ریاست جمهوری

مروری بر حوادث و تحولات سه دهه‌ی اخیر به خوبی نقش و جایگاه رهبری الهی را در مدیریت بحران‌ها نشان می‌دهد. در دهه‌ی اول انقلاب اسلامی بحران‌هایی چون کودتای نظامی، تحرکات تجزیه‌طلبان، ترورهای کور منافقان، نفوذ ضدانقلاب در صفوف مسئولین نظام اسلامی، تجاوز نظامی و جنگ تحمیلی حوادثی بودند که هر یک از آنها به تنهایی برای سرنگونی انقلاب کافی بود اما آنچه در عمل موجب شکست این اقدامات براندازنده شد، هوشیاری و مدیریت حضرت امام(ره)، و اعتماد و همراهی ملت با امام راحل بود.

در دهه‌ی دوم و سوم انقلاب دشمنان دیرینه‌ی اسلام و انقلاب برنامه‌های مختلفی را برای براندازی و ضربه‌زدن به نظام اسلامی طراحی نمودند که یکی پس از دیگری با تدبیر و درایت رهبر معظم انقلاب اسلامی و همراهی و پشتیبانی مسئولین و ملت حزب‌الله ناکام ماند.

آخرین نقشه‌ی براندازی و ضربه‌زدن به نظام اسلامی ماجرای کودتای مخملی‌ای بود که در آستانه‌ی انتخابات دهم ریاست جمهوری در دستور کار دشمنان انقلاب و دنباله‌های داخلی آنها قرار گرفت.

اما همان گونه که همیشه رهبری اسلامی با مدیریت ولایی خود جامعه را از فتنه‌ها نجات داده است در این فتنه‌ی عمیق و کم‌سابقه هم مدیریت اسلامی رهبر معظم انقلاب سبب شد تا نه تنها طرح‌های دشمنان نقش بر آب شود، بلکه این تهدید پیچیده تبدیل به فرصت شود. هر چند تحلیل جامع چگونگی مدیریت معظم‌له در خنثی کردن این فتنه نیازمند تألیفات بیشتری است اما سعی می‌شود در این نوشتار به محورهای اساسی مدیریت ایشان اشاره شود.

رهبر معظم انقلاب اسلامی از ابتدای آغاز فعالیت‌های انتخاباتی در نیمه‌ی دوم سال ۱۳۸۷ با تیزبینی و دوراندیشی ملت را نسبت به شرایط پیش رو آگاه نموده و رهنمودهایی را هم برای چگونگی برخورد با مسائل احتمالی بیان فرمودند:

رهنمودهای رهبری پیش از انتخابات

■ تبیین ابعاد انتخابات در ایران

یکی از مسائل مهمی که حکیم فرزانه انقلاب اسلامی در آستانه‌ی انتخابات دهم ریاست جمهوری به‌طور خاص از ابتدای سال ۱۳۸۸ بدان همت گماشتند، تبیین ابعاد مختلف انتخابات در اسلام و در نظام مردم‌سالاری دینی بود. معظم‌له ابعاد مختلف این مسأله را همان‌طور که پیش از این نیز تبیین کرده بود، برشمردند تا جایگاه ممتاز مردم در نظام و حکومت اسلامی آشکار شود. برخی از مهم‌ترین آنها عبارتند از:

- انتخابات در کشور ما یک حرکت نمایشی نیست.
- مردم‌سالاری، عامل پایداری ملت ایران است.

■ تبیین برنامه‌های دشمن

حوزه‌ی تبیینی دیگری که رهبر معظم انقلاب اسلامی در آستانه‌ی انتخابات بدان پرداختند، تبیین و تحلیل نقشه‌ها و اهداف دشمن در انتخابات پیش رو بود. معظم‌له در سخنرانی‌های متعدد در این زمینه نکات مهمی را در مورد اهداف دشمن در انتخابات فرمودند. از دیدگاه ایشان دشمن هدفی سه مرحله‌ای را دنبال می‌کند:

- تعطیل شدن انتخابات
- برگزاری انتخابات کم‌شور و سرد
- زیر سؤال بردن سلامت انتخابات

یکی از مسائل مهمی که توسط دشمنان انقلاب اسلامی در دستور کار قرار گرفته بود، مسأله‌ی القاء تقلب در انتخابات بود. ستاد کودتا که طرح ادعای تقلب را در صورت شکست انتخاباتی در دستور کار داشت، از مدت‌ها قبل تلاش نمود تا زمینه‌های پذیرش افکار عمومی را در این موضوع فراهم کند. تشکیل کمیته‌ی صیانت از آراء نیز در قالب همین توطئه قابل تحلیل است. لذا رهبر معظم انقلاب اسلامی به‌طور جد از همان ابتدا در برابر این توطئه و جنگ روانی ایستادند و ملت را نسبت به این مسأله هوشیار نمودند:

«انتخابات به فضل الهی و به حول و قوه‌ی الهی انتخابات سالمی است. من می‌بینم بعضی‌ها در انتخاباتی که دو سه ماه دیگر انجام خواهد گرفت، از حالا شروع کرده‌اند به خدشه کردن. این چه منطقی است؟ این چه فکری است؟ این چه انصافی است؟ این همه انتخابات در طول این سی سال انجام گرفته است -در حدود سی انتخابات- مسئولان وقت در هر دوره‌ای رسماً متعهد شده‌اند و صحت انتخابات را تضمین کرده‌اند، و انتخابات صحیح بوده است. چرا بیخود خدشه می‌کنند، مردم را متزلزل می‌کنند، تردید ایجاد می‌کنند؟ که البته در ذهن مردم عزیز ما با این حرف‌ها تردید ایجاد نخواهد شد.»

ایشان همچنین با تأکید بیشتری خطاب به برخی نخبگان فرمودند:

«یکی از دشمنی‌ها همین است که این پدیده‌ی بارزش تأثیر حضور مردم و نقش‌آفرینی مردم در اداره‌ی کشور و مدیریت کشور را در تبلیغات خودشان نفی کنند یا ندیده بگیرند یا انکار کنند. بارها و بارها در اظهارات صریحشان، در اظهارات کنایه‌آمیزشان، در انتخابات کشورمان خدشه کردند. نه، انتخابات کشور ما از انتخابات اکثر این کشورهای مدعی دموکراسی، هم آزادتر است، هم پرشورتر است، هم انگیزه‌ی مردم در این انتخابات بیشتر است. انتخابات پرشور، انتخابات خوب، سالم، دشمن خدشه می‌کند؟ از دشمن انتظاری هم جز دشمنی نیست؛ چه انتظاری هست؟ بی‌توقعی از دوستان است. بی‌توقعی از کسانی است که جزو این ملتند؛ واقعیات را دارند می‌بینند. می‌بینند که این انتخابات چگونه سالم و متقن انجام می‌گیرد، در عین حال، همان حرفی را که دشمن می‌زند اینها هم می‌زنند! من انتظارم این است: کسانی که با ملت ایرانند،

جزو ملت ایرانند، توقع دارند ملت ایران به آنها توجه کنند، اینها دیگر علیه ملت ایران حرف نزنند و انتخابات ملت ایران را زیر سؤال نبرند. مرتب تکرار نکنند که آقا این انتخابات سالم نیست، انتخابات، انتخابات نیست. چرا دروغ می‌گویند؟ چرا بی‌انصافی می‌کنند؟ چرا خلاف واقع می‌گویند؟ چرا این همه زحماتی را که این ملت و مسئولین در طول این سال‌های متمادی متحمل شدند، ندیده می‌گیرند؟ چرا؟ چرا ناسپاسی می‌کنند؟ انتخابات در دوره‌های گذشته سالم بوده. در مواردی که شبهاتی پیش می‌آمد، ما فرستادیم تحقیق کردند، دنبال کردند. در یکی از مجالس گذشته شایعاتی پیدا شد، بعضی‌ها دلایلی آوردند، حرف‌هایی زدند که انتخابات ناسالم است. توقع داشتند که در برخی از شهرهای مهم از جمله تهران، انتخابات ابطال شود. ما افراد وارد و مطلعی را فرستادیم تحقیق کردند، مطالعه کردند، دیدند نه، خدشه در انتخابات نیست. در بین هزارها صندوق ممکن است در دو تا، پنج تا صندوق خدشه‌هایی به وجود بیاید. این، انتخابات را خراب نمی‌کند. این هم مال بعضی از اوقات بوده است.»

■ مقابله با مخدوش کردن چهره‌ی انتخابات

حدود دو هفته به برگزاری انتخابات، رهبر معظم انقلاب اسلامی در صحن مطهر حضرت امام(ره) به ایراد سخن پرداختند و خطاب به حضار فرمودند:

«از دو سه ماه قبل از این، رادیوهای بیگانه شروع کردند به بدنام کردن و مخدوش کردن چهره‌ی انتخابات در کشورمان، برای بدبین کردن مردم.

■ گاهی گفتند: این انتخابات نیست، انتصابات است.

■ گاهی گفتند: این یک بازی کنترل شده‌ی درون حکومت است. گفتند: این نامزدها خودشان دارند بازی می‌کنند. نامزدهای مختلف که می‌بینید با هم اختلاف‌نظر دارند، اینها همه ظاهرسازی است، بازی است.

■ گاهی گفتند: در انتخابات قطعاً تقلب انجام خواهد گرفت.

مقصود از همه‌ی این تخریب‌ها یک چیز است و او این که می‌خواهند ملت در انتخابات، مشارکت قوی و نمایانی نکند. این را می‌خواهند. وای به حال آن کسانی که نادانسته، از روی غفلت، همان حرف آنها را تکرار کنند و همان مقصود آنها را در داخل تحقق ببخشند.»

■ پاسخ به شبهات

در این بین سوالات و شبههاتی نیز درباره‌ی مواضع و عملکرد رهبر معظم انقلاب اسلامی توسط دشمنان و معاندین و در جهت تشویش اذهان عمومی در سطح جامعه القاء می‌شد که معظم‌له برای خنثی شدن شبهات به تبیین و پاسخ‌گویی آنها پرداختند. به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود:

■ رأی رهبری مخفی است: «درباره‌ی موضع رهبری در مورد انتخابات گمانه‌زنی و شایعه و اینها همیشه بوده و خواهد بود. بنده یک رأی دارم، آن را در صندوق می‌اندازم. به یک نفری رأی خواهم داد، به هیچ‌کس دیگر هم نخواهم گفت که به کی رأی بدهید، به کی رأی ندهید؛ این تشخیص خود مردم است.»

■ حمایت از دولت به منزله حمایت از رییس‌جمهور در انتخابات نیست: «بنده گاهی از دولت حمایت می‌کنم، دفاع می‌کنم؛ بعضی سعی می‌کنند برای این کار معنای نادرستی جعل و ابداع کنند. نه، من از دولت‌ها همیشه دفاع می‌کنم؛ منتها اگر دولتی بیشتر مورد تهاجم قرار گرفت و احساس کردم حملات غیرمنصفانه‌ای می‌شود، بیشتر دفاع می‌کنم. من طرفدار اعمال انصافم. من می‌گویم باید منصف باشیم. رفتارها را نگاه کنیم. این ربطی به انتخابات ندارد، بحث انصاف و بی‌انصافی است. حمایت کردن از خدمت‌گزاران در کشور، وظیفه‌ای است که هم من دارم، هم همه دارند، این مربوط به اعلام موضع انتخاباتی نیست. بنده از هر حرکت خوبی، از هر اقدام خوبی، از هر پیشرفتی، از هر خدمتی به مردم، از هر دلجوئی‌ای از محرومین، از هر ایستادگی‌ای در مقابل ظلم و استکبار استقبال می‌کنم و از آن کسی که این کار را کرده است، تشکر و سپاسگزاری می‌کنم، هر دولتی باشد، هر شخصی باشد؛ این وظیفه‌ی من است.»

توصیه به نامزدهای انتخاباتی و جریان‌های سیاسی

رهبر معظم انقلاب همانند سنت همیشگی و از باب امر به معروف و نهی از منکر توصیه‌های مهمی را به نامزدها انتخاباتی داشتند تا لوازم برگزاری یک انتخابات سالم فراهم و حجت بر همگان تمام شود. ایشان خطاب به نامزدها فرمودند:

- انتخابات ابزاری برای قدرت‌طلبی نیست.
- مبدا نامزدها در آثانی فعالیت‌های انتخاباتی خودشان جوری رفتار کنند و حرفی بزنند که دشمن را به طمع بیندازند.

■ رقابت‌ها را منصفانه کنند، حرف‌ها را منصفانه کنند، از جاده‌ی انصاف خارج نشوند.

■ با انصاف عمل کنند.

■ اثبات و نفی‌تان با توجه به حق و صدق باشد.

■ اذهان عمومی را تخریب نکنند:

«این همه نسبت خلاف دادن به این و آن، تخریب کننده‌ی اذهان مردم است. واقعیت هم ندارد؛ خلاف واقع هم هست. بنده که از همه‌ی این آقایان اوضاع کشور را بیشتر می‌دانم و بهتر خبر دارم، می‌دانم که بسیاری از این مطالبی که به عنوان انتقاد درباره‌ی وضع کشور و وضع اقتصاد و اینها می‌گویند، خلاف واقع است. اشتباه می‌کنند. ان شاء الله اشتباه است»

■ مراقبت از تبلیغات خیابانی

«مواظب باشید، مراقب باشید که این علاقه‌مندی‌ها به اصطکاک نینجامد، به اغتشاش نینجامد. شما دارید برای عقیده‌ی خودتان، برای ایمان خودتان تلاش می‌کنید، نگذارید دشمن این ایمان، دشمن این آرمان از شما سوءاستفاده کند. من شنیدم و اطلاع پیدا کردم که در خیابان‌ها بعضی از جوانان طرفداران نامزدها می‌روند - حالا من درباره‌ی این رفتن تو خیابان‌ها حرفی نمی‌زنم - اما مؤکداً می‌گویم: مبادا این خیابان‌گردی‌ها به مقابله، به مجادله، به درگیری بینجامد. مواظب باشید. اگر کسی دیدید که اصرار بر اغتشاش و درگیری دارد، بدانید او یا خائن است، یا بسیار غافل است.»

معرفی نامزد اصلح

رهنمود مهم دیگر رهبری به ملت ایران تاکید بر انتخاب صالح‌ترین فرد بود. معظم‌له تاکید کردند که «در انتخابات مردم سعی کنند صالح‌ترین را انتخاب کنند.» ایشان در ادامه به معرفی اصلح پرداختند و فرمودند بهترین آن کسی‌ست که:

■ درد کشور را بفهمد، درد مردم را بداند.

■ با مردم یگانه و صمیمی باشد.

■ از فساد دور باشد، دنبال اشرافی‌گری خودش نباشد.

رهنمودهای پس از انتخابات

سرانجام روز موعود فرا رسید و انتخابات دهمین دوره‌ی ریاست جمهوری با حضور باشکوه ملت در ۲۲ خرداد برگزار شد. حضور ۴۰ میلیونی ملت در پای صندوق‌های رأی یکی از باشکوه‌ترین انتخابات تاریخ ایران زمین را رقم زد. این انتخابات که می‌توانست، پشتوانه‌ی عظیمی برای رییس‌جمهور منتخب ملت و پیروزی بزرگی برای ملت و نظام جمهوری اسلامی باشد، به دلیل فتنه‌گری جریان سیاسی شکست‌خورده در انتخابات با چالش‌هایی مواجه شد که قبلاً سابقه نداشت. این فتنه‌ها می‌توانست بدعت بسیار بدی را در نظام اسلامی به وجود آورد و آن این‌که اگر نظام اسلامی با مدیریت رهبری در برابر خواسته‌های غیرقانونی این جبهه فتنه‌گر نمی‌ایستاد، بیم آن می‌رفت که بعد از هر انتخاباتی جناح شکست‌خورده از اردوکشی خیابانی برای تأمین هر خواسته‌ای استفاده کند، اما مدیریت اسلامی مقام عظمای ولایت مانع شکل‌گیری چنین بدعتی شد.

معارضان در اولین اقدام ادعای تقلب در انتخابات را مطرح کردند و خواستار ابطال انتخابات شدند و بلافاصله هواداران سازمان یافته خود را به خیابان‌ها کشاندند تا با اغتشاش‌گری و ایجاد ناآرامی، نظام اسلامی را مجبور به پذیرش خواسته‌های غیرقانونی خود کنند. این مسیر بعدها با اقدامات سلسله‌واری ادامه یافت. در مجموع می‌توان موارد زیر را به عنوان بخش‌های مختلفی از سناریوی کودتای مخملی فتنه‌گران برشمرد که در قبال آنها حکیم فرزانه‌ی انقلاب اسلامی واکنش نشان داد و با روشنگری‌های حکیمانه، بصیرت مردم و نخبگان را نسبت به ماهیت اصلی این فتنه و خواسته‌های ساختارشکنانه معارضان فراهم کردند. این موارد عبارتند از:

- طرح دروغ بزرگ تقلب در انتخابات
- درخواست ابطال انتخابات
- بیانیه‌نویسی و صدور اطلاعیه‌های زنجیره‌ای
- آغاز اردوکشی‌های خیابانی و کشاندن هواداران به خیابان‌ها
- ناامن سازی و ایجاد اغتشاش‌گری و تخریب اموال عمومی
- حمله به مراکز نظامی و انتظامی و ضرب و شتم و قتل نیروهای انتظامی و امنیتی
- تلاش برای مستندسازی دروغ بزرگ «تقلب»
- فرصت‌سوزی و عدم استفاده از ظرفیت‌های قانونی برای رسیدگی به تخلفات انتخابات و عدم ارائه مستندات قابل قبول برای اثبات ادعای تقلب

- بزرگ‌نمایی و متهم کردن نظام اسلامی به کشتار مخالفین
- متهم کردن نظام اسلامی به تجاوز در زندان‌ها
- متهم کردن نهادهای قانونی کشور به ناپاکی
- دروغ‌پردازی و جعل شهادی دروغین برای ادامه فتنه‌گری
- عدم همراهی با ملت و نظام اسلامی در مراسم تحلیف و تنفیذ و نامشروع خواندن دولت منتخب مردم
- ایجاد اغتشاش و ناآرامی در مناسبت‌های ملی و مذهبی و ایجاد شکاف در صفوف ملت با طرح شعارهای ساختارشکنانه و استفاده از نمادهای اختلاف‌برانگیز و رفتارهای اغتشاش‌آمیز
- تلاش برای بی‌گناه جلوه‌دادن مجرمین محکوم شده دادگاه‌های اسلامی و تلاش برای آزادی آنها
- راه‌اندازی گروه‌های اجتماعی در فضای مجازی (الگوگیری از کودتاهای مخملی)
- مقاله‌نویسی، هجونویسی، طراحی کاریکاتور و پوستر، مونتاژ عکس‌های غیرواقعی و... در دنیای مجازی
- شعارنویسی و دیوارنویسی علیه آرمان‌ها و ارزش‌های نظام اسلامی

در مقابل این اقدامات ساختارشکنانه، مقام معظم رهبری با تشریح حقایق انتخابات و بیان روشن آنها سعی کردند تا عظمت انتخابات و جایگاه آن در تحکیم مردم‌سالاری دینی و پشتیبانی از نظام و دولت اسلامی حفظ شود. بنابراین محورهای ذیل را در این باره بیان فرمودند:

■ تشریح عظمت حماسه‌ی تاریخی ۲۲ خرداد

- انتخابات زلزله‌ای سیاسی برای دشمنان و جشنی تاریخی برای دوستان ایران: «این انتخابات، عزیزان من! برای دشمنان شما یک زلزله‌ی سیاسی بود، برای دوستان شما در اکناف عالم یک جشن واقعی بود؛ یک جشن تاریخی بود.»
- انتخابات ۴۰ میلیونی، نشانه‌ی اعتماد مردم به نظام اسلامی

■ ویژگی رقابت‌های انتخاباتی

- کاملاً آزاد، جدی و شفاف، در چارچوب نظام اسلامی: «این رقابت‌ها کاملاً رقابت‌های آزاد، جدی و شفاف بین نامزدهای مختلف بود. همه دیدند. به‌قدری این رقابت‌ها و این گفتگوها و این مناظره‌ها شفاف و صریح بود، که عده‌ای به

آن معترض شدند - حالا عرض خواهم کرد - حق هم تا حدودی با آنهاست. التهاباتی هم به وجود آورد که الآن هم هنوز آثارش را داریم مشاهده می‌کنیم. ■ چهار نامزد انتخابات، همگی از عناصر نظام. ■ بعضی را برای خدمت به کشور مناسب‌تر از بعضی دیگر می‌دانم، اما حق انتخاب با مردم است. ■ مناظرات تلویزیونی، ابطال کننده ادعای دشمنان مبنی بر نمایشی بودن رقابت‌های انتخاباتی در ایران ■ رأی دهندگان به چهار نامزد، مأجورند.

■ پیام‌های انتخابات

■ اولین پیام این انتخابات این بود که جمهوری اسلامی با گذشت سی سال، قدرت به صحنه آوردن و بسیج ملی را در حدی دارد که نصاب‌های متعارف جهانی را رد کرده است و از همه‌ی اینها عبور کرده است. ■ یک پیام دیگر این انتخابات و این حضور عظیم مردمی، وجود اعتماد متقابل میان نظام اسلامی و مردم است. ■ یک پیام دیگر هم در این انتخابات وجود نشاط و امید در مردم است.

■ تشریح نقشه‌ی کودتای مخملی

■ بلوهای بعد از انتخابات، برنامه‌ای طراحی شده: «قطعاً این بلوهای بعد از انتخابات، به نظر آدم‌های خبره و آگاه، برنامه‌ریزی شده بود. یعنی انسان با هر کسی از انسان‌های فهیم که با مسائل کشور و با مسائل جهانی آشنا هستند، در میان می‌گذارد، می‌فهمد. پریروز من به ایشان (حجت‌الاسلام و المسلمین هاشمی رفسنجانی) همین را عرض کردم. گفتم اینها برنامه‌ریزی شده بود. ایشان گفتند: قطعاً. یعنی همه این را می‌فهمند که این کار برنامه‌ریزی شده بوده و این یک کار دفعی نبود که بخواهیم بگوییم یک چیزی پیش آمده. مثلاً دفعتاً کسی بلند شد حرفی زد، نه، این کار برنامه‌ریزی شده بود. از یک مرکزی هدایت می‌شد. خوب، شکست خوردند دیگر. ان شاء الله این شکست‌شان ادامه هم پیدا خواهد کرد. منتها دائم دارند توطئه می‌کنند.»

«البته اینی که عرض می‌کنم، تحلیل است، خبر نیست. به اعتقاد من، با تحلیل من، این مسئله از بعد از انتخابات یا از روزهای حول و حوش انتخابات شروع نشده. این از قبل شروع شده، این از قبل طراحی شده، برنامه‌ریزی شده.

من متهم نمی‌کنم افرادی را که دست‌اندر کار بودند، که اینها دست‌نشانده‌ی بیگانه‌هایند یا انگلیسی‌اند یا آمریکایی‌اند این را من ادعا نمی‌کنم، چون برای من این قضیه ثابت نیست، چیزی که ثابت نیست، نمی‌توانم بگویم اما آنی که می‌توانم بگویم این است که این جریان چه پیش‌قراولانش دانسته باشند، چه ندانسته باشند، یک جریانی بود طراحی شده. تصادفی نبود. همه‌ی نشانه‌ها نشان می‌دهد که این جریان طراحی شده بود، حساب‌شده بود. البته آنها‌یی که طراحی کرده بودند، یقین نداشتند که خواهد گرفت.»

■ ظلم بزرگ این بلواها به نظام اسلامی: «یک عده‌ای آنچه را که بعد از انتخابات اتفاق افتاد، آن ظلمی که به مردم شد، آن ظلمی که به نظام اسلامی شد، آن هتکی که از آبروی نظام در مقابل ملت‌ها به وسیله‌ی بعضی انجام گرفت، اینها همه را ندیده می‌گیرند، فرضاً مسئله‌ی فلان حادثه را، زندان کهریزک را، یا قضیه‌ی کوی را قضیه‌ی اصلی دوران بعد از انتخابات تا امروز قلمداد می‌کنند. این خودش یک ظلم دیگر است. مسئله‌ی اصلی، مسئله‌ی دیگری است. مسئله‌ی اصلی این است که مردم در یک حرکت عظیمی، در یک انتخابات پرشور خوب کم‌نظیری حضور پیدا کردند و این رأی بالا را توی صندوق‌ها ریختند. هشتاد و پنج درصد شوخی است؟ این انتخابات، نظام را که در این یکی دو سال اخیر همین طور پی‌درپی پیشرفت‌های اقتصادی و علمی و سیاسی و امنیتی و بین‌المللی برای خودش کسب کرده بود، در یک مرحله‌ی عالی از امتیاز و آبرو قرار می‌دهد، بعد ناگهان مشاهده می‌کنیم یک حرکتی صورت می‌گیرد برای نابود کردن این حادثه‌ی افتخارآمیز! مسئله اصلی این است.»

■ تشریح برنامه‌ی جنگ نرم

مقام معظم رهبری بعد از بیان واقعیت حوادث بعد از انتخابات مسأله را در ذیل یک موضوع کلی‌تر و مهم‌تر مطرح کردند و نوع مواجهه دشمن با نظام اسلامی در شرایط کنونی را جنگ نرم عنوان کردند تا با این توضیح مخالفان و معارضان با انتخابات متوجه شوند که از این بلواها تنها دشمن سود برده و آنها در زمین طراحی شده دشمن گام برمی‌دارند.

■ وضعیت امروزی جمهوری اسلامی: «ببینید عزیزان! شماها میدانید امروز جمهوری اسلامی و نظام اسلامی با یک جنگ عظیمی مواجه است، لیکن جنگ نرم، خوب، حالا در جنگ نرم، چه کسانی باید میدان بیایند؟ قدر مسلم نخبگان فکری‌اند.» ■ تفاوت جنگ سخت و جنگ نرم: «در جنگ نظامی دشمن به سراغ سنگرهای

مرزی ما می‌آید، مراکز مرزی ما را سعی می‌کند منهدم بکند تا بتواند در مرز نفوذ کند. در جنگ روانی و آنچه که امروز به او جنگ نرم گفته می‌شود در دنیا، دشمن به سراغ سنگرهای معنوی می‌آید که آنها را منهدم کند. به سراغ ایمان‌ها، معرفت‌ها، عزم‌ها، پایه‌ها و ارکان اساسی یک نظام و یک کشور، دشمن به سراغ اینها می‌آید که اینها را منهدم بکند و نقاط قوت را در تبلیغات خود به نقاط ضعف تبدیل کند. فرصت‌های یک نظام را به تهدید تبدیل کند. این کارهایی است که دارند می‌کنند. در این کار تجربه هم دارند، تلاش هم زیاد دارند می‌کنند، ابزار فراوانی هم در اختیارشان هست. باید ابعاد دشمن و ابعاد دشمنی را بدانیم تا بتوانیم بر او فائق بیاییم. البته ما مدد الهی داریم، کمک غیبی داریم بدون شک. این را انسان دارد مشاهده می‌کند. لکن ما مادامی که هوشیارانه، آگاهانه در میدان نباشیم، تدبیر لازم را به کار نبریم، کمک الهی به سراغ ما نخواهد آمد.»

■ جنگ نرم، اولویت اول دشمنان انقلاب اسلامی: «همه این را امروز فهمیده‌اند و دانسته‌اند که مواجهه‌ی استکبار با نظام جمهوری اسلامی، دیگر از نوع مواجهه‌ی دهه‌ی اول انقلاب نیست... اولویت، آن چیزی است که امروز به آن می‌گویند جنگ نرم. یعنی جنگ به‌وسیله‌ی ابزارهای فرهنگی، به‌وسیله‌ی نفوذ، به‌وسیله‌ی دروغ، به‌وسیله‌ی شایعه‌پراکنی با ابزارهای پیشرفته‌ای که امروز وجود دارد، ابزارهای ارتباطی‌ای که ده سال قبل و پانزده سال قبل و سی سال قبل نبود، امروز گسترش پیدا کرده. جنگ نرم یعنی ایجاد تردید در دل‌ها و ذهن‌های مردم.»

■ ایجاد بدبینی و اختلاف از ابزارهای جنگ نرم: «یکی از ابزارها در جنگ نرم این است که مردم را در یک جامعه نسبت به یکدیگر بدبین کنند، بددل کنند، اختلاف ایجاد کنند. یک بهانه‌ای پیدا کنند، با این بهانه بین مردم ایجاد اختلاف کنند. مثل همین قضایای بعد از انتخابات امسال که دیدید یک بهانه‌ای درست کردند، بین مردم ایجاد اختلافی کردند. خوشبختانه مردم ما با بصیرتند. این جور کاری در کشورهای دیگر اوضاع کشور را به کلی عوض می‌کند، در جاهای دیگر، تردیدافکنی در دل‌های مردم نسبت به یکدیگر. یک بهانه‌ای مثل بهانه‌ی انتخابات را پیش بکشند، ایجاد تردید کنند، دل‌ها را نسبت به یکدیگر چرکین کنند، مردم را در مقابل هم قرار بدهند بعد درمیانه، عناصر دست‌آموز مغرض معاند را به کارهای خلاف وادار کنند و مسئولین کشور نتوانند تشخیص

بدهند کی بود، چی بود، چه شد. این جزو طرح‌های اساسی است. این جور کاری را دنبال می‌کنند.»

■ دانشجویان افسران جوان جنگ نرم: «در جنگ نرم، چه کسانی باید میدان بیابند؟ قدر مسلم نخبگان فکری اند. یعنی شما افسران جوانِ جبهه‌ی مقابله‌ی با جنگ نرمید.»

■ اساتید دانشگاه فرماندهان جنگ نرم: «در این جنگ نرم... استاد دانشگاه چه رتبه‌ای دارد؟ اگر در زمینه‌های مسائل اجتماعی، مسائل سیاسی، مسائل کشور، آن چیزهایی که به چشم باز، به بصیرت کافی احتیاج دارد، جوان دانشجوی ما، افسر جوان است، شما که استاد او هستید، رتبه‌ی بالاتر افسر جوانید. شما فرمانده‌ای هستید که باید مسائل کلان را ببینید. دشمن را درست شناسایی نکنید، هدف‌های دشمن را کشف نکنید، احیاناً به قرارگاه‌های دشمن، آن چنانی که خود او نداند، سر بکشید و بر اساس او طراحی کلان بکنید و در این طراحی کلان حرکت کنید. در رتبه‌های مختلف، فرماندهان بالا این نقش‌ها را ایفاء می‌کنند.»

■ تبیین وظیفه‌ی مجموعه‌ی فرهنگی و ادبی و هنری در عرصه جنگ نرم: «همینی که حالا معمول شده که در بیان‌ها و در تلویزیون و توی تبلیغات و توی دادگاه و توی زبان همه، می‌گویند: جنگ نرم، راست است، این یک واقعیت است. یعنی الآن جنگ است. البته این حرف را من امروز نمی‌زنم؛ من از بعد از جنگ - از سال ۶۷ - همیشه این را گفته‌ام، بارها و بارها. علت این است که من صحنه را می‌بینم. چه بکنم اگر کسی نمی‌بیند؟! چه کار کند انسان؟! من دارم می‌بینم صحنه را، می‌بینم تجهیز را، می‌بینم صف‌آرایی‌ها را، می‌بینم دهان‌های با حقد و غضب گشوده شده و دندان‌های با غیظ به هم فشرده شده علیه انقلاب و علیه امام و علیه همه‌ی این آرمان‌ها و علیه همه‌ی آن کسانی که به این حرکت دل بسته‌اند را. اینها را انسان دارد می‌بیند، خوب چه کار کند؟ این تمام نشده. چون تمام نشده، همه وظیفه داریم. وظیفه‌ی مجموعه‌ی فرهنگی و ادبی و هنری هم وظیفه‌ی مشخصی است: بلاغ، تبیین، بگویند، خوب بگویند. من همیشه تکیه بر این می‌کنم: بایستی قالب را خوب انتخاب کنید و هنر را بایستی تمام عیار توی میدان بیاورید. نباید کم گذاشت تا اثر خودش را بکند.»

■ توصیه به مخالفان و معارضان

معظم‌له بعد از تشریح ابعاد مختلف انتخابات و ماهیت بلوهای اطراف آن، با استدلال‌های منطقی و مستندات قانونی خطاب به مخالفان که در شکل معارضان با نظام قد علم کرده بودند توصیه‌ها و هشدارهایی را فرمودند تا حجت بر همگان روشن شود. توجه به محورهای بیانات رهبری ذیل این موضوع شجاعت معظم‌له و ملاک بودن اسلام و قانون اساسی برای ایشان در حفظ نظام اسلامی را نشان می‌دهد:

■ پیگیری شکایات از طریق قانونی: «در دوره‌های قبلی انتخابات نیز برخی افراد و نامزدها، مسائلی داشتند که از طریق شورای نگهبان به عنوان مرجع قانونی رسیدگی به شکایات انتخاباتی، پیگیری کردند و طبعاً در این دوره نیز مسائل باید از طریق قانونی دنبال شود.»

■ سیاسیون مراقب رفتار و گفتار خود باشند.

■ سیاسیون! آخرین وصایای امام را به یاد آرید: «قانون، فصل الخطاب است!»

■ مسئولیت تبعات هرج و مرج طلبی به عهده‌ی سیاسیون است: «من از همه می‌خواهم به این روش خاتمه بدهند. این روش، روش درستی نیست. اگر خاتمه ندهند، آن وقت مسئولیت تبعات آن، هرج و مرج آن، به عهده‌ی آنهاست.»

■ بین مردم انشقاق ایجاد نکنیم: «ما باید سعی کنیم، دقت کنیم که انتخابات مایه‌ی انشقاق نشود. این حرف اصلی من است. این که ما تصور کنیم که یک گروه مثلاً بیست و چهار میلیونی یک طرفند، یک گروه چهارده میلیونی یک طرفند، این به نظر من یک خطای بسیار بزرگی است؛ قضیه این جور نیست. همه در یک طرف قرار دارند. آن کسانی که به رییس جمهور منتخب این دوره‌ی از انتخابات رأی دادند، همان قدر وابسته‌ی به انقلاب و کشور و نظامند، که آن کسانی که رأی ندادند. مجموعه‌های مردمی، فرزندان این کشورند. فرزندان این ملتند. این خطاست که ما این دو مجموعه‌ی رأی‌دهنده را که یک عده‌ای رأی به یک نامزدی دادند، یک عده‌ای رأی به آن نامزد ندادند، اینها را ما متخاصم و متقابل فرض کنیم. نه، در یک مسئله‌ای، در یک گزینشی، اینها سلیقه‌شان یک جور نبوده، لکن در اصل قضیه، در اعتقاد به نظام، در پشتیبانی از جمهوری اسلامی، همه‌ی اینها با هم یکی هستند. ما نگاه کنیم به رأی قریب چهل میلیونی مردم در این دوره، این مهم است.»

■ از اقدامات تشنج‌آفرین بپرهیزید: «هر کاری که تشنج‌آفرین باشد، واقعاً نکنند. یعنی هم‌دیگر را عصبانی نکنند. این را هم من بد نیست در اینجا خطاب

به مردمی که خارج از این مجموعه‌ی شما برادران عزیز هستند، توصیه بکنم، که اگر این صحبت‌ها پخش شد، خطاب به مردم هم باشد. من به مردم عزیزمان هم عرض می‌کنم: دو جناح و دو گروه، هم‌دیگر را عصبانی نکنند. نه آن کسانی که نامزد مورد علاقه‌شان پیروز شده جوری حرف بزنند، جوری رفتار کنند که آن طرف مقابل را عصبانی کنند، جریحه‌دار کنند. نه آن کسانی که نامزد مورد علاقه‌شان رأی نیاورده، جوری حرف بزنند، جوری اقدام کنند که آن طرف را عصبانی کنند. نه، همه یک جهت مشترک دارید که آن عبارت است از حضور در این صحنه‌ی انتخابات و دفاع از نظام اسلامی. این اساس قضیه است.»

■ موضع‌گیری صریح نامزدها در برابر اغتشاشات: «صریح موضع بگیرند، روشن کنند که این خواست آنها نیست.»

■ چرا صفوف‌تان را از ضدانقلاب جدا نمی‌سازید؟: «خب، اینها ایجاد فتنه می‌کند. یعنی فضا را فضای غبارآلود می‌کند. شعار طرفداری از قانون می‌دهند، عمل صریحا بر خلاف قانون انجام می‌دهند. شعار طرفداری از امام می‌دهند، بعد کاری می‌کنند که در عرصه‌ی طرفداران آن‌ها، یک چنین گناه بزرگی انجام بگیرد، به امام اهانت بشود، به عکس امام اهانت بشود. این، کار کمی نیست، کار کوچکی نیست. دشمنان از این کار خیلی خوشحال شدند. فقط خوشحالی نیست، تحلیل هم می‌کنند. بر اساس آن تحلیل، تصمیم می‌گیرند. بر اساس آن تصمیم، عمل می‌کنند. تشویق می‌شوند علیه مصالح ملی، علیه ملت ایران. اینجا آن چیزی که مشکل را ایجاد می‌کند، همان فریب، همان غبارآلودگی فضا و همان چیزی است که در بیان امیرالمؤمنین (علیه‌الصلاة والسلام) هست: «وَلَكِنْ يُؤْخَذُ مِنْ هَذَا ضِعْفٌ وَ مِنْ هَذَا ضِعْفٌ فَيَمْرَجَانِ فَهَذَاكَ يَسْتَوِلِي الشَّيْطَانُ عَلَى أَوْلِيَائِهِ»، و همواره پاره‌ای از حق و پاره‌ای از باطل را در هم می‌آمیزند و در چنین حالی شیطان بر یاران خود مسلط می‌شود. (نهج‌البلاغه، خطبه‌ی ۵۰)

یک کلمه‌ی حق را با یک کلمه‌ی باطل مخلوط می‌کنند، حق بر اولیاء حق مشتبّه می‌شود. اینجاست که روشنگری، شاخص معین کردن، تمایز معین کردن، معنا پیدا می‌کند.

آن کسی که برای انقلاب، برای امام، برای اسلام کار می‌کند، به مجردی که

ببیند حرف او، حرکت او موجب شده است که یک جهت‌گیری‌ای علیه این اصول به‌وجود بیاید فوراً متنبه می‌شود. چرا متنبه نمی‌شوند؟ وقتی شُنفُتند که از اصلی‌ترین شعار جمهوری اسلامی - استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی - اسلامش حذف می‌شود، باید به خود بیایند. باید بفهمند که دارند راه را غلط می‌روند، اشتباه می‌کنند. باید تبری کنند. وقتی می‌بینند در روز قدس که برای دفاع از فلسطین و علیه رژیم غاصب صهیونیست است، به‌نفع رژیم غاصب صهیونیست و علیه فلسطین شعار داده می‌شود باید متنبه بشوند، باید خودشان را بکشند کنار، بگویند نه نه، ما با این جریان نیستیم. وقتی می‌بینند سران ظلم و استکبار عالم از اینها حمایت می‌کنند، رؤسای آمریکا و فرانسه و انگلیس و اینهایی که مظهر ظلمند - هم در زمان کنونی، هم در دوره‌ی تاریخی صد سال و دویست ساله‌ی تا حالا - دارند از اینها حمایت می‌کنند، باید بفهمند یک جای کارشان عیب دارد. باید متنبه بشوند. وقتی می‌بینند همه‌ی آدم‌های فاسد، سلطنت‌طلب، از اینها حمایت می‌کند، توده‌ای از اینها حمایت می‌کند، رقاص و مطرب فراری از کشور از اینها حمایت می‌کند، باید متنبه بشوند، باید چشم‌شان باز بشود، باید بفهمند. بفهمند که کارشان یک عیبی دارد. بلافاصله برگردند بگویند نه، ما نمی‌خواهیم حمایت شما را. چرا رودربایستی می‌کنند؟ آیا می‌شود با بهانه‌ی عقلانیت، این حقایق روشن را ندیده گرفت، که ما عقلانیت به خرج می‌دهیم؟ این عقلانیت است که دشمنان این ملت و دشمنان این کشور و دشمنان اسلام و دشمنان انقلاب، شما را از خود بدانند و برای شما کف و سوت بزنند، شما هم همین‌طور خوش‌تان بیاید، دل خوش کنید. این عقلانیت است؟! این نقطه‌ی مقابل عقل است. عقل این است که به مجردی که دیدید برخلاف آن مبانی‌ای که شما ادعایش را می‌کنید، چیزی ظاهر شد، فوراً خودتان را بکشید کنار، بگویند نه نه نه، ما نیستیم. به مجردی که دیدید به عکس امام اهانت شد، به‌جای این که اصل قضیه را انکار کنید، کار را محکوم کنید. بالاتر از محکوم کردن کار، حقیقت کار را بفهمید، عمق کار را بفهمید. بفهمید که دشمن چه جوری دارد برنامه‌ریزی می‌کند، چه می‌خواهد، دنبال چیست. این را باید این آقایان بفهمند. من تعجب می‌کنم! کسانی که اسم و رسم خودشان را از انقلاب دارند - بعضی از این آقایان یک سلیلی برای انقلاب نخوردند در دوران اختناق و طاغوت - و به برکت انقلاب اسم و رسمی پیدا کردند و همه چیزشان از انقلاب است می‌بینید که دشمنان انقلاب چطور بُراق شدند، آماده شدند، صف کشیدند، خوشحالند، می‌خندند. اینها را که می‌بینید؟ به خود بیایید، متوجه بشوید.»

■ با مسجد ضرار نمی‌توان ملت را شکست داد: «دشمنان ما هم از این انتخابات به نظر من یک تجربه‌ای اندوخته‌اند، و اگر نیندوختند، باید ببیند و آن این است که: دشمن بداند با چه حقیقتی روبه‌رو است. در فهم نظام اسلامی و انقلاب اسلامی دچار اشتباه نشوند. خیال نکنند انقلاب اسلامی و نظام اسلامی را با این جور کارهای پیش پا افتاده می‌توان به زانو درآورد. نظام اسلامی زنده است. خیال نکنند با یک تقلید مغلوط از حضور عظیم مردمی در انقلاب سال ۱۳۵۷، یک کاریکاتور از آن انقلاب، می‌توانند به عظمت انقلاب و نظام اسلامی ضربه بزنند. این تجربه برای دشمن باید پیش آمده باشد. اشتباه نکنند؛ نظام اسلامی با این حرف‌ها شکست نخواهد خورد.

عظمت این انقلاب و عظمت این نظام و ریشه‌داری نظام جمهوری اسلامی در حوادث این یکی دو ماه اخیر، بیشتر برای دشمنان جمهوری اسلامی آشکار شد. این ملت، ملت با ایمانی است، ملت هوشیاری است، ملت با استعدادی است. با مسجد ضرار نمی‌شود این ملت را شکست داد. ما در تاریخ خودمان نمونه‌هایی را از این داریم: «وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضَرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِزْوَاجًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَلَيَحْلِفْنَ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَىٰ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ». (توبه: ۱۰۷) با تقلید از رهبر عزیز و عظیم‌الشأن انقلاب، امام بزرگوار ما، که از دل، از جان، با همه‌ی وجود غرق در قرآن بود، نمی‌شود این مردم را فریب داد. این مردم دلشان به ایمان روشن است. این مردم آگاهند. جوان‌های ما آگاهند. این تجربه‌ای است برای دشمن.»

■ هوای نفس عامل ایستادگی در برابر قانون: «انتخاباتی بود، عمومی هم بود، درست هم بود، اشکالی هم نتوانستند بر انتخابات بگیرند و ثابت کنند. حالا هی ادعا کردند. فرصت هم داده شد، گفتیم بیاید، نشان بدهید، ثابت کنید. نتوانستند، نیامدند، تمام شد. پابندی به قانون اقتضاء می‌کند که انسان ولو این رئیس‌جمهوری را که انتخاب شده است قبول هم نداشته باشد، وقتی برای قانون احترام قائل بود، بایستی در مقابل قانون، خضوع کند. خب، معلوم است هیچ‌کسی نمی‌تواند بگوید این کسی که انتخاب‌شده، صد درصد حُسن محض است، آن طرفی که انتخاب نشده است، صد درصد قبیح محض است؛ نه، همه حُسنی دارند، قبیحی دارند؛ این طرف هم حُسنی دارد، قبیحی دارد. آن طرف هم حُسنی دارد، قبیحی دارد. قانون، ملاک است، معیار است. چرا این جوری می‌شود؟ چرا؟ این هوای نفس است.»

■ توصیه به نهادهای قانونی

اما رهبر معظم انقلاب با این بیان قاطع در خطبه‌های تاریخی نماز جمعه تهران در ۲۹ خردادماه ۸۸ که «بنده زیر بار بدعت‌های غیرقانونی نخواهم رفت.» بزرگ‌ترین همت و تلاش را در راه حفظ قانون اساسی انجام دادند و نشان دادند که رهبر جامعه اسلامی بیشتر از هر کس دیگری برای حفظ قانون و چارچوب‌های نظام اسلامی دل‌سوزی می‌کنند و مدعیان قانون -که البته به روشنی قانون را زیر پا گذاشتند- می‌بایست از ایشان الگو بگیرند. معظم‌له با تأکید بر اجرای قانون در همه‌ی حوزه‌ها و برای همه‌ی افراد، مسائل اساسی را که حفظ عظمت انتخابات و دفاع از وجهه نظام اسلامی است، مهم‌تر از مسائل دیگری همانند حمله به کوی دانشگاه و ماجرای کهریزک دانستند. اما مخالفان با علم کردن این مسائل جزئی وجهه‌ی نظام اسلامی و چارچوب‌های قانونی را زیر پا گذاشته و اگر نبود ویژگی شجاعت رهبر جامعه اسلامی چه بسا این بلواها به مسأله‌ای عادی در سال‌های بعد تبدیل می‌شد. از همین جا است که باید گفت این‌گونه افراد از شکل مخالف خارج شده و در هیأت معارض با نظام اسلامی قد علم نموده‌اند. از همین رو مقام معظم رهبری در مورد این افراد طی بیاناتی در اجلاس خبرگان در ۶ اسفندماه ۸۸ فرمودند: «مسئله‌ی اساسی، حفظ هویت نظام و مرزها و شاخص‌های آن است و کسانی که هندسه و هویت نظام را که در قانون اساسی و حکمیت و داوری قانون متبلور شده است قبول دارند جزو مجموعه‌ی نظام به‌شمار می‌آیند اما افرادی که با حرف و عمل و تحریک، این مبانی را زیر پا می‌گذارند به دست خودشان صلاحیت حضور در مجموعه عظیم نظام را از دست می‌دهند.»

محورهای بیانات رهبری در دفاع از قانون به این شکل است:

■ به شکایات به‌طور کامل رسیدگی شود: «ممکن است کسانی همان‌طور که حالا آقایان هم ذکر کردید، اشکالات و اعتراضاتی را بر مجاری گوناگون امور در انتخابات ثبت کرده باشند و اعتراض داشته باشند، که البته، راه‌های قانونی وجود دارد. رسیدگی به اینها حتماً باید انجام بگیرد. مواردی را آقایان ذکر کردید. من درخواست می‌کنم از آقایان مسئول در وزارت کشور و همچنین در شورای نگهبان که به این موارد دقیقاً رسیدگی کنند. اگر چنانچه بعضی از اشکالات مقتضی این هست که پاره‌ای از صندوق‌ها بازشماری بشود، اشکالی ندارد. حالا مثلاً یک مورد را آقایان ذکر کردند که آن شخص گفته که رأی فلان نامزد این تعداد است، بعد در شمارش تعداد دیگری معرفی شده. خیلی خوب،

کاری ندارد، صندوق‌های مورد اشکال را، یا به طور تصادفی تعدادی از صندوق‌ها را بازشماری کنند. خود نمایندگان ستادها هم حضور داشته باشند و ببینند، تا اطمینان کامل برای همه حاصل بشود.»

■ رسیدگی قاطع به تخلفات بعد از انتخابات: «موضوع دیگری که در بیانات دوستان مطرح شد، تخلفات یا حتی جنایاتی است که در خلال این حوادث از سوی نیروهای ناشناس انجام گرفته. شما اشاره کردید به مسائل کوی دانشگاه یا از این قبیل مسائل حالا کوی دانشگاه را چند نفر از دانشجویان عزیز تکرار کردند، شبیه کوی دانشگاه، مسائل دیگری هم در این مدت اتفاق افتاده، یا مثلاً قضیه‌ی کهریزک را گفتند. این قضایا واقعاً یکی از آن مشکلات و معضلات کار دستگاه‌های اجرایی است. اولاً این را به طور قاطع بدانید که با اینها برخورد خواهد شد. حالا نمی‌خواهیم جنجال بکنیم که دستور بدهیم، این دستور توی رسانه‌ها پخش بشود، باز یک پیوست زده بشود، باز یک پیرو زده بشود. من دوست ندارم کار تبلیغاتی انجام بگیرد. اما از اولین روزها دستور داده شده و کسانی دنبال هستند. منتها کارها باید درست با دقت و با مراقبت پیش برود.

در کوی دانشگاه، در آن شب معین، قطعاً تخلفات بزرگی انجام گرفته، کارهای بدی انجام گرفته. ما گفته‌ایم پرونده‌ی ویژه‌ای برای این کار تهیه شود و به طور دقیق دنبال بگردند و مجرمان را پیدا کنند و وقتی پیدا کردند، به وابستگی‌های سازمانی آنها هم هیچ نگاه نکنند و باید مجازات شوند. این را من به طور قاطع گفتم. من از فعالیت‌های پلیس امنیتی‌مان، پلیس انتظامی‌مان، دستگاه بسیج‌مان تشکر می‌کنم. اینها خیلی کارهای بزرگی کردند، کارهای خوبی کردند. لیکن این یک بحث جداست. اگر کسی در وابستگی به هر کدام از این سازمان‌ها یک تخلفی انجام داده، یک جرمی انجام داده، او هم باید جداگانه بررسی شود. نه خدمت اینها را به حساب جرم آنها ندیده می‌گیریم، نه جرم آنها را به حساب خدمت اینها ندیده می‌گیریم. حتماً باید دنبال بشود و دنبال خواهد شد. همین‌طور قضیه‌ی کهریزک، که حالا آن اعلام شد، پخش شد. قضیه‌ی کوی دانشگاه هم دنبال می‌شود. حتی افرادی که کسان‌شان در این قضایا یا به قتل رسیدند، تعداد معدودی هستند، یا آسیب دیدند، آسیب مالی دیدند، بنا شده برای هر کدام اینها پرونده‌ی جداگانه‌ای تشکیل بدهند. دستور داده‌ایم، گفته‌ایم و این قضایا را دنبال خواهیم کرد. منتها توجه کنید که این مسائل هیچ‌کدام نباید با مسئله‌ی اصلی بعد از انتخابات خلط شود. حادثه‌ی اصلی نباید تحت‌الشعاع این حوادث قرار بگیرد.»

■ پاسخ به شبهات

جنبه‌ی دیگر از مدیریت اسلامی معظم‌له در رفع شبهات است. چرا که اساس فتنه بر شبهه‌افکنی و غبارآلوده کردن فضا است و در این شرایط رشد می‌کند. بنابراین باید هرچه زودتر شبهات را پاسخ داد. محورهای مهم بیانات رهبری در این موضوع به صورت ذیل است:

■ نظام حق دفاع از خود را دارد: «ما درباره‌ی افرادی که به آنها اهانت می‌شود، تهمت زده می‌شود، می‌گوییم اینها حق دفاع دارند. خوب، نظام هم همین جور است. نظام هم حق دفاع از خودش را دارد. این خطاست که کسی خیال کند چون نظام حاکمیت است و قدرت سیاسی است، نباید دفاع کند، بی‌دفاع بماند. در مقابلش هرگونه مخالفتی، معارضه‌ای، قانون‌شکنی‌ای، مرزشکنی‌ای انجام بگیرد، باید عکس‌العمل نشان ندهد. این درست نیست. هیچ جای دنیا هم چنین نیست.»

■ اعتماد به مسئولین، نافی رسیدگی به شکایات و شبهات نیست: «من به مقام مسئولی که می‌شناسم و قاعده‌ی کار او را می‌دانم، اعتماد می‌کنم. در این نوبت هم همین جور است. من اعتماد می‌کنم، اما این اعتماد من موجب نمی‌شود که اگر چنان‌چه شبهه‌ای در ذهن کسانی هست، این شبهه دنبال نشود و تعقیب نشود و بررسی نشود و حقیقت قضیه آشکار نشود. نه، شبهات را برطرف کنید.»

۷۰

- جمهوری اسلامی اهل خیانت در آراء مردم نیست: «مردم اطمینان دارند. اما برخی از طرفداران نامزدها هم اطمینان داشته باشند که جمهوری اسلامی اهل خیانت در آراء مردم نیست. ساز و کارهای قانونی انتخابات در کشور ما اجازه‌ی تقلب نمی‌دهد. این را هر کسی که دست‌اندرکار مسائل انتخابات هست و از مسائل انتخابات آگاه است، تصدیق می‌کند. آن‌هم در حد یازده میلیون تفاوت! یک وقت اختلاف بین دو رأی، صد هزار است، پانصد هزار است، یک میلیون است، حالا ممکن است آدم بگوید یک‌جوری تقلب کردند، جا به کردند. اما یازده میلیون را چه جور می‌شود تقلب کرد!»

■ چرا به مجرمین پشت پرده فتنه رسیدگی نمی‌شود: «این‌که چرا اینها محاکمه نمی‌شوند، چرا مجازات نمی‌شوند، چرا با اینها برخورد نمی‌شود، من به شما عرض بکنم. در قضایایی به این اهمیت، با حدس و گمان و شایعه و

وهمچنین سراز انقلاب

این چیزها نمی‌شود حرکت کرد. ما این انقلاب و این نظام عظیم را محصول مجاهدت یک ملت بزرگ و فداکاری‌های عظیم جوانانی می‌دانیم که چه در دوره‌ی انقلاب، چه در دوره‌ی دفاع مقدس، چه بعد از آن تا امروز فداکاری کردند. مثل خود شماها، که در صحنه‌های مختلف حضور دارید و گاهی کارهای بزرگی انجام می‌گیرد. نمی‌توانیم تداوم این نظام را و حرکت کلی این نظام را در سطحی که تصمیم‌گیری کلان رهبری در او لازم است، به حدس و گمان و این چیزها مبتنی کنیم. این را شما بدانید، هیچ‌گونه اغماضی از جرم و جنایت وجود نخواهد داشت. منتها ما، یا من یا شما، فرق نمی‌کند، چه شما که دانشجو هستید و زبان‌تان باز است و راحت حرف می‌زنید، چه من که یک مجموعه‌ای از تجربه و سال‌های متمادی کارکرد در میدان را با خودم همراه دارم، در این جهت با هم فرقی نداریم. نمی‌توانیم حکم کنیم که باید دستگاه قضا این جور قضاوت کند. نه، دستگاه قضا باید نگاه کند اگر دلایلی برای مجرمیت کسی، چه در زمینه‌ی سیاسی، چه در زمینه‌ی اقتصادی، چه در زمینه‌ی مفاسد گوناگون پیدا کرد، بر طبق او حکم کند. این شایعاتی که شما شنیده‌اید، بنده هم خیلی از این شایعات را می‌شنوم. ممکن است بسیاری از این شایعات مطابق واقع هم باشد و انسان شواهد و قرائنی هم برایش داشته باشد، اما قرینه و شاهد متفرق نمی‌تواند جرمی را علیه کسی اثبات کند. به این نکته توجه داشته باشید. لذا این جور نیست که فرض کنیم یک مجرم قطعی پشت پرده‌ای وجود دارد که دستگاه بنا دارد از جرم او به یک دلیلی بگذرد. این یک نکته.

نکته‌ی دیگری در کنار این هست: کارهایی که نظام در سطح کلان با جنبه‌ی شمولی که بعضی از مسائل دارد، انجام می‌دهد، بایستی با ملاحظه‌ی همه‌ی جوانب باشد. یک بعدی نمی‌شود به مسائل نگاه کرد. فکر می‌کنم اگر شما با این ملاحظات نگاه کنید، آنچه که تاکنون انجام گرفته و آنچه در آینده انجام خواهد گرفت، هر ذهن با انصافی را قانع خواهد کرد.»

■ چرا رهبری علنی موضع‌گیری نمی‌کند: «حالا یکی از سؤال‌ها این بود که چرا علنی موضع نمی‌گیرید؟ چون لازم نیست علنی موضع گرفتن. چه لزومی دارد؟ علنی موضع گرفتن نسبت به یک نقطه‌ی ضعف در یک مسئول، شما خیال می‌کنید که چقدر کمک می‌کند به حل آن مشکل؟ هیچی. گاهی اوقات هست که انسان اگر یک چیزی را بدون علنی کردن دنبال علاجش باشد بهتر علاج خواهد شد تا این که یک چیزی را انسان جنجالی کند. بله، یک وقت هست که

هیچ چاره‌ای جز علنی شدن نیست. آنجا بله، انسان علنی می‌کند. لیکن این جور نیست که تصور بشود اگر چنانچه یک ایرادی، اشکالی در مجموعه‌ی مسئولین اجرایی کشور وجود دارد و رهبری با آنها مخالف است حتماً بایستی این را در بلندگوها بیان کند. نه، گاهی اوقات مصلحت قطعی در این است که انسان یک چیزی را علنی نکند.»

■ چرا رهبری ملاحظه فتنه‌گران را می‌کند: «گاهی هم از بنده گله می‌کنند که چرا فلانی صبر می‌کند؟ چرا فلانی ملاحظه می‌کند؟ من عرض می‌کنم، در شرایطی که دشمن با همه‌ی وجود، با همه‌ی امکانات خود درصدد طراحی یک فتنه است و می‌خواهد یک بازی خطرناکی را شروع کند، باید مراقبت کرد او را در آن بازی کمک نکرد. خیلی باید با احتیاط و تدبیر و در وقت خودش با قاطعیت وارد شد. دستگاه‌های مسئولی وجود دارند، قانون وجود دارد. بر طبق قانون، بدون هیچ‌گونه تخطی از قانون، بایستی مَر قانون به صورت قاطع انجام بگیرد. اما ورود افرادی که شَأَن قانونی و سمت قانونی و وظیفه‌ی قانونی و مسئولیت قانونی ندارند، قضایا را خراب می‌کند. خدای متعال به ما دستور داده است: «وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلٰٓی اَلَّا تَعْدِلُوْا اَعْدِلُوْا هُوَ اَقْرَبُ لِلتَّقْوٰی» (مائده: ۸). بله، یک عده‌ای دشمنی می‌کنند، یک عده‌ای خباثت به خرج می‌دهند، یک عده‌ای از خباثت‌کنندگان پشتیبانی می‌کنند. اینها هست، اما باید مراقب بود. اگر بدون دقت، بدون حزم، انسان وارد برخی از قضایا بشود، بی‌گناهای که از آنها بیزار هم هستند، لگدمال می‌شوند. این نباید اتفاق بیفتد. من بر حذر می‌دارم جوان‌های عزیز را، فرزندان عزیز انقلابی خودم را از این که یک حرکتی را خودسرانه انجام بدهند. نه، همه چیز بر روال قانون.»

■ راهکارهای عبور از فتنه

معظم‌له علاوه بر دفاع از قانون، الزامات برون‌رفت از فتنه را برای افزایش بصیرت افکار عمومی و نخبگان نیز به این شرح بیان کردند:

■ جلوگیری از بدعت‌های غیرقانونی: «بنده زیر بار بدعت‌های غیرقانونی نخواهم رفت. امروز اگر چهارچوب‌های قانونی شکسته شد، در آینده هیچ انتخاباتی دیگر مصونیت نخواهد داشت. بالاخره در هر انتخاباتی بعضی برنده‌اند، بعضی برنده نیستند. هیچ انتخاباتی دیگر مورد اعتماد قرار نخواهد گرفت و مصونیت پیدا نخواهد کرد. بنابراین همه چیز دنبال بشود، انجام بگیرد، کارهای درست بر طبق قانون. اگر واقعا شبهه‌ای هست از راه‌های قانونی پیگیری بشود. قانون

در این زمینه کامل است و هیچ اشکالی در قانون نیست. همان طور که حق دادند که نامزدها نظارت کنند، حق دادند که شکایت کنند، حق دادند که بررسی بشود. بنده از شورای محترم نگهبان خواستم که اگر مواردی خواستند صندوق‌ها را بازشماری بکنند با حضور نمایندگان خود نامزدها این کار را بکنند. خودشان باشند آنجا بشمرند، ثبت کنند، امضاء کنند. بنابراین، هیچ مشکلی در این جهت وجود ندارد. این راجع به انتخابات و خطاب به شما مردم عزیز.»

■ عمل به قانون، تنها راه مناقشات: «در همین قضایای جاری هم بنده مُصر بودم و هستم و خواهم بود بر اجرای قانون. یعنی یک قدم از قانون فراتر نخواهیم رفت. قانون کشورمان، قانون جمهوری اسلامی. مطمئناً نه نظام، نه این مردم به هیچ قیمتی زیر بار زور نخواهند رفت. نقطه‌ی مقابل قانون‌گرایی و انقیاد در مقابل قانون، دیکتاتوری است. این هم دوستان حتماً می‌دانند و بدانند اگر نمی‌دانند که در زمینه‌ی روحی‌همه‌ی ما یک میل به دیکتاتوری وجود دارد. این را باید سرکوب کنید. همین‌طور که عرض کردیم، این فیل مستِ درون را با چکش قانون و دین و تعبد دائماً سر به راه نگه داریم. اگر خود ما علاج نکنیم، علاجش مشکل خواهد شد. اگر انقیاد به قانون نبود، روح دیکتاتوری یواش یواش بروز خواهد کرد. در جوامع، دیکتاتوری همین جور به‌وجود می‌آید.»

«در همین جا هم برای حل و فصل قضایا معیار قانونی وجود دارد. اگر قانون حاکم نشد آن چیزی که از بی‌قانونی بر سر همه خواهد آمد بسیار تلخ‌تر است از آنچه که اجرای قانون ممکن است در کام بعضی تلخی به وجود بیاورد.»

- اهمیت بصیرت‌افزایی: «در زندگی پیچیده‌ی اجتماعی امروز، بدون بصیرت نمی‌شود حرکت کرد. جوان‌ها باید فکر کنند، بیندیشند، بصیرت خودشان را افزایش بدهند. معلمان روحانی، متعهدان موجود در جامعه‌ی ما از اهل سواد و فرهنگ، از دانشگاهی و حوزوی، باید به مسئله‌ی بصیرت اهمیت بدهند. بصیرت در هدف، بصیرت در وسیله، بصیرت در شناخت دشمن، بصیرت در شناخت موانع راه، بصیرت در شناخت راه‌های جلوگیری از این موانع و برداشتن این موانع. این بصیرت‌ها لازم است. وقتی بصیرت بود، آن وقت شما می‌دانید با کی طرفید، ابزار لازم را با خودتان برمی‌دارید.»

«جوانان عزیز! هر چه می‌توانید در افزایش بصیرت خود، در عمق بخشیدن به

بصیرت خود، تلاش کنید و نگذارید، نگذارید دشمنان از بی بصیرتی ما استفاده کنند. دشمن به شکل دوست جلوه کند، حقیقت به شکل باطل و باطل در لباس حقیقت... آن کسانی که مردم را می‌خواهند گمراه بکنند، باطل را به صورت خالص نمی‌آورند. باطل و حق را آمیخته می‌کنند، ممزوج می‌کنند، آن وقت نتیجه این می‌شود که «فهنالک یستولی الشیطان علی اولیائه». حق، برای طرفداران حق هم مشتبه می‌شود. این است که بصیرت می‌شود اولین وظیفه‌ی ما. نگذاریم حق و باطل مشتبه بشود.»

■ ضرورت مرزبندی با دشمن در زمان فتنه: «حالا در مقابل یک چنین پدیده‌ای، علاج چیست؟ عقل سالم حکم می‌کند و شرع هم همین را قاطعاً بیان می‌کند: علاج عبارت است از صراحت در تبیین حق، صراحت در بیان حق. وقتی شما می‌بینید یک حرکتی به بهانه‌ی انتخابات شروع می‌شود، بعد یک عامل دشمنی در این فضای غبارآلوده وارد میدان شد، وقتی می‌بینید عامل دشمن، که حرف او، شعار او حاکی از مافی‌الضمیر اوست، آمد توی میدان، اینجا باید خط را مشخص کنید، اینجا باید مرز را روشن کنید. همه وظیفه دارند. بیشتر از همه خواص و در میان خواص بیشتر از همه، آن کسانی که مستمعین بیشتری دارند، شنوندگان بیشتری دارند. این وظیفه است دیگر. مرزها روشن بشود و معلوم بشود که کی، چی می‌گوید. این جور نباشد که باطل، خودش را در لابه‌لای گرد و غبار برخاسته‌ی در میدان مخفی کند، ضربه بزند و جبهه‌ی حق نداند از کجا دارد ضربه می‌خورد. این است که حرف دو پهلوان زدن از خواص، مطلوب نیست. خواص باید حرف را روشن بزنند و مطلب را واضح بیان کنند. این مخصوص یک گرایش سیاسی خاص هم نیست. در داخل نظام اسلامی، همه‌ی گرایش‌هایی که در مجموعه‌ی نظام قرار دارند، اینها باید صریح مشخص کنند که بالاخره آن حمایتی که مستکبرین عالم می‌کنند مورد قبول است یا مورد قبول نیست. وقتی که سران استکبار، سران ظلم، اشغالگران کشورهای اسلامی، کشندگان انسان‌های مظلوم در فلسطین و در عراق و افغانستان و خیلی جاهای دیگر، می‌آیند وارد میدان می‌شوند، حرف می‌زنند، موضع می‌گیرند، خوب باید معلوم بشود این کسی که در نظام جمهوری اسلامی است در مقابل این چه موضعی دارد. حاضر است تبری بجوید، بگوید من دشمن شمایم؟ من مخالف شمایم؟ وقتی در داخل محیط فتنه، کسانی با زبان‌شان صریحاً اسلام و شعارهای نظام جمهوری اسلامی را نفی می‌کنند، با عمل‌شان هم جمهوریت و یک انتخابات را زیر سؤال می‌برند، وقتی این پدیده در جامعه ظاهر شد، انتظار از خواص این

است که مرزبان را مشخص کنند، موضعشان را مشخص کنند. دوپهلو حرف زدن کمک کردن به غبارآلودگی فضا است. این کمک به رفع فتنه نیست، این کمک به شفاف‌سازی نیست. شفاف‌سازی، دشمن دشمن است. مانع دشمن است. غبارآلودگی کمک دشمن است. این خودش شد یک شاخص. این یک شاخص است: کی به شفاف‌سازی کمک می‌کند و کی به غبارآلودگی کمک می‌کند. همه این را در نظر بگیرند، این را معیار قرار بدهند.»

■ در فتنه همه بایستی روشنگری کنند: «گاهی سکوت کردن، کنار کشیدن، حرف نزدن، خودش کمک به فتنه است. در فتنه همه بایستی روشنگری کنند. همه بایستی بصیرت داشته باشند. یکی از کارهای مهم نخبگان و خواص، تبیین است. حقائق را بدون تعصب روشن کنند.»

■ توصیه به نخبگان

در اندیشه مقام معظم رهبری خواص و نخبگان نقش تعیین کنندگی دارند و سرنوشت تاریخ را رقم می‌زنند. علت اصلی انحراف جامعه اسلامی مدت کوتاهی بعد از رحلت پیامبر اکرم (ص) از دیدگاه مقام معظم رهبری، دنیاگرایی خواص بود. ایشان این تحلیل را در سال ۷۴ و به مناسبت‌های مختلف بیان کردند تا نخبگان و خواص جامعه نسبت به وظیفه‌ی خود هوشیار باشند. در این فتنه‌ی اخیر هم، معظم‌له نخبگان را در کانون توصیه‌ها و هشدارهای مهم خود قرار دادند تا از کانال آنها قضایا حل شود:

■ خواص نقطه هدف تهاجم دشمنان: «دشمن انواع و اقسام کار را می‌کند، انواع و اقسام فعالیت را می‌کند، عمده، هم امروز به گمان من، هدف و آماج توطئه‌های دشمن، خواص است. آماج دشمن خواص است. می‌نشینند طراحی می‌کنند تا ذهن خواص را عوض کنند. برای این که بتوانند مردم را بکشانند. چون خواص تأثیر می‌گذارند و در عموم مردم نفوذ کلمه دارند.»

■ نخبگان مراقب رفتارهایشان باشند: «نخبگان بدانند هر حرفی، هر اقدامی، هر تحلیلی که به آنها کمک بکند، این حرکت در مسیر خلاف ملت است. همه‌ی ما خیلی باید مراقب باشیم. خیلی باید مراقب باشیم. مراقب حرف زدن، مراقب موضع‌گیری کردن، مراقب گفتن‌ها، مراقب نگفتن‌ها. یک چیزهایی را باید گفت، اگر نگفتیم به آن وظیفه عمل نکرده‌ایم. یک چیزهایی را باید بر زبان نیاورد،

باید نگفت، اگر گفتیم، برخلاف وظیفه عمل کرده‌ایم. نخبگان سر جلسه‌ی امتحانند، امتحان عظیمی است. در این امتحان، مردود شدن، رفوزه شدن، فقط این نیست که ما یک سال عقب بیفتیم، سقوط است. اگر بخواهیم به این معنا دچار نشویم راهش این است که خرد را، که انسان را به عبودیت دعوت می‌کند، معیار و ملاک قرار بدهیم. شاخص قرار بدهیم.»

■ اهمیت بصیرت نخبگان در حوادث اخیر: «باید بصیرت داشت. آنچه که انسان از نخبگان جامعه و جریانات سیاسی و گروه‌های سیاسی انتظار دارد، این است که با این حوادث، با این خطوط دشمن، با بصیرت مواجه بشوند، با بصیرت. اگر بصیرت وجود داشت و عزم مقابله وجود داشت خیلی از رفتارهای ما ممکن است تغییر پیدا بکند. آن وقت وضعیت بهتر خواهد بود. بعضی از کارها از روی بی‌بصیرتی است.»

■ وظیفه خطیر تبیین و روشننگری خواص: «یکی از کارهای مهم نخبگان و خواص، تبیین است. حقائق را بدون تعصب روشن کنند. نقش نخبگان و خواص هم این است که این بصیرت را نه فقط در خودشان، در دیگران به وجود بیاورند»

■ تجربیات انتخابات

از دیدگاه مقام معظم رهبری «تجربه‌هایی هم این انتخابات داشت. یک تجربه برای ملت ما و مسئولان ما بود که من اصرار دارم بر این که این تجربه را همه‌مان جدی بگیریم، هم مسئولان جدی بگیرند، هم آحاد مردم جدی بگیرند.» کسب تجربه از تاریخ و عبرت گرفتن از آن یکی دیگر از محورهای مدیریتی مقام معظم رهبری بوده و هست:

■ دشمن همواره در کمین: «آن تجربه این است که باور کنیم که همیشه امکان ضربه زدن از سوی دشمنان انقلاب و دشمنان ایران اسلامی هست، حتی در بهترین شرایط. همیشه کمین دشمن را در نظر داشته باشیم.»

■ عدم غفلت از دشمن: «اگر تو خوابت برد، باید بدانی که دشمن ممکن است بیدار باشد.»

■ اهمیت بصیرت: «اگر بصیرت نداشته باشیم، اگر فراموش کنیم که دشمنانی در کمین انقلابند، ضربه خواهیم خورد. این برای ما تجربه شد.»

■ انقلاب اسلامی را نمی‌توان از بین برد: «برادران عزیز! خواهران عزیز! شما بدانید و می‌دانید که انقلاب اسلامی یک حقیقت است، برخاسته‌ی از یک سنت الهی است. این را نمی‌شود از بین برد، این را نمی‌شود متزلزل کرد. تا وقتی که آحاد مردم ایمان دارند، علاقه دارند، عشق دارند، اقدام می‌کنند، بدانند اگر همه‌ی قدرت‌های عالم هم دست به دست بدهند، نخواهند توانست به این انقلاب و به این نظام و به این ملت صدمه‌ای وارد کنند.»

■ آبدیده شدن انقلاب اسلامی: «حوادث بعد از انتخابات را که عده‌ای از روی نادانی و محاسبه‌ی غلط ایجاد کردند، دشمن بهانه کرد، شاید بتواند جمهوری اسلامی را تضعیف کند. اما به عکس شد، همین حوادث موجب قدرت جمهوری اسلامی شد. اگر تا قبل از این حوادث کسی می‌خواست با استدلال به مردم اثبات کند که دشمن در کمین است بعد از این حوادث مردم به چشم خودشان دیدند که دشمن در کمین است. و ملت ایران این جوری است، وقتی که دید دشمن در کمین است، معطل نمی‌کند. می‌آید توی میدان.»

■ دستاورد موفقیت‌آمیز مدیریت مقام معظم رهبری: حماسه حضور ملت در عرصه‌ی دفاع از انقلاب اسلامی

اما با هدایت‌ها و تلاش‌های ویژه‌ی مقام معظم رهبری و اطاعت نیروهای ولایی در این عرصه از ایشان، فتنه‌هایی که در ابتدا کام شیرین ملت از انتخابات را تلخ نمود، در پایان بار دیگر شیرینی مضاعفی برای ملت و دل‌سوزان نظام اسلامی به ارمغان آورد که پشتوانه‌ی مردمی نظام اسلامی را مستحکم‌تر نمود. دشمن به همراه فتنه‌گران داخلی امیدوار بود با این بلواها وجهه و جایگاه مردمی نظام اسلامی را تضعیف کند تا ضربات بعدی را وارد کند، اما با هدایت‌ها، رهنمودها، تلاش‌های عملی مدیریتی مقام عظمای ولایت، که تداعی‌کننده و ویژگی‌های ناب مدیریت اسلامی است، این فتنه‌ها به حمایت گسترده‌تر و البته هوشیارانه‌تر مردم از نظام اسلامی انجامید. دشمن و فتنه‌گران داخلی با مشاهده این حضور مردمی در روز ۹ دی و ۲۲ بهمن پی به پوچی طرح‌ها و اقدامات خود برده و خود را ناکام دیدند. این که راهکارهای مضحکی همچون استفاده از چهارشنبه سوری را تجویز می‌کنند، نمایان‌کننده ماهیت آنارشیستی، بی‌برنامگی و سردرگمی آنها است.

اهمیت این حماسه مردمی در بیانات مقام معظم رهبری به این شکل آمده است:

■ حماسه‌ی بزرگ ملت ایران در نهم دی: «مطمئن باشید که روز نهم دی امسال هم در تاریخ ماند. این هم یک روز متمایزی شد. شاید به یک معنا بشود گفت که در شرایط کنونی، که شرایط غبار آلودگی فضا است، این حرکت مردم اهمیت مضاعفی داشت. کار بزرگی بود. هرچه انسان در اطراف این قضایا فکر می‌کند دست خدای متعال را، دست قدرت را، روح ولایت را، روح حسین بن علی (علیه السلام) را می‌بیند. این کارها کارهایی نیست که با اراده‌ی امثال ما انجام بگیرد. این کار خداست، این دست قدرت الهی است. همان طور که امام در یک موقعیت حساسی، که من بارها این را نقل کرده‌ام، به بنده فرمودند: «من در تمام این مدت، دست قدرت الهی را در پشت این قضایا دیدم.» درست دید آن مرد نافذ با بصیرت، آن مرد خدا.»

■ نهم دی ماه حجت را بر مسئولین تمام کرد: «مسئولین کشور بحمدالله چشم‌شان هم باز است، می‌بینند، می‌بینند مردم در چه جهتی دارند حرکت می‌کنند. حجت بر همه تمام شده است. حرکت عظیم روز چهارشنبه‌ی نهم دی ماه حجت را بر همه تمام کرد. مسئولین قوه‌ی مجریه، مسئولین قوه‌ی مقننه، مسئولین قوه‌ی قضائیه، دستگاه‌های گوناگون، همه می‌دانند که مردم در صحنه‌اند و چه می‌خواهند. دستگاه‌ها باید وظایف‌شان را انجام بدهند. هم وظایف‌شان در مقابل آدم مفسد و اغتشاش‌گر و ضدانقلاب و ضد امنیت و اینها، هم وظایف‌شان در زمینه‌ی اداره‌ی کشور.»

■ راهپیمایی ۲۲ بهمن نشان داد که مردم کجایند: «یک عده هم در داخل، بعضی از روی غفلت، بعضی از روی بی‌عقلی، بعضی از روی عناد و دشمنی، هی علیه نظام جمهوری اسلامی، علیه این حرکت کلی نظام حرف زدند. هی گفتند: مردم، مردم، مردم! خوب، این مردم، بیست و دوی بهمن نشان داد که مردم کجایند، چه می‌خواهند، چه می‌گویند. غره شدند به توهم‌هایی که به آنها تلقاء شد. خیال کردند یا خودشان را به نادانی زدند که مردم از انقلاب دست شستند، مردم از امام دست شستند. روز بیست و دوی بهمن، آگاهی و بصیرت مردم، همت مردم، ایمان مردم و توفیق الهی که شامل حال مردم شد، پاسخ کوبنده‌ای به آنها داد.»

امید است دسیسه‌های دشمنان نظام با تجربه‌ی فتنه‌ی ۸۸ که با بصیرت مثال‌زدنی ملت ایران نقش بر آب شد و با هوشمندی دستگاه‌های امنیتی، رسانه‌ها و دستگاه‌های برگزارکننده و ناظران انتخابات دیگر مجالی برای ظهور و بروز در انتخابات یازدهم ریاست جمهوری پیدا نکند.

مقاله‌ی ششم نگاهی آماری

به ۱۰ دوره‌ی انتخابات ریاست جمهوری در ایران

۸۰

انتخابات در نظام جمهوری اسلامی یکی از مؤلفه‌های اصلی مشارکت همگانی توأم با احساس مسئولیت مردم در اداره کشور است. افتخار نظام جمهوری اسلامی در طول سالیان گذشته، تلفیقی از دینداری و مردم‌سالاری به روش جمهوری اسلامی است. مردم ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، به‌طور متوسط هر سال یک‌بار در انتخابات شرکت می‌کنند. مطلب زیر نگاهی کوتاه و آماری به ۱۰ دوره‌ی گذشته‌ی انتخابات ریاست جمهوری دارد و سپس رویکردی تحلیلی به انتخابات‌های برگزار شده‌ی ریاست جمهوری خواهیم داشت.

اولین دوره‌ی انتخابات ریاست جمهوری، ۱۳۵۸

در اولین دوره‌ی انتخابات ریاست جمهوری در کشور که در تاریخ ۵/۱۱/۱۳۵۸ برگزار شد تعداد ۱۰۷ نامزد به رقابت پرداختند.

نخانی و سراز انقلاب
و هم‌چنین مردم

بر اساس آمار، بیش از ۲۰ میلیون نفر واجد شرایط رأی دادن بودند که حدود ۶۸ درصد (۱۴ میلیون و ۱۵۲ هزار و نفر) آنها شرکت کردند. در اولین دوره‌ی ۸۷۷ انتخابات ریاست جمهوری، ابوالحسن بنی‌صدر به عنوان اولین رئیس‌جمهور ایران انتخاب شد. یک سال و شش ماه پس از عزل بنی‌صدر، دومین انتخابات ریاست جمهوری برگزار شد.

دومین دوره‌ی انتخابات ریاست جمهوری، ۱۳۶۰

انتخابات دومین دوره‌ی ریاست جمهوری در تاریخ ۲/۵/۱۳۶۰ یعنی پس از گذشت یک سال از آغاز جنگ تحمیلی برگزار شد.

بر اساس قانون مورخ ۱۳/۴/۱۳۶۰ مصوب مجلس شورای اسلامی، تأیید صلاحیت داوطلبان ریاست جمهوری به عهده‌ی شورای نگهبان گذاشته شد. این دوره ۷۱ نفر داوطلب شدند که صلاحیت ۴ نفر از سوی شورای نگهبان تأیید شد.

در این انتخابات بیش از ۲۲ میلیون نفر واجد شرایط شرکت در انتخابات بودند که از این تعداد بیش از ۱۴.۵ میلیون نفر (۶۴،۲۴ درصد) شرکت کردند. چهار چهره‌ی شاخصی که در این رقابت شرکت کردند عبارت بودند از: سید اکبر پرورش (نماینده‌ی مجلس)، عباس شیبانی (پزشک)، حبیب‌الله عسگرآلادی مسلمان (نماینده‌ی مجلس) و منتخب این دوره، محمدعلی رجایی که با کسب ۹۰ درصد آراء دومین رئیس‌جمهور ایران شد.

پس از شهادت شهید رجایی در ۸ شهریور سال ۱۳۶۰ بلافاصله مقدمات برگزاری انتخابات سومین دوره‌ی ریاست جمهوری فراهم شد.

سومین دوره‌ی انتخابات ریاست جمهوری، ۱۳۶۰

سومین دوره‌ی انتخابات ریاست جمهوری در تاریخ ۱۰/۷/۱۳۶۰ برگزار شد. در این انتخابات بیش از ۲۲ میلیون و ۴۰۰ هزار نفر واجد شرایط بودند که از این تعداد ۱۶ میلیون و ۸۰۰ هزار نفر (۷۴،۲۶ درصد) شرکت کردند. در این دوره ۴۶ نفر داوطلب شدند که پس از بررسی شورای نگهبان صلاحیت ۴ نفر تأیید شد. این افراد عبارت بودند از علی‌اکبر پرورش (نماینده‌ی مجلس)، سید رضا زواره‌ای (معاون وزارت کشور)، حسن غفوری فرد و حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (نماینده‌ی شورای انقلاب و معاون وزارت دفاع) که با ۹۵ درصد آراء به ریاست جمهوری انتخاب شد. حکم تنفیذ حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در تاریخ ۱۷/۷/۶۰ توسط امام (ره) صادر شد.

چهارمین دوره‌ی انتخابات ریاست جمهوری، ۱۳۶۴

انتخابات چهارمین دوره‌ی ریاست جمهوری در تاریخ ۲۵/۵/۱۳۶۴ در سراسر کشور برگزار شد. در این دوره ۵۰ نفر داوطلب شدند که شورای نگهبان صلاحیت ۳ نفر را تأیید کرد.

در این انتخابات ۲۵ میلیون ۱۳۳ هزار و ۸۰۲ نفر واجد شرایط بودند که از این تعداد ۱۴ میلیون و ۲۳۸ هزار و ۵۸۷ نفر (۵۴.۷۸ درصد) شرکت کردند. نامزدهای این دوره، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با ۱۲ میلیون و ۲۰۵ هزار رأی (۸۵ درصد آراء)، حبیب‌الله عسگرآلادی مسلمان با ۲۷۸ هزار و ۱۱۳ رأی (۱.۹۵ درصد) و محمود کاشانی با یک میلیون و ۴۰۲ هزار و ۹۵۳ رأی (۹.۸۵ درصد) بودند که آیت‌الله خامنه‌ای برای بار دوم با رأی قاطع مردم انتخاب شد.

پنجمین دوره‌ی انتخابات ریاست جمهوری، ۱۳۶۸

پنجمین دوره انتخابات ریاست جمهوری پس از ارتحال جانگداز رهبر انقلاب در تاریخ ۶/۵/۱۳۶۸ برگزار شد.

درحالی‌که چهارمین رییس جمهوری عملاً تا ۱۷ مهر آن سال باید در پست ریاست جمهوری انجام وظیفه می‌کرد، اما به علت ارتحال رهبر انقلاب در تاریخ ۱۴/۴/۱۳۶۸ و انتخاب رییس‌جمهور وقت به رهبری نظام جمهوری اسلامی، انتخابات روز جمعه ۶ مردادماه برگزار و این دوره یک ماه و نیم زودتر از موعد مقرر انجام شد.

در این انتخابات ۳۰ میلیون ۱۳۹ هزار و ۵۹۸ نفر واجد شرایط شرکت در انتخابات بودند که از این تعداد نفر ۱۶ میلیون ۴۵۲ هزار و ۶۷۷ نفر (۵۴.۵۹ درصد) شرکت کردند.

در این دوره، ۷۹ نفر داوطلب شدند و دو نفر تأیید صلاحیت شدند که از میان آنها اکبر هاشمی رفسنجانی (رئیس مجلس شورای اسلامی) با ۱۵ میلیون ۵۵۰ هزار و ۵۲۸ رأی (۹۴ درصد) رییس‌جمهور شد و تعداد آرای عباس شیبانی (نماینده‌ی مجلس) برابر با ۶۳۵ هزار و ۱۶۵ (۳.۸۶ درصد) بود.

ششمین دوره‌ی انتخابات ریاست جمهوری، ۱۳۷۲

انتخابات ششمین دوره‌ی ریاست جمهوری در تاریخ ۲۱/۳/۱۳۷۲ برگزار شد. در این انتخابات ۳۳ میلیون ۱۵۶ هزار و ۵۵ نفر واجد شرایط شرکت در انتخابات بودند که از این تعداد ۱۶ میلیون و ۷۹۶ هزار و ۷۸۷ نفر (۵۰.۶۶ درصد) شرکت کردند.

شورای نگهبان از میان ۱۲۸ نفری که ثبت‌نام کرده بودند ۴ نفر را تأیید کرد که آراء آنها عبارتند: احمد توکلی (سردبیر اقتصادی روزنامه‌ی رسالت) با ۴ میلیون ۲۶ هزار و ۸۷۹ رأی (۲۳.۹۷ درصد)، عبدالله جاسبی (رئیس دانشگاه آزاد اسلامی) با یک میلیون و ۴۹۸ هزار و ۴۸۰ رأی (۸.۹۲ درصد)، رجبعلی طاهری (مجری طرح سازمان صنایع دفاع) با ۳۸۷ هزار و ۶۵۵ رأی (۲.۳۱ درصد) و اکبر هاشمی رفسنجانی با ۱۰ میلیون و ۵۶۶ هزار و ۴۹۹ رأی (۶۳ درصد).

در این دوره اکبر هاشمی رفسنجانی برای بار دوم به عنوان رییس‌جمهوری اسلامی ایران انتخاب شد.

هفتمین دوره‌ی انتخابات ریاست جمهوری، ۱۳۷۶

انتخابات هفتمین دوره‌ی ریاست جمهوری در تاریخ ۲/۳/۱۳۷۶ برگزار شد. در این دوره ۳۶ میلیون ۴۶۶ هزار و ۴۸۷ نفر واجد شرایط شرکت در انتخابات بودند که از این تعداد ۲۹ میلیون ۱۴۵ هزار و ۷۴۵ نفر (۷۹.۹۲ درصد) در انتخابات شرکت کردند.

در این انتخابات ۲۳۸ نفر داوطلب شدند که از این تعداد ۴ نفر توسط شورای نگهبان تأیید صلاحیت شدند.

سید محمد خاتمی با ۲۰ میلیون ۱۳۸ هزار و ۷۸۴ رأی (۶۹ درصد)، حجت‌الاسلام علی‌اکبر ناطق نوری با ۷ میلیون و ۲۴۸ هزار و ۳۱۷ رأی، محمد محمدی ری‌شهری با ۷۴۴ هزار و ۲۰۵ رأی، سید رضا زواره‌ای با ۷۷۲ هزار و ۷۰۷ رأی. حکم تنفیذ حجت‌الاسلام سید محمد خاتمی در روز ۱۲/۵/۱۳۷۶ از سوی مقام معظم رهبری صادر و وی به عنوان پنجمین رییس‌جمهور ایران معرفی شد.

هشتمین دوره‌ی انتخابات ریاست جمهوری، ۱۳۸۰

انتخابات هشتمین دوره‌ی ریاست جمهوری در تاریخ ۱۸/۳/۱۳۸۰ برگزار شد. در این دوره ۴۲ میلیون ۱۷۰ هزار و ۲۳۰ نفر واجد شرایط شرکت در انتخابات بودند که از این تعداد ۲۸ میلیون و ۱۵۵ هزار و ۹۶۹ نفر (۶۷.۷۷ درصد) شرکت کردند. در این انتخابات از میان ۸۱۷ داوطلب ثبت‌نام کننده، ۱۰ نفر توسط شورای نگهبان تأیید صلاحیت شدند که سید محمد خاتمی برای بار دوم با ۲۱ میلیون

و ۶۵۹ هزار و ۵۳ رأی (۷۷ درصد) رییس‌جمهور شد.
حکم تنفیذ حجت‌الاسلام سید محمد خاتمی در تاریخ ۱۱/۵/۱۳۸۰ توسط
مقام معظم رهبری صادر شد.

نهمین دوره‌ی انتخابات ریاست جمهوری، ۱۳۸۴

نهمین دوره‌ی انتخابات ریاست جمهوری ایران در تاریخ ۲۷/۳/۱۳۸۴ برگزار شد. این دوره از انتخابات ریاست جمهوری طی دو مرحله برگزار شد و در جریان آن محمود احمدی‌نژاد به عنوان ششمین رییس‌جمهور ایران انتخاب شد.

نتایج انتخابات مرحله اول ریاست جمهوری دوره‌ی نهم: اکبر هاشمی رفسنجانی با ۶ میلیون و ۱۶۰ هزار رأی (۲۱ درصد آراء) نفر اول، محمود احمدی‌نژاد با ۵ میلیون و ۷۱۰ هزار رأی (۱۹.۵ درصد آراء) نفر دوم، مهدی کروبی با ۵ میلیون و ۷۰ هزار رأی (۱۷.۳ درصد آراء)، محمدباقر قالیباف با ۴ میلیون و ۷۰ هزار رأی (۱۳.۹ درصد آراء)، مصطفی معین با ۴ میلیون و ۵۰ هزار رأی (۱۳.۸ درصد آراء)، علی لاریجانی با ۱ میلیون و ۷۴۰ هزار رأی (۵.۹ درصد) و محسن مهرعلیزاده با یک میلیون و ۲۹۰ هزار رأی (۴/۴ درصد) به ترتیب در رتبه بعدی قرار گرفتند. تعداد آرای باطله نیز یک میلیون و ۲۰۰ هزار رأی (۴.۲ درصد) کل آراء بوده است.

بر اساس نتایج مرحله اول، هاشمی رفسنجانی و احمدی‌نژاد به مرحله دوم راه یافتند. در مرحله‌ی دوم انتخابات، محمود احمدی‌نژاد موفق شد اکثریت آراء را به خود اختصاص دهد و حکم تنفیذ وی از سوی مقام معظم رهبری صادر و به‌عنوان رییس‌جمهور کشور برگزیده شد.

دهمین دوره‌ی انتخابات ریاست جمهوری، ۱۳۸۸

دهمین دوره‌ی انتخابات ریاست جمهوری ایران، در روز جمعه ۲۲ خرداد ۱۳۸۸ برگزار شد. بر اساس اعلام رسمی وزارت کشور، محمود احمدی‌نژاد، با بیش از ۲۴ میلیون رأی، در این انتخابات با اختلاف رأی زیادی نسبت به میر حسین موسوی، که بیش از ۱۳ میلیون رأی داشت، به پیروزی رسید.
در این دوره، ۴۶ میلیون و ۱۹۹ هزار و ۹۷۷ نفر واجد شرایط رأی دادن بودند که ۸۵ درصد از واجدین شرایط در این انتخابات شرکت کردند.

نتایج تحلیل آماری ۱۰ دوره‌ی انتخابات ریاست جمهوری

بررسی آماری ۱۰ دوره‌ی انتخابات ریاست جمهوری می‌تواند تحلیلی راهگشا و کارآمد در نظر به نوع و برخورد مردم در مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری و انتخاب بالاترین مقام اجرایی کشور باشد.

مشارکت در حدود ۶۸ درصدی مردم در دور اول ریاست جمهوری با توجه به این که تمامی نامزدها به نوعی در چهارچوب حکومت جدید بودند و هر کدام به نوعی دعوی به‌دست آوردن کرسی ریاست بالاترین نهاد اجرایی کشور را داشتند، اولین نکته‌ای است که در انتخاب دوره‌ی اول به چشم می‌خورد. علاوه بر فضای مسموم ایجاد شده توسط گروه‌های ضدانقلاب که در آن دوران هنوز اجازه‌ی فعالیت در صحنه سیاسی را داشتند، رد شدن جلال‌الدین فارسی‌نامزد مورد تأیید حزب جمهوری اسلامی و بسیاری از تشکلهای ارزشی به بهانه‌ی تشکیک در ایرانی‌الصل بودن نامبرده از جمله عوامل تنش‌زا در بستر اجتماعی مشارکت مردمی در بهمن‌ماه ۱۳۵۸ بود.

در دوره‌ی دوم اما علی‌رغم این که انقلاب نوپای ایران به دنبال اتخاذ مشی مسلحانه و ترورهای کور توسط منافقین و دیگر گروه‌های ضدانقلاب، وارد یکی از بحرانی‌ترین مقاطع تاریخی خود شده بود اما با حضور ۶۵ درصدی مردم و رأی در حدود سیزده میلیون رأی‌دهنده به دنبال ترور ۷۲ نفر از بهترین یاران انقلاب در هفتم تیرماه به نوعی واگویی این احساس ملت بود که شهید رجایی به همراه یار دیرینه‌اش دکتر باهنر همان نمادهایی هستند که می‌توانند استقامت و ایستادگی هر چه باشکوه‌تر ایران و ایرانی را به تماشا بگذارند و رأی به ایشان به معنای نمایش همبستگی و مقاومت ملت انقلابی ایران است.

اگرچه کینه‌توزی منافقین اجازه نداد که طعم این همدلی بیشتر از یک ماه در جان و ذائقه ملت ایران بماند، ولی حضور آیت‌الله خامنه‌ای در دور سوم که تنها یک ماه بعد از انتخابات دور دوم بود و مشارکت ۷۵ درصدی مردم و رأی ۱۶.۸۰۰.۰۰۰ هزار نفری آیت‌الله خامنه‌ای که چیزی در حدود ۹۵ درصد کل آرای مأخوذه بود، نشان داد که مردم به هر گنش مذبحخانه‌ای از آنچه و آن که دشمن می‌پنداشتند، واکنشی سترگ و حماسه‌وار نشان داده و می‌دهند.

اما دور چهارم، پنجم و ششم انتخابات ریاست جمهوری هر کدام بنا بر دلایل متعدد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی با مشارکت نسبی مردم رو به رو شد که البته در تبیین آن ذکر چند نکته حائز اهمیت است. اول این که دور چهارم انتخابات مصادف با دومین دور ریاست جمهوری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بود و برای مردم مسلم بود که ایشان کماکان منتخب ملتی خواهد بود که در شرایط

جنگ و تحریم‌های اقتصادی است و تنش‌هایی که درباره‌ی ادامه جنگ و پذیرش قطعنامه در جامعه جریان دارد ایجاب می‌کند که سکان‌دار امور کشور تغییر نیابد، به همین دلیل آن‌گونه که در دوره‌های بعد و در زمان دور دوم انتخاب هاشمی و خاتمی ملاحظه می‌شود به‌طور کل انتخابات از مشارکتی پایین‌تر در مقایسه با دور اول هر رئیس‌جمهور برخوردار شده است.

اما دور پنجم که همراه با پایان جنگ و ضرورت سازندگی کشور و پس از ارتحال امام خمینی (ره) و در اوائل رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای برگزار می‌شود نیز برای مردم مسلم بود که تنها هاشمی رفسنجانی فردی است که از عهده‌ی این مهم بر می‌آید لذا رقیبی برای وی متصور نبود.

در دور ششم نیز به دلیل شرایط پیش گفته در انتخابات دومین دور هر رئیس‌جمهوری افزایشی در میزان مشارکت دیده نمی‌شود، گرچه رأی آقای هاشمی به‌علت نخستین رقابت جدی در طول ادوار انتخابات ریاست جمهوری به نسبت افت می‌کند و رقیب ایشان آقای توکلی در مقایسه با رقبای سایر ادوار رأی قابل توجهی می‌آورد.

اما دور هفتم یکی از کم‌نظیرترین مشارکت‌های مردم بود. در این دوره شعارها و محورهای فکری جدیدی که آقای خاتمی مطرح کرد و وعده‌هایی که در مورد تغییر فضای سیاسی و فرهنگی موجود داد، مردم را به سوی این شعارهای جدید جذب نمود. این در حالی بود که رقیب ایشان وعده حفظ وضع موجود دوره‌ی هاشمی با انجام برخی تغییرات را می‌داد. ادامه‌ی این شوق به تازگی، در مردم باعث شد که حتی در تعاملی جدی، انتخابات مجلس ششم نیز در ید هم‌فکران سیاسی و اعضای حزبی خاص که داعیه‌ی طرفداران ایشان را داشت، درآید. با این وجود تحلیل مشارکت بالای مردم در انتخاب هفتم ریاست جمهوری نیز همان‌گونه که تا به حال نقد و نظرهای بسیاری را برانگیخته قابل توجه است. این که برخلاف تبلیغ‌های ناروایی که معاندین نظام و رسانه‌های غربی در دوره‌ی پیش از انتخاب هفتم داشتند، رأی‌گیری یک انتصاب نانوشته از بالا نبود و تفکری که در جامعه وجود داشت باعث شد تا مشارکت بالای مردمی در این انتخابات صورت بگیرد و اصولاً مشارکت بالای مردم در همین راستا صورت گرفت و مردم خواستند که قدرت انتخاب خود را به رخ بکشند اما در دوره‌ی هشتم نیز که شاهد این مشارکت تا ۶۶ درصد بوده‌ایم، انتخابات حضور ۱۰ نامزد ریاست جمهوری را تجربه کرد و شاید یکی از عللی که حضور مردم را در انتخاب هشتم به نسبت انتخاب هفتم‌شان کم‌رنگ‌تر کرده همان تکثر نامزدها و جدی نگرفتن رقابت آنها با آقای خاتمی در ذهن مردم باشد.

■ **دوره‌ی اول:** انتخابات ریاست جمهوری در تاریخ ۵/۱۱/۱۳۵۸ در سراسر کشور برگزار گردید. در این انتخابات ۱۲۴ نفر داوطلب شدند که صلاحیت هیچ یک رد نشد و تمامی این افراد وارد میدان رقابت شدند. جمعیت واجد شرایط جهت شرکت در این انتخابات ۲۰۸۵۷۳۹۱ نفر بود که از این تعداد مجموع آراء شرکت‌کنندگان ۱۴،۱۵۲،۹۰۲ نفر یعنی ۶۷.۸۶ درصد از مردم مشارکت نمودند. بر اساس ماده‌ی ۵ لایحه‌ی قانونی انتخابات اولین رئیس‌جمهوری ایران مصوب ۲۸/۹/۵۸ شورای انقلاب: «وزارت کشور فهرست داوطلبان ریاست جمهوری که حائز شرایط تشخیص داده شد را جهت تأیید صلاحیت به حضور رهبر انقلاب تقدیم می‌نماید». با این وصف تأیید صلاحیت نامزدهای انتخابات اولیه ریاست جمهوری به عهده حضرت امام خمینی (ره) بود و ایشان تمام ۱۲۴ نفر را تأیید و در نهایت ۱۰۷ نفر در روز رأی‌گیری به رقابت پرداختند.

چهره‌های شاخصی که در این رقابت شرکت نمودند عبارتند از: ابوالحسن بنی‌صدر (وزیر دارایی وقت) با ۱۰،۷۵۳،۷۵۲ رأی (۷۵.۷٪) و دکتر حسن حبیبی (وزیر علوم و آموزش عالی وقت) با ۶۷۶،۸۵۲ رأی (۴.۷۸٪)، دکتر کاظم سامی، سرپرست جمعیت شیر خورشید سرخ ایران با ۱۶۱،۹۰ رأی (۰.۶۴٪) از چهره‌های شاخص دیگر صادق خلخالی، مسعود رجوی، سید احمد محسن (استاندار خوزستان) بودند.

اولین رئیس‌جمهور کشور بنی‌صدر انتخاب گردید که پس از عزل وی توسط مجلس و حضرت امام (ره)، در یک سال و شش ماه بعد، دومین انتخابات ریاست جمهوری برگزار گردید.

■ **دوره‌ی دوم:** انتخابات دومین دوره‌ی ریاست جمهوری در تاریخ ۲/۵/۶۰ پس از گذشت یک سال از آغاز جنگ تحمیلی برگزار گردید. بر اساس قانون مورخ ۱۳/۴/۶۰ مصوب مجلس شورای ملی (اسلامی) تأیید صلاحیت داوطلبان ریاست جمهوری به عهده شورای نگهبان گذاشته شد. در این دوره ۷۱ نفر داوطلب شدند که فقط صلاحیت ۴ نفر از سوی شورای نگهبان تأیید گردید. در این انتخابات ۲۲،۴۳۹،۹۳۰ نفر واجد شرایط شرکت در این انتخابات بوده‌اند که از این تعداد ۱۴،۵۷۳،۸۰۳ نفر یعنی ۶۴.۲۴٪ مردم شرکت کردند.

چهار چهره شاخصی که در این رقابت شرکت نمودند عبارت بودند از: سید اکبر پرورش (نماینده مجلس) با ۳۳۹،۶۴۶ رأی (۲.۶۷٪)، عباس شیبانی (پزشک) با ۶۵۸،۴۹۸ رأی (۴.۵۳٪)، حبیب‌الله عسگرآولادی (مسلمان (نماینده مجلس) با ۲۴۹۴۵۷ رأی (۱.۷۲٪) که منتخب این دوره محمدعلی رجایی از میان

۱۴۵۷۳۸۰۳ نفر شرکت کننده (۶۴.۲۴٪)، تعداد ۱۲۷۷۰۰۵۰ رأی (۹۰٪)، را به دست آورد که حکم تنفیذ وی توسط رهبر فقید انقلاب صادر شد. داستان تواضع و خشوع او در مقابل ولایت امر مسلمین و بوسه بر دستان مبارک حضرت امام خمینی(ره) در هنگام دریافت حکم ریاست جمهوری داستانی ماندگار در تاریخ انقلاب و نظام است.

■ **دوره سوم:** پس از شهادت رییس جمهور شهید رجایی در هشتم شهریور ۱۳۶۰ بلافاصله مقدمات برگزاری انتخابات سومین دوره ریاست جمهوری فراهم شد و این انتخابات در تاریخ ۱۰/۷/۱۳۶۰ برگزار گردید. در این انتخابات ۲۲،۴۳۹،۹۳۰ نفر واجد شرایط شرکت بودند که از این تعداد ۱۶،۸۴۶،۷۱۵ نفر یعنی معادل ۷۴.۲۶٪ شرکت نمودند. در این دوره ۴۶ نفر داوطلب شدند که پس از بررسی شورای نگهبان صلاحیت ۴ نفر تأیید شد. این افراد عبارت بودند از علی اکبر پرورش (نماینده مجلس) با ۳۴۸۲۹۴ رأی (۲.۰۲٪)، حضرت آیت الله خامنه‌ای (نماینده شورای انقلاب و معاون وزارت دفاع) با ۱۵،۹۰۵،۹۸۷ رأی (۹۵٪)، زواره‌ای (معاون وزارت کشور) با ۵۹،۰۵۸ رأی (۰.۳۸٪) و دکتر غفوری فرد با ۸۰۵۴۵ رأی (۰.۴۸٪).

نکته حائز اهمیت آن که آقایان محمدرضا مهدوی کنی، علی موحدی ساوجی و دکتر ولایتی از جمله داوطلبان بودند که برخی توسط شورای نگهبان رد صلاحیت شدند و برخی نیز وارد میدان رقابت نشدند. منتخب این دوره حضرت آیت الله خامنه‌ای بود که حکم تنفیذ وی در تاریخ ۱۷/۷/۱۳۶۰ توسط رهبر فقید انقلاب صادر شد.

■ **دوره چهارم:** انتخابات چهارمین دوره ریاست جمهوری در تاریخ ۲۵/۵/۱۳۶۴ در سراسر کشور برگزار شد. در این انتخابات ۵۰ نفر داوطلب شدند که شورای نگهبان صلاحیت ۳ نفر را تأیید نمود. در این انتخابات ۲۵،۱۳۳،۸۰۲ نفر واجد شرایط بودند که از این تعداد ۱۴،۲۳۸،۵۸۷ نفر معادل ۵۴.۷۸٪ شرکت نمودند. نامزدهای این دوره و آرای آنها عبارتند از: حضرت آیت الله خامنه‌ای با ۱۲،۲۰۵،۰۱۲ رأی (۸۵٪)، عسگر اولادی مسلمان با ۲۷۸،۱۱۳ رأی (۱.۹۵٪) و محمود کاشانی (استاد دانشگاه) ۱،۴۰۲،۹۵۳ رأی (۰.۸۵٪).

■ **دوره پنجم:** انتخابات پنجمین دوره ریاست جمهوری پس از ارتحال جانگداز رهبر فقید انقلاب در تاریخ ۶/۵/۱۳۶۸ برگزار شد. این در حالی بود

که چهارمین رییس جمهوری عملاً تا ۱۷ مهر آن سال باید در پست ریاست جمهوری انجام وظیفه نماید اما به علت ارتحال رهبر فقید انقلاب در تاریخ ۱۴/۴/۱۳۶۸ و انتخاب رییس جمهور وقت به رهبری نظام جمهوری اسلامی، انتخابات روز جمعه ششم مردادماه برگزار گردید و این دوره یک ماه و نیم زودتر از موعد مقرر آغاز گردید. در فاصله ی ارتحال رهبر کبیر انقلاب و انتخابات پنجمین دوره ریاست جمهوری، امورات مربوط به رییس جمهوری توسط رهبر جدید انجام می گرفت. در این انتخابات ۳۰،۱۳۹،۵۹۸ نفر واجد شرایط شرکت بودند که از این تعداد ۱۶،۴۵۲،۶۷۷ نفر شرکت کردند یعنی ۵۴.۵۹٪ واجدین شرایط.

همچنین در پنجمین دوره، ۷۹ نفر داوطلب شدند و دو نفر ایشان تأیید صلاحیت شدند که عبارتند از: هاشمی رفسنجانی (رئیس مجلس شورای اسلامی) با ۱۵،۵۵۰،۵۲۸ رأی (۹۴٪) و شبیبانی (نماینده ی مجلس) با ۶۳۵،۱۶۵ رأی (۳.۸۶٪).

■ **دوره ی ششم:** انتخابات ششمین دوره ریاست جمهوری در تاریخ ۲۱/۳/۱۳۷۲ برگزار گردید. در این انتخابات ۳۳،۱۵۶،۰۵۵ نفر واجد شرایط شرکت بودند که از این تعداد ۱۶،۷۹۶،۷۸۷ نفر معادل ۵۰.۶۶٪ شرکت نمودند. شورای نگهبان از میان ۱۲۸ نفری که ثبت نام کرده بودند ۴ نفر را تأیید نمود که عبارتند از: توکلی (سردبیر اقتصادی روزنامه ی رسالت) با ۴۰،۲۶،۸۷۹ رأی (۲۳.۹۷٪)، جاسبی (رئیس دانشگاه آزاد اسلامی) با ۱۰،۴۹۸،۰۸۴ رأی (۸.۹۲٪)، طاهری (مجری طرح سازمان صنایع دفاع) با ۳۸۷،۶۵۵ رأی (۲.۳۱٪)، هاشمی رفسنجانی با ۱۰،۵۶۶،۴۹۹ رأی (۶۳٪).

دوره ی هفتم: انتخابات هفتمین دوره ی ریاست جمهوری در تاریخ ۲/۳/۱۳۷۶ برگزار گردید. در این دوره ۳۶،۴۶۶،۴۸۷ نفر واجد شرایط شرکت بودند که از این تعداد ۲۹،۱۴۵،۷۴۵ نفر شرکت نمودند که معادل ۷۹.۹۲٪ بود و در این انتخابات ۲۳۸ نفر داوطلب شدند که از این تعداد چهار نفر توسط شورای نگهبان تأیید شدند. حجت الاسلام خاتمی با ۲۰،۱۳۸،۷۸۴ رأی (۶۹٪)، حجت الاسلام ناطق نوری با ۷،۲۴۸،۳۱۷ رأی، محمد ری شهری با ۷۴۴،۲۰۵ رأی، زواره ی با ۷۷۲،۷۰۷ رأی. حکم تنفیذ حجت الاسلام خاتمی در ۱۲/۵/۱۳۷۶ از سوی مقام معظم رهبری صادر شد.

دوره‌ی هشتم: انتخابات هشتمین دوره ریاست جمهوری در تاریخ ۱۸/۳/۱۳۸۰ برگزار گردید. در این دوره ۲۳۰،۱۷۰،۴۲ نفر واجد شرایط شرکت بودند که از این تعداد ۲۸،۱۵۵،۹۶۹ نفر شرکت نمودند که معادل ۶۷.۷۷٪ ضریب مشارکت مردم بود. در این انتخابات از میان ۸۱۷ داوطلب ثبت‌نام کننده، تعداد ۱۰ نفر توسط شورای نگهبان تأیید شدند که سید محمد خاتمی برای بار دوم با ۲۱،۶۵۹،۰۵۳ رأی (۷۷٪) رییس‌جمهور شد و پس از آن دکتر توکلی، شمخانی، غفوری فرد، فلاحیان و جاسبی قرار گرفتند. حکم تنفیذ حجت‌الاسلام خاتمی در تاریخ ۱۱/۵/۱۳۸۰ توسط مقام معظم رهبری صادر شد.

■ **دوره‌ی نهم:** نتایج انتخابات دور اول ریاست جمهوری دوره‌ی نهم نشان می‌دهد که آقای هاشمی رفسنجانی با ۶.۱۶ میلیون نفر (۲۱ درصد) نفر اول و آقای احمدی‌نژاد با ۵.۷۱ میلیون نفر (۱۹.۵ درصد) نفر دوم بودند و پس از ایشان آقایان کروبی با ۵.۰۷ میلیون نفر (۱۷.۳ درصد)، قالیباف با ۴.۰۷ میلیون نفر (۱۳.۹ درصد)، معین با ۴.۰۵ میلیون نفر (۱۳.۸ درصد)، لاریجانی با ۱.۷۴ میلیون نفر (۵.۹ درصد) و مهر علیزاده با ۱.۲۹ میلیون نفر (۴/۴ درصد) به ترتیب در رتبه‌های بعدی قرار گرفتند. تعداد آرای باطله نیز ۱.۲ میلیون معادل ۴.۲ درصد کل آراء بوده است. در این دوره از انتخابات پراکندگی آراء و محبوبیت نامزدها در نقاط مختلف کشور از تنوع قابل توجهی برخوردار بود. بر اساس نتایج مرحله‌ی اول آقایان هاشمی و احمدی‌نژاد به مرحله دوم راه یافتند. در بین داوطلبین نام‌برده شده، بیشترین میزان پراکندگی (واریانس) رأی استانی به ترتیب آقایان احمدی‌نژاد، کروبی و معین اختصاص دارد. رأی آقایان هاشمی و قالیباف تقریباً در سطح کشور یکنواخت است اما رأی آقایان احمدی‌نژاد و کروبی دارای پراکندگی بالایی در سطح کشور بود. در مرحله‌ی دوم انتخابات، آقای احمدی‌نژاد موفق شدند اکثریت آراء را به خود اختصاص دهند و به‌عنوان نهمین رییس‌جمهور کشور برگزیده شوند.

آنچه در شهرستان‌ها گذشت

■ **شهرستان‌های کوچک:** به‌طور متوسط در ۲۰۰ شهرستان کوچک آقای کروبی (۲۲.۲ درصد)، هاشمی (۲۱.۲ درصد)، معین (۱۵.۳ درصد)، احمدی‌نژاد (۱۵ درصد) و قالیباف (۱۴.۴ درصد) به ترتیب رتبه‌های اول تا پنجم را کسب کرده‌اند. آقایان کروبی و معین به‌طور متوسط در شهرستان‌های با اکثریت

روستایی رأی بالاتری در مقایسه با شهرستان‌های با اکثریت شهری به دست آورده‌اند. این نسبت برای آقایان هاشمی و قالیباف تفاوت قابل توجهی بین نقاط شهری و روستایی در شهرستان‌های کوچک ندارد. لیکن برای آقای احمدی‌نژاد آرای ایشان در نقاط شهری به مراتب بیشتر از نقاط روستایی است.

■ **شهرستان‌های متوسط:** در شهرستان‌های متوسط به‌طور میانگین آقایان کروبی (۲۲.۷ درصد)، هاشمی (۲۱.۵ درصد)، احمدی‌نژاد (۱۶.۲ درصد)، معین (۱۶.۱ درصد) و قالیباف (۱۵.۵ درصد) به ترتیب رتبه‌های اول تا پنجم را داشته‌اند. همچنین بررسی آراء در نقاط شهری و روستایی نشان می‌دهد که آقایان هاشمی، معین و قالیباف در شهرستان‌های با اکثریت روستایی رأی بیشتری داشته‌اند در مورد آقای کروبی با درصد بسیار کمی وضعیت در نقاط شهری بهتر بوده است و در مورد آقای احمدی‌نژاد همانند شهرستان‌های کوچک ملاحظه می‌شود که درصد آرای ایشان در نقاط شهری به میزان قابل توجهی بیشتر از نقاط روستایی است.

■ **شهرستان‌های بزرگ:** در شهرستان‌های بزرگ کشور آقایان احمدی‌نژاد (۲۴.۸ درصد)، هاشمی (۲۲.۷ درصد)، قالیباف (۱۵.۵ درصد)، کروبی (۱۳.۸ درصد) و معین (۱۳.۲ درصد) به ترتیب حائز اکثریت آراء شده‌اند. در مورد آقایان هاشمی، قالیباف و معین، تفاوت قابل ملاحظه‌ای در آرای نقاط شهری و روستایی وجود ندارد. لیکن آقای کروبی به‌طور قابل توجهی در نقاط روستایی دارای رأی بیشتری است و آقای احمدی‌نژاد مشابه شرایط شهرستان‌های کوچک و متوسط در شهرستان‌های بزرگ نیز در نقاط شهری حائز آرای بیشتری شده‌اند.

۶۳ درصد آراء در دست احمدی‌نژاد

در مرحله‌ی دوم انتخابات ۲۷.۸ میلیون نفر به پای صندوق‌های رأی رفتند که در مقایسه با مرحله اول میزان مشارکت به مقدار ۵ درصد کاهش یافت. محمود احمدی‌نژاد موفق به کسب ۶۳ درصد آراء شده و به ریاست جمهوری کشور برگزیده شد. بررسی آراء در مرحله دوم نشان می‌دهد که تفاوت چندانی در میزان کسب آراء توسط نامزدها در نقاط شهری و روستایی و همچنین در شهرهای کوچک، متوسط و بزرگ مطابق طبقه‌بندی انجام شده، مشابه آنچه

در مرحله‌ی اول انتخابات بود، وجود ندارد.

در تمام این گروه‌ها احمدی‌نژاد به طور متوسط آرای بی‌۶۱ تا ۶۸ درصد کسب کرد و آقای هاشمی نیز بین ۳۲ تا ۳۹ درصد متغیر بوده است. ملاحظه می‌شود که احمدی‌نژاد در مرحله‌ی دوم موفق شد آرای سایر نامزدها را به سمت خود جذب کند و یکی از نکات قابل توجه در مرحله‌ی دوم این است که در بررسی آرای آقای هاشمی و احمدی‌نژاد به تفکیک مناطق جغرافیایی کشور، تفاوت معنی‌داری ملاحظه می‌شود.

احمدی‌نژاد موفق به کسب اکثریت مطلق آراء به نسبت بهتری در مناطق غرب، جنوب و جنوب شرق کشور داشته است. به عنوان مثال محمود احمدی‌نژاد در پنج استان اصفهان، قم، قزوین، سمنان و چهارمحال و بختیاری به‌طور متوسط حدود ۷۴ درصد آراء را کسب کرد.

جمع‌بندی ده مرحله انتخابات ریاست جمهوری

■ انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری در خرداد ۸۸ از حیث مشارکت مردمی در پای صندوق‌های رأی با حدود ۸۵ درصد اولین مقام را طول دوران جمهوری اسلامی و در بین ۳۳ انتخابات برگزار شده‌ی پس از انقلاب اسلامی داراست. پس از آن همه‌پرسی جمهوری اسلامی قرار دارد که میزان مشارکت ۸۴ درصد بود.

■ در میان پنج رئیس‌جمهوری منتخب گذشته (بنی‌صدر، رجایی، خامنه‌ای، هاشمی، خاتمی) در هشت دوره‌ی ریاست جمهوری، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با ۹۵.۰۳٪ بیشترین درصد آراء را کسب نمود.

■ هاشمی رفسنجانی در دومین دوره‌ی نامزدی خویش با ۶۳٪ کم‌ترین میزان درصد آراء را نسبت به سایر رؤسای جمهوری ایران کسب کرد.

■ کمترین میزان مشارکت مردم در هشت انتخابات ریاست جمهوری مربوط به ششمین دوره ریاست جمهوری در ۲۱ خرداد ۷۲ با ۵۰.۶۶٪ و بالاترین مشارکت مردمی در دهمین دوره ریاست جمهوری در ۲۲ خرداد ۸۸ با ۸۵ درصد است.

■ بیشترین تعداد نامزدهای تأیید صلاحیت شده در اولین دوره ریاست

جمهوری با ۱۰۷ نفر و کمترین نامزدها در پنجمین دوره با ۲ نفر بوده است.

■ بیشترین افراد داوطلب ثبت نام کننده، مربوط به دوره ی نهم و در حدود ۱۰۱۰ نفر است که ۹۲۱ نفر مرد و ۸۹ نفر زن و کمترین افراد داوطلب با ۴۶ نفر مربوط به دوره ی سوم است.

■ مجری انتخابات در دوره های اول و دوم سرپرست وزارت کشور، حضرت آیت الله مهدوی کنی، در دوره ی سوم وزیر کشور، سید کمال الدین نیکروش، در دوره ی چهارم وزیر کشور، حجت الاسلام ناطق نوری، در دوره ی پنجم وزیر کشور، محتشمی، در دوره ی ششم، وزیر کشور عبدالله نوری، در دوره ی هفتم بشارتی، در دوره های هشتم و نهم وزیر کشور، موسوی لاری و در دوره ی دهم کامران دانشجو بود. نگاهی به میزان مشارکت مردم آمریکا در انتخابات ریاست جمهوری همراه با آمار سال های ۱۸۲۴ تا ۲۰۰۸

با بررسی آمار و ارقام موجود درباره ی میزان مشارکت آمریکاییان در انتخابات ریاست جمهوری مشخص می شود، بالاترین نرخ مشارکت ۸۱.۸ درصد مربوط به سال ۱۸۷۶ بوده و کمترین آن نیز با ۴۸.۹ درصد در سال ۱۹۲۴ به ثبت رسیده است. اگرچه اولین دوره ی انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در سال ۱۷۸۸ برگزار شده است، اما تا سال ۱۸۲۸ یعنی یازدهمین دوره ی انتخابات ریاست جمهوری این کشور آمار دقیقی در خصوص میزان مشارکت آمریکاییان در این انتخابات وجود ندارد. اما بررسی آمارهای سال ۱۸۲۸ تا سال ۲۰۰۸ نکات قابل توجهی را دارد که در ادامه به برخی از آنها اشاره می شود:

■ بالاترین نرخ مشارکت آمریکاییان در انتخابات ریاست جمهوری مربوط بیست و سومین دوره این انتخابات در سال ۱۸۷۶ بود در این دوره ۸۱.۸ درصد از مردم در انتخابات شرکت کرده بود.

■ از طرف دیگر کمترین میزان مشارکت نیز در سال ۱۹۲۴ اتفاق افتاد، در این دوره که سی و پنجمین دوره محسوب می شد فقط ۴۸.۹ درصد واجدین شرایط در انتخابات حضور داشتند.

■ با نگاهی به آمارها به این نتیجه می رسیم که حضور آمریکاییان در انتخابات

ریاست جمهوری سال‌های ۱۸۲۸ تا ۱۹۰۸ (البته به جز سه دوره ۱۸۲۸، ۱۸۳۲ و ۱۸۳۶) به مراتب بیشتر از انتخابات برگزار شده در یک قرن اخیر، از سال ۱۹۱۲ تا ۲۰۰۸ بوده است.

■ از سال ۱۹۱۲ تا سال ۲۰۰۸ میزان مشارکت مردم هیچ‌گاه بیشتر از ۶۳.۱۱ درصد، که در سال ۱۹۶۰ ثبت شده، نبوده است.

به عبارت دیگر، بیشترین میزان مشارکت آمریکاییان در انتخابات ریاست جمهوری یک قرن اخیر در سال ۱۹۶۰ رقم خورده است و کمترین رقم مشارکت تاریخ انتخابات ریاست جمهوری آمریکا نیز در همین قرن اخیر و در سال ۱۹۲۴ اتفاق افتاد.

میزان حضور مشارکت مردم در انتخابات ریاست جمهوری

آمریکا از سال ۱۸۲۴ تا ۲۰۰۸ یعنی از دوره‌ی دهم تا دوره‌ی پنجاه و ششم به شرح زیر است:

- سال ۱۸۲۸ میزان مشارکت ۵۷.۶ درصد
- سال ۱۸۳۲ میزان مشارکت ۵۵.۴ درصد
- سال ۱۸۳۶ میزان مشارکت ۵۷.۸ درصد
- سال ۱۸۴۰ میزان مشارکت ۸۰.۲ درصد که سومین مشارکت حداکثری مردم در انتخابات آمریکا است.
- سال ۱۸۴۴ میزان مشارکت ۷۸.۹ درصد
- سال ۱۸۴۸ میزان مشارکت ۷۲.۷ درصد
- سال ۱۸۵۲ میزان مشارکت ۶۹.۶ درصد
- سال ۱۸۵۶ میزان مشارکت ۷۸.۹ درصد
- سال ۱۸۶۰ میزان مشارکت ۸۱.۲ درصد که دومین مشارکت حداکثری آمریکاییان در تاریخ انتخابات محسوب می‌شود.
- سال ۱۸۶۴ میزان مشارکت ۷۳.۸ درصد
- سال ۱۸۶۸ میزان مشارکت ۷۸.۱ درصد
- سال ۱۸۷۲ میزان مشارکت ۷۱.۳ درصد
- سال ۱۸۷۶ میزان مشارکت ۸۱.۸ درصد که بالاترین نرخ مشارکت آمریکاییان در انتخابات ریاست جمهوری این کشور محسوب می‌شود.
- سال ۱۸۸۰ میزان مشارکت ۷۹.۴ درصد
- سال ۱۸۸۴ میزان مشارکت ۷۷.۵ درصد

- سال ۱۸۸۸ میزان مشارکت ۷۹.۳ درصد
- سال ۱۸۹۲ میزان مشارکت ۷۴.۷ درصد
- سال ۱۸۹۶ میزان مشارکت ۷۹.۳ درصد
- سال ۱۹۰۰ میزان مشارکت ۷۳.۲ درصد
- سال ۱۹۰۴ میزان مشارکت ۶۵.۲ درصد
- سال ۱۹۰۸ میزان مشارکت ۶۵.۴ درصد
- سال ۱۹۱۲ میزان مشارکت ۵۸.۸ درصد
- سال ۱۹۱۶ میزان مشارکت ۶۱.۶ درصد

■ سال ۱۹۲۰ میزان مشارکت ۴۹.۲ درصد که سومین مشارکت اندک پس از سال ۱۹۱۲ (یک قرن اخیر) است.

■ سال ۱۹۲۴ میزان مشارکت ۴۸.۹ درصد که کمترین میزان مشارکت در این کشور است.

- سال ۱۹۲۸ میزان مشارکت ۵۶.۹ درصد
- سال ۱۹۳۲ میزان مشارکت ۵۶.۹ درصد
- سال ۱۹۳۶ میزان مشارکت ۶۱ درصد
- سال ۱۹۴۰ میزان مشارکت ۶۲.۵ درصد
- سال ۱۹۴۴ میزان مشارکت ۵۵.۹ درصد
- سال ۱۹۴۸ میزان مشارکت ۵۳ درصد
- سال ۱۹۵۲ میزان مشارکت ۶۳.۳ درصد
- سال ۱۹۵۶ میزان مشارکت ۶۰.۶ درصد
- سال ۱۹۶۰ میزان مشارکت ۶۳.۱۱ درصد
- سال ۱۹۶۴ میزان مشارکت ۶۱.۹۳ درصد
- سال ۱۹۶۸ میزان مشارکت ۶۰.۸۳ درصد
- سال ۱۹۷۲ میزان مشارکت ۵۵.۲۲ درصد
- سال ۱۹۷۶ میزان مشارکت ۵۳.۵۳ درصد
- سال ۱۹۸۰ میزان مشارکت ۵۲.۶۰ درصد
- سال ۱۹۸۴ میزان مشارکت ۵۳.۱۱ درصد
- سال ۱۹۸۸ میزان مشارکت ۵۰.۱۱ درصد
- سال ۱۹۹۲ میزان مشارکت ۵۵.۱۰ درصد

■ سال ۱۹۹۶ میزان مشارکت ۴۹ درصد که دومین مشارکت اندک پس از سال ۱۹۱۲ محسوب می‌شود.

■ سال ۲۰۰۰ میزان مشارکت ۵۱.۲۱ درصد

■ سال ۲۰۰۴ میزان مشارکت ۵۶.۶۹ درصد

■ سال ۲۰۰۸ میزان مشارکت ۵۸.۲۰ درصد

با نگاهی به آمار و ارقام ارائه شده می‌توان نتیجه گرفت که در ده دوره‌ی آخر انتخابات ریاست جمهوری آمریکا میزان حضور مردم در پای صندوق‌های رأی هیچ‌گاه به ۶۰ درصد نرسیده است و این امر برای کشوری که خود را داعیه‌دار دموکراسی در جهان می‌داند بسیار ناگوار است.

شاید بتوان دلیل عدم استقبال گسترده مردم از انتخابات ریاست جمهوری را از دست رفتن اعتماد آنها به دو حزب جمهوری‌خواه و دموکرات دانست که در طول تاریخ انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، عنوان ریاست جمهوری را قبضه کرده و اجازه نداده‌اند حزب دیگر یا نامزد مستقل بر سر کار آید.

در طول انتخابات آمریکا تنها افراد معدودی مانند جورج واشنگتن، جان آدامز (حزب فدرال) و آبراهام لینکن بوده‌اند که از احزابی خارج از حزب جمهوری‌خواه و دموکرات به کاخ سفید راه یافته و قدرت را در دست گرفته‌اند.

مقایسه میزان مشارکت مردم در انتخابات‌های ریاست جمهوری ایران و آمریکا نشان می‌دهد که علی‌رغم کاهش میزان مشارکت مردم آمریکا در نیم قرن اخیر در کشوری که خود را مهد دموکراسی دنیا می‌خواند اما این مشارکت در جمهوری اسلامی ایران نه تنها کاهش نیافته بلکه در یازدهمین دوره ریاست جمهوری به رکورد خیره‌کننده‌ی ۸۵ درصدی می‌رسد که برای انقلابی در دهه‌ی چهارم یک شگفتی تمام‌عیار است چرا که تمامی دانشمندان علوم سیاسی و اجتماعی، دهه‌ی چهارم و پنجم انقلاب‌ها را دوره‌ی نزول و فروپاشی انقلاب‌ها و کاهش شور و حرارت‌ها می‌دانند درحالی‌که این آموزه‌های کلاسیک در انقلاب اسلامی ایران رنگ باخته است.